

هَلْ مِنْ نَاصِرٍ نَنْصُرُنِي

یاران یامدار امام حسین

کتابخانه جامعہ اسلامیہ

یادان پایدان
امام حسین علیہ السلام

دکتر
محمد مادی آهینی

نام کتاب : یاران پایدار امام حسین

مؤلف : دکتر محمد هادی امینی

انتشارات : سعید خیابان ناصر خسرو کوچه خدا بنده لو بازار کتاب طبقه دوم

چاپ اول سال ۱۳۶۰

تیراژ : ۵۰۰۰ جلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٣٠٤١ هـ ١٤٠٣ ش

ان هذا لهو القص الحق .

لقد كان في قصصهم عبره لا ولى الالباب ما كان حديثا " يفترى
و لكن تصديق الذى بين يديه و تفصيل كلشئى و هدى و رحمه
لقوم يؤمنون .

نحن نقص عليك احسن القصص .

نحن نقص عليك نبأهم بالحق انهم فتية آمنوا بربهم و زدناهم هدى .
القرآن الكريم

تقدیم به ...

روان مقدس پدرم ... مرحوم آیه الله العظمی ...

علامه امینی نجفی ... مؤلف کتاب - الغدیر - قدس الله روحه ...
که موفقیت‌های فرهنگی و علمی خود را مرهون پرورش و تعلیم و ادعیه
قدسی او میدانم ...

و به یاد فرزند ارجمندم مرحوم ... مرتضی امینی نجفی که روز

پنجشنبه ۱۰ ذیقعدہ ۱۴۰۱ هـ به درجهٔ شهادت رسید.

داستان کربلا... یا فداکاری شگفت انگیز حضرت امام حسین علیه السلام... در تمام جنبه‌های مترقی و درخشان خود بی‌همتا بوده و هیچ حادثه‌ای مانند جانبازی عاشقانه سالار شهیدان با گذشت زمانه با طراوت و نوین نماده است... و با سر آمدن سال و زمان زبانه‌های شعله‌ورش افروخته‌تر... و فرامینش تازه و جدیدتر... و انگیزه‌های روشن‌تر میگردد... بحدیکه انسان گمان برد که فداکاری شگفت‌آور امام حسین (ع) در آن سال رخ داده است.

آری این شعله الهی... و قیام خونین از نخستین لحظه بحدی مورد توجه و دقت و بررسی، و تعمق جهان گشت که جهت برانداختن هرگونه ابرقدرتهای مقتدر جور و رژیمهای استبداد و طغیان، سرمشق گردید زیرا انقلاب حسین (ع) با طرح و نقشه دقیق الهی و بررسی شده آغاز شد و هیچگونه تزلزل و شک و تردید و سستی در او راه نیافت و از ایمان راسخ و عقیده قویم و عزم محکم و استوار خود الهام و نیرو گرفت و خاک پاک کربلا را با خون خویش و یارانش گلگون ساخت و ریشه و مبتنی اسلام را آبیاری نمود، و در حقیقت دوام دین و بقاء اسلام و قرآن تا روز قیامت مرهون فداکاری حسین (ع) است و ضمناً " به عشاق حق و حقیقت و دلباختگان آزادی و عدالت و انسانیت

و فضیلت جان بخشید و امیدوار ساخت و درس نهضت و فداکاری و جهاد مذهبی و ملی، و مبارزه با عوامل فساد و انحلال و دیکتاتوری و درهم کوبیدن بند اسارت و ستم و جور را به همگان آموخت.

واقعیت است اگر بگوئیم هیچ قیامی و جنبشی و انقلابی مانند فداکاری و کشته شدن امام حسین (ع) در طول تاریخ شمر بخش نبوده و نتیجهء مطلوبی به بار نیاورده است زیرا قیام حسین بن علی (ع) مبتنی بر نقشهء و طرح و اساس صحیح بود، و شخص رهبر و امام و قیام کننده واجد جمیع صفات رزمندگی و خصایص رهبری و فرامین سلحشوری میبود.

چون صحبت و بحث در جنبه‌های شورانگیز و جانگداز داستان کربلا بسیار است و پیرامون مبارزهء امام حسین (ع) هزارها مقاله و صدها کتاب نوشته شده است لذا صحبت را کوتاه کرده و در انگیزهء تألیف این کتاب بر می‌آیم.

به اعتقاد چنانکه حس و تجربه نیز آن را تأیید و ثابت میکند تنها عامل بیداری و پیشرفت و جهش انسان در زمینه‌های گوناگون ادراک و معرفت است و پیدایش این عامل مبتنی و زائیدهء بررسی و تفکر و پژوهش در طرز تعلیم و تربیت و تفکر پیشوایان... راستین حق و حقیقت است و آنانکه تربیت شدهء مکتبهای گروه رهبران هستند.

و متأسفانه احوال و زندگانی یاران و اصحاب حسین (ع) بر بیشتر مردم پوشیده و ناشناخته‌اند، و اکثر مردم آنها را نمی‌شناسند، و شاید بعضیها گمان برند که اصحاب آن حضرت... گروهی بوده‌اند از قشرهای پائین و بی‌بضاعت و ناشناخته و فقیر و ناتوان قبیله‌ای و نیروئی، با اینکه در صفحات این کتاب خواهند خواند که یاران حسین (ع) رزمندانی با ایمان و با قدرت و قبیله‌دار بودند، و از

اشراف و بزرگان عرب بشمار میرفتند و امکانات بسیار مادی و معنوی داشتند، لیکن چون میدانستند در جهان چیزی گرانبها تر از حق و انسانیت نیست و باید آنرا با جان بدست آورد، لذا در راه حق جان دادند، و به او رسیدند و در کنارش آرامیدند.

آری حق است... که زندگی جاودانه بخشد، و معروف را همیشه غالب و منکر را محکوم و مغلوب میسازد، و امیرالمؤمنین (ع) میفرماید. که تاخت و تاز باطل یک هنگام و تاخت و تاز حق تا روز قیام است.

حق دارای حکومتی دائم، و نفوذ و سلطه و رژیم همیشگی او مستدام و برقرار... و اگر روزی بر او ضعفی رخ دهد چندی نگذرد و از گوشه و کنار یاران و دلباختگان خود را بنصرت خواند، و به هواداری و حمایت از حق قیام کنند و مبارزه نمایند تا باطل را درهم کوبند و از میان بردارند.

یاران فداکار امام حسین (ع)

میان مؤرخین و ارباب مقاتل و حدیث اختلاف شایانی در عده یاران حضرت در کربلا وجود دارد، و اتفاقی بین آنها نیست بعضیها نوشته‌اند بنابه روایت از امام محمد الباقر (ع) که همه رزمندان امام حسین (ع) چهل و پنج سوار و یک صد نفر پیاده بودند (۱). و بعضی گفته‌اند. مجموع لشکر امام سی و دو نفر سوار و چهل تن پیاده بوده است و به روایت دیگر هشتاد و دو پیاده (۲).

۱ - اللهوف / ۱۰۰

۲ - منتهی الآمال ۲/۲۴۸.

گروه دیگر از مؤرخین صد و دوازده نفر یاران امام (ع) تعیین کرده‌اند. و کتابی بنام - ابصار العین فی انصار الامام الحسین (ع) تالیف شده و به سال ۱۳۴۱ هج در نجف اشرف به چاپ رسیده است.

مرحوم خیابانی گوید. - اشخاصیکه روز عاشورا با امام به درجهء شهادت فایز شدند از هاشمیین و غیر هم صغیرا" و کبیرا" صد و هفتاد و یک تن بوده‌اند (۳).

علامه مجلسی گوید چهل تن پیاده و سی و دو کس سوار بودند .
 محمد بن ابی طالب سی و دو تن سوار و هشتاد و دو تن پیاده .
 طبرسی سی و سه تن سواره و چهل تن پیاده .
 ابی جوزی لشکر امام را هفتاد سوار و صد پیاده نوشته .
 مؤلف شرح الشافیه سپاه حسین (ع) هزار تن دانسته .
 مسعودی در (مروح الذهب) هزار سوار و صد تن پیاده در رکاب حسین
 جهاد کردند تا شهید شدند مینویسد .
 عبدالله بن نورالله در کتاب (عوامل) سی و دو تن سوار و چهل تن
 پیاده رقم کرده .
 یافعی در (مرآة الجنان) سپاه حسین (ع) را از سواره و پیاده هشتاد
 و دو تن دانسته .
 طبری در تاریخ خود لشکر امام را چهل سوار و صد پیاده نوشته معینی
 در تاریخش معتقد است که هفت تن از اولاد علی (ع) و سه تن از
 فرزندان حسین (ع) و هشتاد و هفت تن از اصحاب شهید شدند .
 پس از بررسی و تتبع و تحقیق و مراجعه به مآخذ تاریخی معلوم
 شد که بعضی از اصحاب در وقعه کربلا نبودند و ضمناً "حزو شهدا
 قید کرده اند مانند هاشم المرقال که از یاران امیرالمؤمنین (ع) است

و در جنگ صفین شهید شده. اضافه به نام برخی که اصلاً " در منابع و کتب تراجم اشاره به نام آنها نشده یا اشتباه ذکر شده با تصحیف در اسم و نسب لذا در این کتاب اکتفا شده به نام یاران و اصحاب امام حسین (ع) که مؤرخین و ارباب مقاتل تصریح بر شهادت آنها را در کربلا نموده‌اند با تعیین مصدر و مأخذ و شماره جلد و صفحه. متأسفانه محدثین و مؤرخین در ذکر شهدا حروف را رعایت نکرده‌اند و در تقدیم و تأخیر اصحاب اختلافات زیادی هست بنابراین نام شهدا در این کتاب به ترتیب الفبا تنظیم شده جهت سهوله کار و یافتن شهید... با وجود زحمات و گرفتاریهای فراوان در تألیف و جمع‌آوری مأخذ که خدا زاشکر بی‌ثمر نبوده است و اکنون در دسترس علاقمندان قرار می‌گیرد.

سپاه عبیدالله بن زیاد

اجماع مؤرخین بر آنست که تمامی گروه‌های سپاه عبیدالله بن زیاد... را اهل کوفه تشکیل میداد و یک نفر از سایر شهرستانها و کشورها در میان نبوده و مرتباً " عبیدالله... افراد کوفه را مسلح میکرد و به کربلا روانه میساخت و موافق بعضی از روایات لشکر پیوسته بتدریج آمد و سی هزار سوار نزد عمر بن سعد در کربلا جمع شد و ابن زیاد برای عمر نوشت که عذری از برای تو نگذاشتم در باب سپاه و باید مردانه باشی و آنچه واقع میشود هر صبح و شام مرا آگاه سازی. و به روایتی بیست و دو هزار نفر بودند، و محمد بن اسماعیل سخاری متوفی سال ۲۵۶ هـ گوید. چهل هزار نفر بودند. و ابن طاوس مینویسد. که صد هزار نفر شدند. و ابو مخنف لوط بن سعید بن مخنف

بن سلیم ازدی متوفی ۱۵۷ هـ گوید . صد و بیست و دو هزار میباشند ، هشتاد هزار سواره و چهل و دو هزار پیاده (۱) .

به نظر مؤلف (ناسخ التواریخ) چون حدود صد هزار شمشیرزن خدمت مسلم بن عقیل از اطراف گرد آمده بودند ، و چهل هزار کس با او بیعت کرد ، و این معنی بر یزید و اولیای دولت او روشن بود لاجرم اعداد جنگ صد هزار و دویست هزار کس میکردند ، و به تمام امصار و بلدان که در تحت سلطنت یزید بود مناشیر روان میگشت و از هر بلدی باندازه‌ای که حمل آن را تواند بر تافت طلب سپاه می- کردند که بجانب کوفه بتازد و با حسین (ع) رزم آغازد ، و همچنان زعمای قبایل عرب را یک یک مکتوب کردند که با سپاه خود بجانب کوفه کوچ دهند (۲) .

۱ - مروج الذهب ۷۱/۳ . منتهی الآمال ۲۴۴/۱ . وقایع الایام

/ ۳۸۲ .

۲ - ناسخ التواریخ ۱۸۴/۲ .

قیام - توابین - .

چندی از داستان خونین کربلا نگذشت که احساسات مذهبی و عواطف دینی مردم نسبت به خاندان طهارت (ع) شروع به بروز کرد، و بنی امیه مورد نفرت و دشنام و لعنت گردیدند... و خونها بجوش در آمد، و چنان احساسات عمومی بجنبیدن در آمد و قضیه برعکس مطلوب یزید نتیجه داد، و مقصود امام حسین (ع) شمربخش گشت... مقصودی را که حسین (ع) بر اثر جانبازی پیش برد، و هدفی را که از فداکاری و اسیر دادن تحصیل کرد با اینکه با هیچ قوه و نیروئی بدست آوردن آن میسر نبود، بحکم اینکه می بینیم در هر جا که آوازه قتل حسین (ع) رسیده و در هر کجا که بازماندگانش را باسیری برده اند چنان روح عمومی مردم را تکان داده اند توگوئی حسین (ع) خود زنده است و با همان لهجه صریح و آهنگ رسای خود نابکاریهای یزید و حزب سفیانی را بگوش مردم فرو می برد، و روح مرده مسلمین را از نو جانی تازه می بخشد.

هر آیتی از جانب حق معجزه ای بود

آن آیه که هر دم کند اعجاز حسینست

و یکی از نمونه‌های احساسات عمومی قیام - توابین - است که سال ۶۴ هـ بوده و عده آنها بالغ بر پنجهزار نفر میبود، وغالبا " مردان رزمنده و از اصحاب رسول اکرم (ص) هستند و در جنگ جمل و صفین شرکت کرده‌اند، و امام حسین (ع) آغاز قیام به آنها نامه‌ها نوشتند و به نصرت و یاری خویش دعوت فرمودند، حرکت آنها سرپیچیده و اطاعت ننمودند، و پس از شهادت امام (ع) به حرکت در آمدند و جهت انتقام و مطالبه خون مقدس حسین (ع) نهضت کردند و اعدام عبیدالله بن زیاد... را خواستند و اینکه یاران و اتباع عبدالله بن زبیر بن العلوام - از دشمنان بنی هاشم است و به رسول اعظم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) دشنام و لعن میکرد - بایستی از عراق اخراج شوند و خلافت را به خاندان رسالت (ع) واگذارند، بنابراین جنگهای خونین بین آنها در گرفت و عبیدالله بن زیاد غالب گشت و توابین پراکنده و کشته شدند. و چون این گروه از یاری امام حسین (ع) تخلف و خودداری و مضایقه کردند و سپس توبه و قیام نمودند لذا آنها را - توابین - گویند.

رهبری گروه - توابین - به عهده افراد ذیل بوده است.

حبس بن غالب .

حکیم بن منقذ کندی .

خالد بن سعد بن نفیل .

رفاعة بن شداد بحلی .

زید بن بکر .

سعد بن حدیفة بن الیمان .

سلیمان بن سرد بن الجون بن ابی الجون سلولی خزاعی .

صخر بن هلال مزنی .

عبدالله بن سعد بن نفیل از دی کوفی .

عبدالله بن عزیز کنانی کندی .

عبدالله بن وال یتمی .

عمر و بن بشر .

کرب بن یزید حمیری .

مثنی بن مخربه عبدی .

مسیب بن نجبه فزاری .

ولید بن عصیر کنانی .

و قیام این گروه را اکثر مؤرخین مانند طبری و دیگران تدوین کرده‌اند .

بیشتر کسانی که روح حساس حسین (ع) ایشان را جنبش داد امام

(ع) را خوب شناخته بودند که غرق احساسات دینی است و هیچ

منظوری از مخالفت کردن با بیعت یزید ندارد جز اینکه می‌خواهد دینی

را که بدست یزید مانند تند باد از میان دینداران می‌رود حفظ کند ،

و برای رفع نابکاریهای یزید راهی بهتر از آن نمی‌اندیشد که دینداران

حساس با وی هم عقیدت گردند و بشورند تا یزید را از سلطنت مسلمین

برکنار کنند ، این است که می‌بینیم بعضی از همان طبقه موافق در رکاب

حسین (ع) کشته شدند ، و بقیه ایشان پس از چندی از نو نهضت کردند

چندانکه بر سر نهضت خود جان دادند و هم هواخواهان یزید را در

کوفه و پیرامون آن که براستی فاسد و مفسد بودند ، از میان بردند و

از دم شمشیر نابودشان کردند .

امام حسین (ع) و مردان آراسته به روح غیرت و شهامت ، و ایمان

و جوانمردی و صدق لهجه و با تقوی و صفا قیام کردند و در زمین

کربلا گردهم آمدند ، و با جان حق را خریدند و تاخت و تاز و رژیم

و بساط فساد را درهم کوبیدند ، و به گوشهٔ نسیان و فراموشی و نیستی

افکندند .

ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم و الا هم
یحزنون . اولئک اصحاب الجنه خالدین فیها جزاء بما کانوا یعملون (۱)
مع الوصف چون احوالات و بیوگرافی دلباختگان حق و زندگی نامه
یاران پایدار امام حسین (ع) برای بسیاری از مردم پوشیده بود، در
صدد برآمدم که از منابع و مآخذ صحیح و معتبر ترجمه آنان را
استخراج نمایم و بیاری خداوند بزرگ . . . و در اثر توجهات خاصه
حضرت بقیةالله . . . توفیق نصیب گشت و شهدا را طبق حروف الفبا . . .
ترتیب داده و پس از بیان نام و نسب شهید و زندگانی او به ذکر
مآخذ و مصادر پرداختم با بررسی کامل نسبت به اسم و قبیله و شهر
و شماره جلد و صفحه کتاب با نقل اظهارات و نظریات مؤرخین و

ارباب تواجهم در باره شهید یادآور شده .
از خداوند منان توفیق و یاری می‌جویم . . . و از پیشگاه مقدس
حضرت حجة بن الحسن العسکری . . . اروحنا له الفداء . . . استدعای
قبول این خدمت ناشایسته را دارم . . .
میبرد هر کس به پیش دوست از جان تحفه‌ای
ما تهیدستان بیدل شرمساری میبریم

مجمد هادی امینی

۱۴۰۱ هج

۱۳۵۹ شم

تهران صندوق پستی ۷۱/۶۳۴

ابو بکر بن حسن

- ۱ -

ابوبکر بن امام حسن بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
برخی از مؤرخین اسم او را عبدالله دانسته‌اند و کینه‌اش ابوبکر
و بعضی گویند . کنیه او نام اوست و از اولاد امام حسن مجتبی (ع)
است و از تربیت یافتگان خاندان رسالت . مادرش رمله بنت شلیل بن
عبدالله بجلي برادر جریر بن عبدالله بجلي و به روایتی (نفیله) .
مؤلف (عمدة الطالب) اولاد امام حسن (ع) را شانزده نفر
نوشته پنج دختر و یازده پسر عبارتند از . زید . حسن مثنی . ابوبکر .
حسین . طلحه . اسماعیل . عبدالله . حمزه . یعقوب . قاسم . عبدالرحمان .
روز عاشورا از میان بانوان و کودکان بیرون شد ، و به سوی عمویش
حسین (ع) آمد تا دفاع کند و در نزد امام ایستاد در آن هنگام ابحر
بن کعب به او نزدیک شد و با شمشیر حمله کرد ابو بکر دستش را بلند
نمود جهت حمایت لیکن شمشیر او را قطع کرد حسین (ع) او را به
آغوش گرفت و در آغوش عمویش جان بسپرد .

ابصار العین / ۳۶ جلاء العیون / ۲

۱۹۶ . ناسخ التواریخ / ۲ / ۳۲۳ . ینابیع

المودة / ۳۲۱ . تذکرة الخواص / ۲۱۵ .

منتہی الآمال / ۱ / ۲۷۶ . حمرة انساب

العرب / ٣٩ . تاريخ ابن الأثير / ٤
٧٥ . مروج الذهب ٣ / ٧١ . عمدة
الطالب / ٦٨ . نظم درر السمطين / ٨
٢١ . تنقيح المقال ٢ / ١٧٨ . مناقب
ابن شهر آشوب ٤ / ٣٥ . البداية
النهاية ٨ / ١٨٩ .

ابو بکر بن علی

- ۲ -

ابو بکر بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
مادرش لیلی بنت مسعود بن خالد بن مالک بن ربیع بن مسلمة
بن جندل بن نهشل دارمی است . با شهامت و ایمان و تقوا بوده و
قبیله دارمی منسوبست به دارم بن مالک پدر تیره از قبیله تمیم .
ابوبکر همراه پنج برادر بغیر از حسین (ع) در کربلا به درجه شهادت
رسید .

او را زجر بن بدر و بقولی عقبه غنوی شهید کرد ، و کشته او
را میان ساقیه‌ای یافتند و معلوم نشد چه کسی او را به قتل رسانید .
و ابوبکر یکی از شش برادر امام (ع) بوده از فرزندان علی (ع) که در
کربلا شهید گشتند ، و سلیمان بن قته شهدای خاندان طهارت (ع) را
به شعر سروده چنین گوید .

عین جودی بعبرة و عویل واندبی ان بکیت آل الرسول
سته کلهم الصلب علی قد اصیبوا و سبعة لعقیل
ابوبکر در میدان دلیرانه مبارزه میکرد ، و جولان نمود شعرورجز
میخواند که ترجمه بعضی از ابیات آن به این معنی بوده است .

شاه و برادر منست اختر آسمان دین
 مهتر و بهتر زمان قبله و قدوه زمیر
 لاله روضهء صفا گلبن باغ مصفا
 چشم و چراغ مصطفی میرو امام راستین
 گوهر کان اجتبا مهر سپهر اهتدی
 طره نشان طاوه چهره گشای ییاوسیر
 من نه برادر ویم خادم و چاکرویم
 پیش دو دیدهء شما خارجیان تیره دین
 در گذر مخاصمت صاعقه اجل کمان
 بر فلک مقاومت مشتری زحل کمین
 تحفهء جان و دل بکف آمدهام بدرگش

دیده و رخ برآستان تیغ و کفن در آستین

روضة الشهداء / ۳۲۹ . سفينة البحار

۲/ ۲۳۲ . تذكرة الخواص / ۲۵۴ .

البداية و النهاية ۸/ ۱۸۹ . جمهرأ

انساب العرب / ۲۳۵ . ابصار العین

/ ۳۶ . المعارف / ۹۲ . جلاء العیون

/ ۱۹۶ . ینابیع المودة / ۳۲۱ . تنقیح

المقال ۳/ ۵ . مقاتل الطالبیین / ۱۶

منتہی الآمال ۱/ ۲۷۷ . ابن شه

آشوب ۴/ ۱۰۷ . نظم در رالسمطیر

۲۱۸/ .

ابو ثمامه

- ۳ -

عمر و بن عبدالله بن کعب الصائد بن شر حبیل بن شراحیل ابن عمر و بن چشم بن حاشد بن چشم بن حیزون بن عوف به همدان انصاری صائدی همدانی .

از دلیران عرب و رزمندان با ایمان حجاز بوده و از چهره‌های درخشان مکتب ولایت و پیروان امیر المومنین (ع) و اغلب جنگهای امام (ع) را دیده و شرکت حسته است و پس از شهادت علی (ع) با پیشوای دوم امام حسن (ع) بیعت کرد و به کوفه منتقل شد، و با سایر شیعیان و هواداران امیر المومنین (ع) آشنائی پیدا کرد و در انجمن و جلسات ولایتی که در کوفه خانه سلیمان بن سرد خزاعی برقرار میشد شرکت نمود، تا وقتیکه مسلم بن عقیل کوفه آمد و او را دریافت اموال و وجوه و خرید اسلحه برای شیعیان قرار داد و او به این کار با مهارت و شناخت پرداخت تا اینکه مسلم بن عقیل کشته شد و مردم دنیا پرست و تبه‌کار از حمایت مسلم مضایقه و عقب نشینی جستند، ابو ثمامه پنهان شد و عبیدالله بن زیاد در آن وقت در جستجوی او کمال سعی را نمود لیکن دست نیافت و ابو ثمامه همراه نافع بن هلال

شبانہ از کوفہ بیرون شدند و بطرف کربلا آمدند. (ع) رفتند و ملحق شده و به کربلا آمدند.

روز عاشورا بوقت فرارسیدن نماز ظهر ابو ثمامه به امام (ع) عرض کرد وقت نماز ظهر است و بیاد آورد، امام او را دعا فرمود و از خدا خواست که او را در شمار نماز گذاران بشمار آورد (ذکر الصلاة جعلک الله من المصلین الذاکرین) پس از پایان نماز به امام (ع) گفت روا نمی بینم پس از تو زندگی را، اجازه بفرمائید به برادرانم بیوستم امام (ع) او را رخصت فرمود، و به عرصه کارزار برفت و به درجه شهادت مفتخر گردید.

و حضرت بقیة الله... در زیارت ناحیه مقدسه از ابو ثمامه یاد نموده و درود فرستاده است به روان او به این عبارت السلام علی ابی ثمامه عمر و بن عبدالله الصائدی.

و صائدی منسوبست به صائد بن کعب بن شرحبیل پدر تیره ایست در قبیله همدان.

المجالس السنیة ۱/ ۱۰۲. ناسخ
التواریخ ۲/ ۲۸۲ و ۲۹۱. ابومخنف
۶۵/ جامع الرواة ۱/ ۶۲۴. تاریخ
ابن الاثیر ۴/ ۷۰. الکنی و الالقاب
۱/ ۳۳. البصار العین ۶۹/ حلا
العیون ۲/ ۱۸۷. البدایة ۸/ ۱۸۴.
تنقیح المقال ۲/ ۳۳۳. راهنمای
دانشوران ۱/ ۱۱۹. ابن شهر آشوب
۴/ ۱۰۴.

ابو الحتوف

- ۴ -

ابو الحتوف بن حرث بن سلمة انصاری عجلانی خزرچی .
همراه برادرش سعد در لشکر کوفه بودند و با گریه و زاری و ناله
و شیون مخدرات عصمت ناراحت شدند، و با ندامت به امام (ع)
پیوستند و هر دو شهید گشتند .

تنقیح المقال ۱۰/۳ قسم گنی، ابصار
العین ۹۴/۱ . الکنی و الألقاب ۱/۴۵ .

ابو دجانه

- ۵ -

عبدالله بن دجانه .

روز عاشورا رخصت فداکاری خواست و دلیرانه وارد رزمگاه شد و جهاد
کرد ، و افرادی را بکشت و بدنش زخمها برداشت و از هر سو دشمن به او حمله
کرد و بدرجه ۶ شهادت نائل گردید .

روضة الشهداء ۴ / ۳۱۱ . علمای معاصرین

۲۷۲/ .

- ۲۴ -

ابو مصمام

- ۶ -

امیه بن سعد بن زید طائی .

با شهامت و شجاعت بوده و تابعی از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) و در کوفه سکونت و اقامت داشته و در جنگ صفین دلیرانه نبرد کرده و به کوفه برگشت و هنگام قیام حسین (ع) و ورود امام به کربلا از کوفه حرکت کرد و شب هشتم محرم به قافله سالار شهیدان پیوست و روز عاشورا در نخستین حمله شهید گشت .

وطائی منسوبست به طی و لقب پدر قبيله ایست مشهور در عرب .

تنقیح المقال ۱/ ۱۵۳ . علماء معاصرین

۲۷۰/ .

ابو عمرو نهشلی

- ۷ -

شبيب بن عبدالله نهشلی بصری .

در شمار تابعان و پیروان و شیعیان علی (ع) بوده و با امام حسن (ع) بیعت نموده ، و سپس به پیشوای سوم پیوست و مورد توجه و عنایات خاص امام گردید ، و از مدینه همراه حسین (ع) کربلا آمد و در نخستین حمله روز عاشورا شهید گشت . و در زیارت ناحیه شریفه نام او آمده است .
و نهشل قبيله ایست از عرب منسوب به نهشل بن دارم بن مالک بن حنظله .

تنقیح المقال ۲/ ۸۱ . راهنمای دانش -

وران ۳/ ۳۰۶ . نسخ التواریخ ۲/ ۳۰۷

زیاد بن عریب صاعدی همدانی .
از دلیران و شجاعان و رزمندان و متعهدان است و نماز و عبادت زیاد
داشت و به زهد و تقوی و شب زنده‌داری معروف بوده به کربلا آمد و جنگید
تا اینکه کشته شد .

تنقیح المقال ۱ / ۴۵۶ . راهنمای دانش
و دان ۲ / ۵۵ .

ابراهیم بن حنین

ابراهیم بن حنین بن منذر بن حارث بن وعله رقاشی انصاری بصری .
از دوستان و شیعیان خاندان رسالت بشمار میرود ، پدرش از پیروان
علی بن ابی طالب (ع) بوده و در جنگ صفین نقش مهمی را ایفا نموده و
از جمله هفت نفری است که پس از وفات پیامبر اسلام (ص) به امیر المؤمنین
(ع) بیعت کرده و شاعر ارجمندی نیز بوده و در تذکرها و کتابهای ادب و
تاریخ برای او قصاید و شعر زیادی وجود دارد .

در ناسخ التواریخ - ابراهیم بن حسین ذکر شده اشتباه و تصحیف
است . و متأسفانه کتاب (ناسخ التواریخ) به سال ۱۳۳۶ در تهران تجدید
چاپ شده و آن قدر در این کتاب غلط و اشتباه و تحریف وجود دارد که
مطلب را مشوه کرده و با تاریخ ارتباطی ندارد ، و برخی از نادرستیها و
اشتباهها را خواننده عزیز در صفحات این کتاب ملاحظه خواهد کرد ،

و بسی خنده آور است که چاپ کننده و ناشر کتاب این یک سطر را
 روی کتاب نقش نموده - با تصحیح کامل و ترجمه بعضی اشعار و لغات
 و مزایای دیگر تحت نظر عده‌ای از فضلاء و دانشمندان تهیه شده - .
 ابن شهر آشوب ۴/۱۰۵ . جمهرة
 انساب العرب / ۳۱۷ . ناسخ التواریخ
 ۲/۳۰۹ . ابو مخنف / ۷۰ . تنقیح
 المقال ۱/۳۵۰ . رجال علامه / ۶۲ .
 وقعة صفین / ۲۸۷ . تهذیب التهذیب
 ۲/۳۹۵ .

ابراهیم بن علی

- ۱۰ -

ابراهیم بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
 به روایت محمد بن علی بن حمزه طوسی مشهدی از علمای قرن
 پنجم هجری ، ابراهیم بن امام علی بن ابی طالب (ع) را در اعداد
 شهدای کربلا قید نموده و با مراجعه به کتابهای انساب و تراجم فرزندی
 بنام ابراهیم برای امیر المومنین (ع) ذکر نشده است .
 و چون در عدد اولاد علی (ع) خلاف است لذا امکان وجود
 فرزندی با اسم ابراهیم بعید نیست . مثلاً " شیخ مفید محمد بن محمد
 ابن نعمان بغدادی متوفی ۴۳۱ هـ فرزندان امیر المومنین (ع) را بیست
 و هفت تن نوشته و بعضیها سی و شش نفر شمار کرده‌اند .
 جلاء العیون ۲/۱۹۸ .

احمد بن امام حسن بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
مادرش ام بشیر خزاعیه است و گویند . همراه برادرش قاسم و
مادرش ام بشر دخت ابو مسعود انصاری و دو خواهرش بنامهای ام الحسن
و ام الخیر با امام حسین (ع) از مدینه به کربلا آمدند و بعد از ظهر
عاشورا در یک نبرد خونینی شهید شد .

ینابیع الموده / ۳۴۵ . ابو مخنف / ۷۹ .
ابن شهر آشوب / ۴ / ۲۹ . علمای معاصرین
/ ۲۷۱ . تنقیح المقال / ۱ / ۱۰۳ . ناسخ
التواریخ / ۲ / ۳۲۳ .

احمد بن محمد بن عقیل بن ابی طالب هاشمی قریشی .
جوانی بوده به تقوی و ایمان و اخلاق آراسته بزرگشدهء دامان
عفت و طهارت و فضیلت و مادرش ام ولد است . به میدان نبرد آمد
و چنین میخواند .

الیوم اتلو حسبی و دینی بصارم تحمله یمینی

احمی به عن سیدی و دینی ابن علی الطاهر الاءمین

و سوی دشمن حمله کرد ، و نفر زیادی بکشت و زخمی نمود ، آنوقت از
هر سو دشمن به او حمله ور شدند و شهید گشت .

ابو مخنف / ۷۴ . تنقیح المقال / ۱
۱۰۳ . ابن شهر آشوب / ۴ / ۱۰۵
ناسخ التواریخ / ۲ / ۳۲۱ . ینابیع الموده
/ ۳۴۴ .

ادهم عبدی

- ۱۳ -

ادهم بن امیة عبدی بصری .

در بصره میزیست و پیامبر اکرم (ص) را دیده و از اصحاب بشمار
می‌رود، و از اعضاء مجلس شیعه اهل بصره است که مرتباً " در خانه
ماریه دختر منقذ عبدی برقرار بود، و آنجا شیعه همدیگر را ملاقات
میکردند، و در فضایل و مناقب خاندان رسالت حدیث و صحبت مینمودند .
عبیدالله بن زیاد چون از قیام حسین (ع) و حرکت او به عراق
خبردار شد به فرماندار بصره نوشت تا شیعه را زیر نظر گیرد و از
بیرون رفتن آنها جلوگیری کند، اما یزید بن ثبیط در بصره اعلام کرد
حمایت خود را از حسین (ع) و همراه ده فرزندش و ادهم و دو پسرش
بنام عبدالله و عبیدالله از بصره خارج شد و به طرف مکه روانه گردید، و
در (ابطح) به امام (ع) رسید و همراه او بود تا اینکه در کربلا در نخستین
نبرد به مقام مقدس شهادت مفتخر گشتند .

تنقیح المقال / ۱ / ۱۰۶ . منتهی الآمال

/ ۱ / ۲۵۴ . ابصار العین / ۱۱۲ .

- ۲۹ -

اسلم بن کثیر

- ۱۴ -

اسلم بن کثیر (عمرو) ازدی .

برده و از نژاد ترک است حسین (ع) او را پس از وفات حسن (ع) خرید و او را به امام زین العابدین (ع) بخشید، و به حسابداری تعیین شد و بعضی از کارهای امام را نیز انجام میداد و هنگام خروج حسین (ع) از مدینه به عراق اسلم ملازم رکاب امام (ع) بود و روز عاشورا رخصت جنگ خواست و حسین (ع) اجازه فرمود، و بقدری جنگید که بر زمین افتاد و بخون خویش آغشته گردید امام بر بالین او آمد، و دروی رمقی و نفسی یافت حسین (ع) او را به آغوش کشید و صورت مبارکش را بر صورت او گذارد اسلم دیده بگشود و تبسمی کرد، و گفت چه درجه و منزلتی بالاتر از این که فرزند پیامبر خدا (ص) صورتش را بر صورت من گذارد و جان سپرم .

ای حسین ای گهر روحانی

نسخهٔ مکرمت سبحانی

منم آن ترک که سلطان باشم

گر تو ام هندوی حضرت خوانی

تیغ دردست من از هجرت تو

بر سر خصم کند شعبانی

چه شود گر تو بروی خوش خویش

سرخ روی ابدم گردانی

روی بر روی من غمگین نه

چون کنم ترک سرا بی فانی

مورخین نوشته‌اند. اسلم از قارئین قرآن بوده. و ازدی با فتح همزه و سکون زای منسوبست به ازد که پدر قبیله ایست در یمن و به روایتی در حمله اولی شهید شده، و در این حمله سی تن از اصحاب حسین (ع) و ده تن از غلامان او و دو تن از موالی امیر المومنین (ع) شهادت یافتند.

اسلم به عربی رجز میخواند و گاهی به ترکی کلامی بر زبان میراند.

ناسخ التواریخ ۲/۲۸۲. روضه الشهداء

۳۵۸. تنقیح المقال ۱/۱۲۵.

منتهی الآمال ۱/۲۵۷. ابصار العین

۵۳/ جلاء العیون ۲/۱۹۲.

اسماعیل بن عبدالله

- ۱۵ -

اسماعیل بن عبدالله بن جعفر بن عقیل بن ابی طالب. مامش زینب خاتون دخت امام امیر المومنین (ع) همراه مامش کربلا آمده بود، و برادرش عون و هر دو شهید شدند. و گویند عبدالله هنگام قیام حسین (ع) بستری بود و قدرت حرکت نداشته و در مدینه مباحات و افتخار میکرد که در راه حسین (ع) چهار پسر قربانی داده. اسماعیل. عبیدالله. عون. محمد.

تنقیح المقال ۱/۱۳۸. مقساتل

الطالبیین ۸۳/ عمدة الطالب

۳۶/

- ۳۱ -

اشعث بن سعد

- ۱۶ -

اشعث بن قیس بن معدیکرب بن معاویة به جبلة بن عدی بن ربیعہ
بن معاویة بن حارث به معاویة بن ثور بن مرتع بن معاویة ابن کنده.
مرحوم کاشفی گوید. هنگامیکه محمد بن مقداد، و عبدالله بن
ابو دجانه در محاصره سپاه کوفه افتادند.

اشعث بن قیس

قیس بن ربیع

عمر و بن قرط

حنظله

حماد

سعد بن حرث

به مدد ایشان رفتند، و جهت کثرت سپاه و ضربهای متوالی بی درپی
و مترادف این گروه شهید شدند، و به بهشت جاودانی روانه گشتند.

جمهرة انساب العرب / ۴۲۵. روضة

الشهداء / ۳۱۱.

امیه بن سعد

- ۱۷ -

امیه بن سعد بن زید طائی.

از مشاهیر شجاعان و یاران علی بی ابی طالب (ع) در صفین،
و سپس در کوفه اقامت گزیده و به حسین (ع) پیوست و در هجوم

- ۳۲ -

نخستین شهید گردید .

تنقیح المقال ۱/۱۵۳ . منتهی الآمال

۱/۲۵۶ . ابصار العین / ۱۱۴ .

انس اسدی

- ۱۸ -

انس بن حرث بن نبیه بن کاهل بن عمرو بن صعّب بن اسد بن خزیمه اسدی کاهلی کوفی .

از صحابه پیامبر خدا (ص) و در جنگ بدر ، و حنین سهیم بوده و از رسول اکرم (ص) احادیثی شنیده و روایت کرده است و جمیع مؤرخین و علمای حدیث و درایه راستی و درستی او را تأیید نموده اند ، و از جمله روایتی که از رسول الله (ص) شنیده گوید . شنیدم رسول الله (ص) میفرمود . این فرزندم حسین کشته می شود در سرزمین بنام (کربلا) هر کس او را درک کند بایستی یاری دهد او را .

لذا انس سوی کربلا حرکت کرد ، و آنجا به درجه شهادت رسید . انس به هنگام جنگ پارچه ای طلبید و ابروان خود را بالا برده و با پارچه بست و امام به او نظر مینمود و میگریست و میفرمود . ای شیخ خداوند جهاد تو را قبول کند - و در زیارت ناحیه حضرت ولی عصر (ع) آمده (السلام علی انس بن کاهل الاسدی) .

و کاهلی منسوبست به کاهل بن اسد پدر تیره ای از قبیله بنی

اسد .

ناسخ التواریخ ۲/۳۱۴ . جامع الرواة

۱/۱۰۹ . رجال علامه ۲۲/۲۲۱ . اسد الغابة

- ۳۳ -

۱۲۳/۱ . تنقیح المقال ۱/۱۵۴ .
ابصار العین / ۵۶ . سفینه البحار /
۴۷ . الاستیعاب / ۱/۷۴ .

انیس اصبحی

- ۱۹ -

انیس بن معقل اصبحی

ابن شهر آشوب او را در شمار شهدای کربلا قید کرده، و در
برخی از مقاتل - بدر بن معقل اصبحی - یاد شده و صحیحش انیس
است به دلیل رجزی که در میدان نبرد خوانده.

انا انیس و انا ابن معقل و فی یمینی نصل سیف مصقل
و حدود بیست نفر از منافقین کشت و شهید گردید.

ابن شهر آشوب ۴/۱۰۳ . ناسخ

التواریخ ۲/۳۱۳ . روضة الشهداء

۳۰۶/

بریر بن خضیر

- ۲۰ -

بریر بن خضیر همدانی مشرقی کوفی .

در شمار تابعین اندیشمند و متعهدین و متعبدین است و از شیوخ
و بزرگان قارئین قرآن، و پیروان و شیعیان علی (ع) و از اشراف و
خاندان با اصالت و شرافت کوفه کتابی دارد به عنوان (القضایا و
الاحکام) که از اصول معتبره است نزد شیعه و از امیر المؤمنین و

- ۲۴ -

حسن (ع) روایت میکند .

هنگامیکه بریر خبر روانهٔ حسین (ع) را شنید از کوفه جانب مکه برفت و جستجو کرد تا اینکه امام (ع) را پیدا نمود، و ملازم رکاب شد، و به کربلا آمده و شهید گشت .

او قبل از نبرد اهل کوفه را پند و نصیحت کرد و امام (ع) را مخاطب قرار داد و گفت - خداوند بر ما منت گذارد تا ما از شما حمایت و دفاع کنیم و در راه شما اعضای ما قطعه قطعه شود، و سپس جد بزرگوارت ماها را شفاعت کند در قیامت خدا رستگار نگرداند قومی را که از یاری و نصرت و حمایت فرزند رسول خدا (ص) عقب نشینی کردند، و فردا در جهنم چه بسا عذابها نصیبشان خواهد شد- .

ارباب مقاتل برای بریر داستانهای ارزنده‌ای نقل کرده‌اند که سند محکمی برایمان و تقوی و ارادت و اخلاص بی‌الایشی اوست . و بریر باضمبای و فتح رای و سکون یا بمعنی نیکوکار است .

گویند . قاتل بریر پسر عمی داشت بنام عبد بن جابر نزد قاتل آمد و گفت ای بجیر... بریر را کشتی و به خدای قسم که او از مهربان درگاه خدا بود . بجیر پشیمان شده از لشکر بیرون رفت و هولی بر او روی داد فریاد می‌کشید و نعره میزد تا در گذشت .

مؤلف (حبیب السیر) قاتل بریر را یزید بن معقل دانسته .

بریر میدان آمد و رجز میخواند به این معنی .

منم آنکس که بمردی سمرم	من بریر مکی پرهنرم
نیک میدان که زهربد تبرم	بنده‌آلم بر خارگیان
پرده بر دشمن اینها بدرم	دستدر دامن آنها زده‌ام

بریر بن خضیر آن خضر پیمان
سکندر سان روان شد سوی حیوان
سمند افکند در ظلمات پیکار
دلایلش گشت شمشیر گهر بار
به تیغ تیز آن پرشور و بی‌باک
گروهی را فکند از باره بر خاک
گذشت از خویش و این عیش مکدر

گرفت از دست خواجه خضر ساغر

- وقایع الایام / ۴۰۴ . تاریخ ابن
الایثیر / ۴ / ۶۶ . ابصار العین / ۷۰ .
حبیب السیر / ۲ / ۵۳ . جلاء العیون
/ ۲ / ۱۸۱ . تنقیح المقال / ۱ / ۱۶۷ .
راهنمای دانشوران / ۱ / ۵۹ . منتبهی
الآمال / ۱ / ۲۵۹ . اللهوف / ۱۰۴ .
ناسخ التواریخ / ۲ / ۲۶۶ . روضة
الشهداء / ۲۸۸ . سفینة البحار
/ ۱ / ۷۰ .

ابن شهر آشوب / ۴ / ۱۰۰ و نام قاتل بریر را بجیر بن اوس ضبی نوشته
است .

بشر حضرمی

- ۲۱ -

بشر بن عمر و بن احدوث حضرمی کندی .

- ۳۶ -

پس از ورود امام (ع) به کربلا به آن سرزمین مبارک رسید، و با سایر اصحاب و یاران بود تا آنکه شب دهم امام (ع) رخصت برگشتن به اصحاب دادند بعضیها در تاریکی شب متفرق شده و رفتند، در آن هنگام به بشر خبری رسید مبنی بر اینکه پسر در قلعه‌ری... اسیر شده... بشر پاسخ داد گرفتاری او و خودم را بحساب خداوند منظور میدارم، و روا ندارم بخویش که من زنده باشم و او اسیر... حسین (ع) سخنان بشر را شنید و او را طلبید و فرمود: (تو آزاد هستی و برو جهت خلاصی پسر و سعی و کوشش در خلاصی او بکن... بشر در پاسخ عرض کرد یا ابن رسول الله (ص) بدنم طعمه درندگان شود گر تو را تنها گذارم... و چگونه شما را با کمی یاران و انصار تک گذارم و بروم... بخدا سوگند کاریست نشدنی... و هرگز نخواهد شد... جانم و اهل و عیالم فدای تو باد.

و حضرمی با فتح و سکون ضاد منسوبست به حضرموت و آن نام ناحیتی است واقع در آخر یمن در امتداد دریای عمان و ساکنان این زمین را حضرمی گویند. و نیز نام قبیله‌ایست از قبایل عرب یمن. در لهوف / ۱۳ محمد بن بشر حضرمی قید شده و اشتباه است چنانچه مؤلف (المجالس السنیه) نیز دچار این اشتباه شده.

سفینه البحار ۱/ ۸۳. تنقیح المقال

۱/ ۱۷۳. منتهی الامال ۱/ ۲۵۶.

اللهوف / ۹۳. ابصار العین / ۱۰۳.

المجالس السنیه ۱/ ۸۹.

بکر تیممی

- ۲۲ -

بکر بن حی بن تیم الله بن ثعلبة بن عکایة بن صعّب تیممی .
از لشکر عمر بن سعد بوده ، و مرد دلیر و نیرومند است به کربلا
آمده و قضایا از نزدیک مشاهده و بررسی نمود ، و مطالب را درک کرد ،
سپس از سپاه جدا شده و به یاران امام (ع) پیوست و جهاد نمود و
شهید گشت .

تنقیح المقال ۱/۱۷۷ . منتهی -

الآمال ۱/۲۵۶ ابصار العین ۱/۱۱۳ .

جابر بن حجاج

- ۲۳ -

جابر بن حجاج کوفی غلام عامر بن نهشل تیممی .
یکی از دلیران عرب و رزمندان کوفه است و با مسلم بن عقیل
بیعت کرده ، و بعد از درماندگی مسلم جابر در خفا و سختی به سر
می برد و جرات اظهار وجود نداشت زیرا این افراد به محض شناخته
شدن به جرم تشیع و یاری مسلم محکوم بمرگ میشدند .
جابر خبر رسیدن حسین (ع) را به کربلا شنید ، و اینکه سپاه عمر
بن سعد از کوفه قصد حرکت به کربلا را دارد لذا به لشکر کوفه پیوست
و به کربلا رسید ، و بی درنگ به سپاه امام (ع) منضم گردید ، و روز
عاشورا شهید گشت .

و تیممی شاخه‌ای از قبیله بکر بن وائل ، و قبیله ربیعیه ، و قبیله

- ۲۸ -

قحطانیہ اند .

تنقیح المقال ۱/۱۹۸ . منتهی الآمال

۱/۲۵۶ . ابصار العین ۱۱۳/۱

جابر بن عروہ

- ۲۴ -

جابر بن عروہ غفاری .

مردی سالخورده و پارسا بود ، و در غزوه بدر و دیگر غزوات ملازم رکاب پیامبر اعظم (ص) میبود ، عصابه ای بر پیشانی بسته بود که جلد ابروهایش فرو نیفتد و چشم او را از دیدار باز ندارد حسین (ع) چون او را بدید بگریست و فرمود .

شکر الله سعیک یا شیخ ...

جابر آغاز کرد ، و در پیش روی امام (ع) هشتاد تن از دشمن را به بخاک انداخت و خود نیز جان سپرداخت .

ناسخ التواریخ ۲/۳۱۲ . ابو مخنف ۷۳/

جبار بن حارث

- ۲۵ -

جبار بن حارث سلمانی .

ابن الاثیر محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی او را از یاران حسین (ع) شمرده و گوید . در حمله اولی شهید گردید .

تاریخ ابن الاثیر ۴/۷۴ .

جبله شیبانی

- ۲۶ -

جبله بن علی شیبانی .

مؤرخین گویند . جبله رزمنده و پر زور و توانا و در نهایت کار دانی بوده است و در کوفه می‌زیست و در جنگ صفین پشت دشمنان را خم نموده و پس از جنگ صفین به کوفه برگشت تا اینکه مسلم بن عقیل به کوفه آمد ، و با او بیعت کرد و از یاران او گشت و با شهادت مسلم فرار کرد ، و در قبیله خویش پنهان شد و با شنیدن خبر نزول حسین (ع) به کربلا شبانه حرکت نمود و به امام (ع) ملحق و در صف یاران قرار گرفت و روز عاشورا بدرجه شهادت رسید .

و شیبانی منسوبست به شیبان بن ثعلبه بن عکایه پدر تبره‌ای در قبیله بکر بن وائل .

تنقیح المقال ۱/ ۲۰۶ . ابن شهر

آشوب ۴/ ۱۱۳ . نسخ التواریخ ۲ /

۲۸۲ . ابصار العین / ۱۲۴ .

جعفر بن عقیل

- ۲۷ -

جعفر بن عقیل بن ابی طالب .

برادر مسلم بن عقیل مادرش ام الثغر دخت عامر بن هضاب ابن

کعب بن عبد بن ابی بکر بن کلاب عامری .

جوانی بوده دارای ایمان و شهامت و غیرت و جوانمردی و دلیر

- ۴۰ -

روز عاشورا جنگید پس از یک مبارزه عروۀ بن عبدالله خثعمی او را به
قتل رسانید، و گویند بشر بن سوط همدانی او را بقتل رسانید .
مؤلف (جلاء العیون) نام مادرش را (ام النضر) قید کرده ،
و در ناسخ (ام نفر) آمده است و گویند . به میدان آمد و رجز خواند
که ترجمه آن چنین است .

قرۀ العین عقيلم من و مولایم حسین
جان و دل ز آرایش هر تهمت و شین
پسر عم منست این شهو شهزاده که هست
قرۀ العین بتی چشم و چراغ ثلقتین
این حسین بن علی است که جبرئیل امین
پرورش داد و را در حلال اجنحتین

ناسخ التواریخ ۲ / ۳۱۸ . ینابیع -
المودة / ۳۲۱ . روضة الشهداء / ۳۱۴
تذکرة الخواص / ۲۵۵ . تاریخ ابن
اللاءثیر ۴ / ۷۵ . ابصار العین / ۵۱ .
حبیب السیر ۲ / ۵۳ . جلاء العیون / ۲
۱۹۳ . البداية و النهاية ۸ / ۱۵۸ .
مقاتل الطالبیین / ۶۱ . تنقیح المقال
۱ / ۲۱۹ . منتهی الآمال / ۱ / ۲۷۴ .
ابن شهر آشوب ۴ / ۱۰۵ . نظم در
السمطین / ۲۱۸ .

ابو عبدالله جعفر بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
مامش فاطمه (ام البنین) دختر حزام بن خالد بن ربیعہ ابن
وحیل . و برادر تنی حضرت عباس روز عاشورا پیش از شهادت اباالفضل
به نبرد رفت و هانی بن شبیت و بروایتی خولی بن یزید اصبحی او
را شهید نمود ، و گویند . خولی تبری بجانب او انداخت و بر شقیقه
یا چشم او رسید .
و امیرالمؤمنین (ع) از جهت شدت علاقه اش به برادرش جعفر طیار
او را جعفر نامید .

المجالس ۱/ ۱۱۲ . ناسخ التواریخ ۲

۳۳۷/ . ینابیع المودة ۳۲۱/ .

روضۃ الشهداء ۳۳۲/ . جامع الرواة

۱/ ۱۵۴ . اعلام الوری ۲۴۸/ ابن

اللاءثیر ۴/ ۷۶ . مروج الذهب ۳/ ۷۱ .

ابصار العین ۳۵/ . جلاء العیون ۲/

۱۹۷ . مقاتل الطالبیین ۵۴/ . تنقیح

المقال ۱/ ۲۱۹ . منتهی الآمال ۱/

۲۷۷ . ابن شهر آشوب ۴/ ۱۰۷ .

البداية ۸/ ۱۸۹ . نظم در السمطین

۲۱۸/

جعفر بن محمد بن عقیل بن ابی طالب .
بنا به گفته برخی از مؤرخین جعفر همراه برادرش محمد به
کربلا آمده و شهید شده است لیکن بعضی دیگر از ارباب حدیث و
مقاتل گویند . او در جنگ (یوم الحرة) کشته شده . بهر صورت در
شمار شهدای کربلا قید گردیده .

جلاء العیون ۱۹۴/۲ . ناسخ التواریخ

۰۳۲۱/۲

جنادة ازدی

- ۳۰ -

جنادة بن حرث (حارث) سلمانی ازدی مذحجی مرادی .
از صحابه رسول اکرم (ص) و پیروان علی بن ابی طالب (ع)
است و در جنگ (صفین) حضور داشته و خود را وقف جهاد با کفار
و مشرکین کرده و به مسلم بن عقیل دست بیعت داده و حمایت کرده
و با کشته شده مسلم فرار نمود ، و میان قبیله خویش به پنهانی و
اختفا میزیست تا اینکه از وصول حسین (ع) خبردار شد ، و همراه عمر
و بن خالد روانه کربلا گردید ، و در شمار شهدا قرار گرفت و شربت
شهادت را نوشید .

و سلمانی و ازدی و مذحجی و مرادی منسوبست به پدران این
قبیله که در عراق و یمن بودند و از این قبیله است هانی بن عروة مرادی
مذحجی .

جامع الرواة ۱/۱۶۸. تنقيح المقال .
۱/۲۳۴. ابن شهر آشوب ۴/۱۰۴.
ابصار العين/۸۴. ناسخ التواريخ
۲/۳۰۱.

جنادة انصاری

- ۳۱ -

جنادة بن كعب بن حرث انصاری خزرجی مکی .
دارای کمالات و سحایای شجاعانه بوده و از شعیان علی (ع) در
مکه مکرمه اقامت داشته ، و در ولایت و محبت خاندان رسالت (ع)
متفانی و فداکار و مخلص است از مکه به رکاب امام (ع) پیوست و همراه
اولاد و عیالش بکربلا آمد ، و با سپاه دشمن جنگید و در نخستین
حمله کشته شد و همچنین پسرش عمرو .

تنقيح المقال ۱/۲۳۴. منتهی
الآمال ۱/۲۵۶. ابصار العين/۹۴.
روضة الشهداء ۴/۳۱۰.

جندب بن حجیر

- ۳۲ -

جندب بن حجیر خولانی کندی کوفی .
پیامبر اعظم (ص) را درک کرده و در شمار صحابه است و از بزرگان
و چهره های درخشان شیعه و در صفین با علی بن ابی طالب (ع) بوده

- ۴۴ -

و فرمانده سپاه کنده و از دگشت دارای رشادت و شهامت در راه به کاروان حق و یاران خدا پیوست و شهید شد .
و خولانی منسوبست به خولان بن عمر و پدر قبیله‌ای در شام و کندی لقب ثور بن غصیر بن عدی بن حرث بن مرة بن اود است پدر قبیله‌ای در یمن .

جامع الرواة ۱/۱۶۹ . تنقیح المقال
۱/۲۳۶ . ناسخ التواریخ ۲/۳۱۴ .
منتهی الآمال ۱/۲۵۶ . ابصار العین
۱/۱۵۴

جون

غلام اباندر غفاری

- ۳۳ -

جون بن حوی بن قتاده بن اعور بن ساعده بن عوف بن کعب بن حوی .

غلام سیه چرده بود و مملوک فضل بن عبدالله بن عبدالطلب علی (ع) او را به صد و پنجاه دینار خرید و به ابوذری بخشید و به جون غلام ابوذری معروف شد و با ابوذری که به (ربذه) تبعید گردید در حکومت عثمان بن عفان رفت و پس از مرگ ابوذری بسال ۳۲ هج به امیرالمؤمنین (ع) پیوست و بعد در خدمت امام حسن (ع) و سپس در رکاب حسین (ع) بود و روز عاشورا بشهدا ملحق گشت .
جون بمیدان آمد و رجز خواند و ترجمه رجز او چنین است .

- ۴۵ -

چون من سوی میدان شجاعت بخرام
 بس خصم که بیجان شود از ضرب حسام
 بگزیده^۶ مردانم اگر چند سیاهم
 بستوده^۷ شاهانم اگر چند غلامم
 فردا بشفاعت بود آسان همه کارم
 و امروز بر آید بشهادت همه گامم
 در بعضی از مقاتل است که حسین (ع) بیامد و بر سر کشته^۸ او
 ایستاد و دعا کرد .
 - بارالها روی جون را سفید گردان ، و بوی او را نیکو کن و او
 را با ابرار محشور گردان و در میان او و محمد و آل محمد شناسائی
 ده و دوستی بیفکن .
 جسد جون بعد از ده روز یافته شد جهت دفن که بوی مشک از
 او ساطع بود .

تنش دیدند همچون نقره^۹ پاک
 چو ماه افتاده از افلاک بر خاک
 به تن خوشیده خونش همچو عنبر
 شده بویش چو بوی مسک از فر
 بود این کار کار عشق بی باک
 که خاکی را برد بر عالم پاک

ناسخ التواریخ ۲/ ۲۹۶ . روضة الشهداء^{۱۰}
 ۳۰۵/ جامع الرواة ۱/ ۱۶۹ . وقایع
 الایام ۴۲۲/ ابصار العین ۱۰۵/ جلاء
 العیون ۲/ ۱۸۸ . المجالس السنیة ۱/
 ۱۰۰ . ابو مخنف ۷۰/ . تنقیح المقال
 ۲۳۸/ ۱ . راهنمای دانشوران ۱/ ۱۷۷ .

جوین بن مالک

- ۳۴ -

جوین بن مالک بن قیس بن ثعلبہ تمیمی .
در شجاعت و فراست نمونہ و در مردانگی و شہامت از بدایع
روزگار بودہ ، و در نبرد شجعان را بہ خاک مذلت مینشانند و در کوفہ
قبیلہ بنی تمیم میزیست و از شیعہ و وفاداران اہل بیت (ع) بود و
در سپاہ عمر بن سعد جای گرفت و بہ کربلا آمد ، و رفتار عبید اللہ
ابن زیاد را از نزدیک با حسین (ع) دید ، و چشمہ غیرت و فتوت او
جوشید و دید کہ ابن زیاد ہیچگونہ شرایط امام (ع) را قبول نمی کرد
و از رفتن و مراجعت حسین (ع) جلوگیری مینماید و خشونت اظہار می-
کند لذا ہمراہ افرادی از قبیلہ خویش بہ امام (ع) شبانہ پہوست و از حسین
(ع) حمایت و نصرت کردند و ہمگی بہ درجات شہادت مفتخر شدند .
ابن شہر آشوب جوین را غلام ابی ذر دانستہ و گمان کردہ است
کہ جوین همان جون میباشد چنانچہ در ناسخ التواریخ (حوی) قید
شدہ و ہر دو اشتباہ کردہ اند .

ناسخ التواریخ ۲/۳۱۴ . جامع الرواۃ

۱/۱۷۰ . تنقیح المقال ۱/۲۴۰ .

منتہی الآمال ۱/۲۵۶ . ابن شہر

آشوب ۴/۱۰۳ . ابصار العین /۱۱۳ .

حارث بن امری القیس

- ۳۵ -

حارث بن امری القیس بن عابس کندی .

بسیار توانا و شجاع بود و ارباب تواریخ او را از قهرمانان عرب
شمارده و در تیراندازی سرآمد عصر خویش دانسته‌اند، و از افراد سپاه
عمر بن سعد است که به کربلا آمده و معامله وحشیانه و ستمکارانه و
دژخیمانه عبیدالله را بدید نسبت به حسین (ع) و یاران او و بستن
آب را بر خاندان عترت و عصمت از این لحاظ همراه چهار تن از
قبیله کندی به سپاه امام (ع) پیوستند، و در راه حق و زنده نمودن
اسلام شهید شدند .

تنقیح المقال ۱/ ۲۴۳ . ابصار العین

۰۱۰۳/

حارث بن نبهان

- ۳۶ -

حارث بن نبهان غلام حمزه بن عبد المطلب (ع) .

نبهان از دلاوران و رزمندان بود و غلام حضرت حمزه ابن عبد
المطلب و نامش در تاریخ مترادف با جوانمردی و بزرگواری است پس
از شهادت حمزه به دو سال از دنیا برفت و پسرش حارث به امیرالمؤمنین
(ع) پیوست و با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بود و همراه او از
مدینه حرکت کرد و در کربلا در نخستین حمله شهید گشت .

تنقیح المقال ۱/ ۲۴۸ . منتهی الآمال

۰۲۵۷/۱ . ابصار العین / ۵۵ .

- ۴۸ -

حباب تیمی

- ۳۷ -

حباب بن عامر بن کعب تیمی کوفی .
از جمله یاران و شیعیان علی (ع) و در کوفه میان تمام اقشار به
صلاح و نیکی معروف بوده، و با مسلم بن عقیل بیعت کرده است و
مدتی پس از شهادت مسلم مختفی شد و ظاهر نگشت تا آنکه خبر
حرکت حسین (ع) را بشنید شبانه از کوفه خارج شد و سوی مدینه برفت
و به کربلا آمد، و شربت شهادت نوشید .

تنقیح المقال ۱/۲۵۰ . منتهی الآمال

۱/۲۵۴ . ابن شهر آشوب ۴/۱۱۳ .

ابصار العین / ۱۱۳ .

حبیب بن مظاهر

- ۳۸ -

حبیب بن مظاهر اسدی بن رثاب بن اشتر بن حجان کندی .
گویند . از صحابه . پیغمبر اکرم (ص) بوده و او و مسلم بن عوسجه .
و هانی بن عروه . و عبدالله بن یقطر پیامبر را درک کرده بودند و
احادیث رسول خدا را (ص) شنیده‌اند که فرموده است . همانا پسر
حسین کشته شود در زمینی از زمینهای عراق بنام کربلا هر که او را
درک کرد یاری کند او را ، و حبیب بنابه فرموده پیامبر یاری کرد
حسین (ع) را در کربلا تا شهید شد .

حبیب دارای فضیلت و تقوی و ایمان بود ، و هر شب یک قرآن

- ۴۹ -

ختم مینمود، و از جملهء علوم اهل بیت و از خواص اصحاب امیر
المؤمنین (ع) بشمار میرفت و بعضی از ارباب مقاتل نوشته اند که با
شهادت حبیب وضع حسین (ع) در هم شکست.

بین اخلاص این پیر هنرمند

چه خواهد کرد در راه خداوند

رجز خواند و نسب فرمود آگاه

مبارز خواست از آن قوم گمراه

چنان رزمی نمود آن پیرهشیار

که بر نام آوران تنگ آمدی کار

سر شمشیر آن پیر جوانمرد

همی مرد از سر مرکب جدا کرد

به تیغ تیز در آن رزم و پیکار

فکند از آن جماعت جمع بسیار

روز عاشورا حسین (ع) مشغول نماز ظهر بود حصین بن تمیم فریاد

برداشت که نماز شما قبول درگاه خدا نیست. حبیب پاسخ داد ای

شرابخوار غدار نماز پسر رسول خدا (ص) قبول نمیشود، و از تو قبول

خواهد شد؟ حصین بر حبیب حمله کرد حبیب مانند شیر از در بر او

تاخت و شمشیر بر او فرود آورد و بر صورت اسب او زد حصین از

بالای اسب بر زمین افتاد، و اصحاب حصین او را از چنگال حبیب

رپودند پس حبیب رجز خواند و به نبرد پرداخت.

حبیب بن مظاهر منم مرد مرد

برانگیزم از آتش و آب گسرد

سری دارم از دوستان پر وفا

دلی دارم از دشمنان پر نبرد

نبرد سختی رخ داد، و حبیب بروایتی شصت و دو تن بکشت و
 خروش از لشگر برآورد ناگاه شخصی از بنی تمیم بنام بدیل بن صریم
 بر وی زد و دیگری نیزه بر او فرو آورد حبیب بر زمین افتاد خواست
 تا برخیزد که حصین بن نمیر شمشیری بر فرق وی زد و او را از کار
 انداخت حبیب آواز برآورد که یا ابن رسول الله (ص) مرا دریاب...
 این صدا به گوش حسین (ع) رسیده مرکب سوار و خود را بدو رسانید،
 حبیب دیده باز کرد و گفت ای سید. ممتحن من سخنی بفرمای و
 پیغامی که به جد و پدر خود داری بازنمای و گویا زبان حال حبیب
 این دو بیت را میخواند.

پیرانه سر کشیدم سر در ره سگانت

موی سفید کردم جاروب آستانت

لعل تو جان و من هم دارم رمیده جانی

حرفی بگو که بادا جانم فدای جانت

پس بدیل فرود آمد و سر حبیب را از تن جدا کرد تا نزد عبید
 الله بن زیاد ببرد و جایزه دریافت کند، چون پکوفه آمد قاسم پسر
 حبیب که جوانی مراهق بود سر پدر را شناخت و همراه آن مرد به
 جانب قصر برفت آن مرد در گمان شد و سبب ملازمت را پرسید قاسم
 حال بازگفت و سر پدر طلبید تا دفن کند تمیمی گفت امیر بدفن آن
 رضایت ندهد و نیز من همی خواهم تا از امیر عطا یابم. قاسم گفت
 باری قهار منتقم ترا عذابی سخت کیفر دهد.

قاسم پیوسته در جستجوی قاتل پدر و منتهز فرصت بود تا زمان

مصعب بن زبیر در جنگ (جمیرا) تمیمی را در خیمه نشسته دید، به
 او حمله کرد و بخون پدر بکشت.

روضة الشهداء / ۳۰۴. ابو مخنف /

۶۶. جامع الرواة ۱ / ۱۷۸. سفینه -

البحار ۱/ ۲۰۳ . مجالس المؤمنین
۱/ ۳۰۸ . ابصار العین / ۵۶ . جلاء
العیون ۲/ ۱۸۵ . ناسخ التواریخ / ۲
۲۸۴ . ینابیع المودة / ۳۴۳ . البدایة
۸/ ۱۷۸ . تنقیح المقال ۱/ ۲۵۲ . ابن
شهر آشوب ۴/ ۱۰۳ . وقایع الایام
/ ۴۲۷ . لسان المیزان ۲/ ۱۷۳ . ابن
اللاءثیر ۴/ ۲۰ . اعیان الشیعة ۲۰/ ۶۶ .
الاعلام ۲/ ۱۷۳ .

جیشة نهمی

- ۳۹ -

جیشة بن قیش بن سلمة بن طریف بن ابان بن سلمة بن حارثة
نهمی همدانی .
شیعه مذهب است به تقوی و پرهیزکاری و ایمان آراسته تنها به
کربلا آمد ، و در رزمگاه حسینی شرکت جست و شهید گشت .
و سلمه پدر بزرگ جیشة از اصحاب رسول الله (ص) بوده و قیس
پیامبر اکرم (ص) را نیز درک نموده .
نهمی منسوبست به نهم بن جاری بن عبید پدر تیره‌ای در یمن
از قبيلة همدان .

راهنمای دانشوران ۳/ ۳۰۶ . تنقیح
المقال ۱/ ۲۵۰ . ابصار العین / ۷۹ .

حجاج بن بدر

- ۴۰ -

حجاج بن بدر بصری تمیمی سعدی .
در بصره میزیست و از شیعیان با وفا و جانباز و حامل نامه مسعود
بن عمرو از بصره به امام حسین (ع) همراه دوستش قعنب ابن عمرو
نمری بصری و هر دو در حمله اولی شهید گشتند .
منتهی الآمال ۱/ ۲۵۶ . بصارالعین
۰۱۲۲/

حجاج سعدی

- ۴۱ -

حجاج بن زید سعدی تمیمی بصری .
اقامتگاه او بصره است با حرارت و ایمان و وفادار بوده خبر حرکت
حسین (ع) را در بصره شنید و تنهائی به کربلا آمد گویند شهامتی
بی نظیر و شجاعتی به حد داشت .
و سعدی منسوبست به سعد پدر تیره های چندی در عرب .
تنقیح المقال ۱/ ۵۵ . ناسخ التواریخ
۰۳۱۴/۲

حجاج کوفی

- ۴۲ -

حجاج بن مسروق بن جعفر بن سعد العشيرة جعفری کوفی .
از بزرگان تابعین و شیعیان امیرالمؤمنین (ع) است و ساکن کوفه
و ملازم مجلس علی (ع) و مشمول عنایات خاصه او بوده ، و با شنیدن
خبر حرکت حسین (ع) به مکه رفته و به امام (ع) در مکه پیوست و
موازن لشکر حق گردید ، و بعضی گفته اند . رکابدار حضرت نیز بود ، و به
دستور امام (ع) قدم بمیدان گذارد کمانی زیبا مانند قوس و قزح بزه
کرده و خدنگی چون تیرآه مظلومان که سحرگاه از قوس تظلم به هدف
قاب قوسین افکند بر آن پیوسته رجز خوانان بمیدان در آمد و چنان
میجنگید که سپاه دشمن به تنگ آمده از هر سو تیر بارانش کردند و
شهید گشت .

جعفری منسوبست به جعفر بن سعد العشيرة بن مذحج پدر قبيلهء

در یمن .

ناسخ التواریخ ۲/۲۹۱ . روضه الشهداء

۳۰۷/ . تنقیح المقال ۱/۲۵۵ . ابن

شهر آشوب ۴/۱۰۳ . ابصار العین

۱۸۹/ . جلاء العیون ۲/۱۹۱ .

حر ریاحی

- ۴۳ -

حر بن یزید بن ناجیه بن سعد بن یربوع ریاحی .

- ۵۴ -

از سران سپاه کوفه و رزمندگان لشکر بود که همراه سپاه خود زاهرا
بر حسین (ع) گرفت و در کربلا فرود آورد مؤرخین گویند. پس از اینکه
یاران و اصحاب امام (ع) روز عاشورا در آغوش خون و شهادت غنودند
و حسین (ع) در میان انبوه دشمن تنها ماند ناگهان صدای بلند شد
و مردم را بیاری خویش خواند.

آیا کسی هست که از حرم پیغمبر خدا دفاع کند؟

آیا کسی هست که در جنگ با ما از خدا بترسد؟

آیا کسی هست بامید رحمت خدا بفریاد رسی ما برخیزد؟

آیا کسی هست بامید ثواب الهی ما را یاری کند؟

این سخنان چنان ولوله در سپاه افکند که نزدیک بود نظم سپاه
را بر هم زند، زیرا بعضی‌ها را از خواب غفلت امام (ع) بیدار فرمود
و حریر خود آمد و به عمر بن سعد گفت. آیا با این مرد مقاتلت خواهی
کرد؟ پاسخ داد. بلی و الله قتالی کنم که آسانتر آن باشد که سرها
از تن جدا و دستها قلم گردد... حر آزرده و افسرده خاطر شد و
در گوشه‌ای ایستاد و سپس به بهانه آب‌یاری اسب خود را از سپاه
کناره گرفت و کم‌کم به لشکرگاه حسین (ع) نزدیک کرد و رعد و لرزش
به تن حر مستولی شده بود، مهاجر ابن اوس به او گفت. سوگند بخدا
اگر از من بپرسند شجاعترین اهل کوفه کیست از تو تجاوز نمی‌کردم و
غیر از تو کسی را نام نمی‌بردم لیکن این لرزه و رعد در تو چیست؟
حر گفت. بخدا قسم که من نفس خویش را میان بهشت و دوزخ مخیر
می‌بینم، و سوگند بخدا که اختیار نخواهم کرد جز بهشت را اگر چه
قطعه قطعه شوم پس اسب خود را تاخت و به طرف حسین (ع) آمد و
پیاده شد در حالتی که دست بر سر نهاده بود و میگفت.

بارالها... به تو انابت و رجوع کردم پس بر من ببخشای چه
آنکه دل‌های اولیای ترا و اولاد پیغمبر ترا در بیم و هراس افکندم. و

بعد به امام (ع) عرض کرد فدای تو شوم یا ابن رسول الله (ص) منم آن کسیکه ترا براه خویش نگذاشتم و راه بازگشت بر تو بستم و ترا از راه و بیراه بگردانیدم تا بدین زمین بلانگیز رسانیدم و هرگز گمان نداشتم که این قوم با تو چنین کنند قسم بخدا اگر این بدانستم هرگز نمیکردم آنچه کردم اکنون از کر دارم پشیمانم و بسوی خدا توبه کردم و به خدمت تو مبادرت نمودم آیا توبه و انابت مرا در حضرت حق به مرتبه قبول می بینی

با خجالت‌های کلی روبراه آورده‌ام

جان پردرد و زبان عذر خواه آورده‌ام

بر من بیدل می‌فشان دست‌زد زیرا که من

بر امیدوی روی این بارگاه آورده‌ام

حسین (ع) از بالای مرکب دست مبارک بر سرو صورت حر کشید، و گفت ای حر. هر چند بنده گناه کند چون رو بدرگاه خداوند آوری استغفار نماید، و از آن گناه توبه کرده عذر خواهد امید قبول هست. گفت باز آکه در تو به است باز

هین بگیر از عفو ما خط جواز

ای دراکه کس ز احرار و عبید

روی نومیدی در این درگه‌ندید

گر دو صد جرم عظیم آورده‌ای

غم مخور رو بر کریم آورده‌ای

جرمی که نسبت بمن کردی ناکرده انگاشتم و تقصیری که تا این غایت از تو واقع شد درگذشتم مردانه باش و در حرب دل قوی‌دار که امروز روز بازار سعادت است و این میدان جلوه‌گاه اهل شهادتست. حر از امام (ع) اجازه نبرد خواست و گفت یا ابن رسول الله (ص)

اول کسی که به مخاصمت تو آمد من بودم ، دستوری فرمای تا نخستین کسی که به محاربت دشمنان تورود من باشم حسین (ع) اجازت فرمود ، و حر مردانه و دلاور فرزانه بر مرکبی دونده و رونده و جهنده تازی نژاد سوار و قدم بمیدان نهاد و رجز گویان مبارز طلبید و رجز او چنین ترجمه شده است .

منم شیر دل حر مردم ربای

کمر بسته پیش‌ولی خدا

منم شیر و شمشیر بران بدست

که دارد بر شیر و شمشیرپا

راوی گوید . ندیدم احدی را هرگز مانند او سر از بدن جدا کند پس گروهی از سپاه بر او حمله کردند . گویند او را بحیربن اوس ضبی شهید کرد .

حر از مرکب افتاد و نعره زد که ، یا ابن رسول الله ادرکنی حسین (ع) مرکب در تاخت و حر را از میدان دشمنان در ربوده به پیش صف لشکر خود آورد پس پیاده شده و بنشست و سر حر را بر دامن گرفت و گرد و خاک از رخسار او پاک میکرد ، حر را رمقی بود دیده باز کرد و سر خود را در دامن حسین (ع) دید تبسمی کرد ، و گفت . یا ابن رسول الله (ص) از من راضی شدی؟ امام (ع) فرمود . که من از تو خشنودم خدای از تو راضی باد . . . حر از این بشارت شادمان شده نقد جان بجنان نثار نمود .

برین مژده گر جان فشانم رواست

که این مژده آسایش جان ما است

حسین (ع) برای حر بگریست و گویند امام (ع) در مرثیه حر این ابیات را فرموده است .

لنعم الحر حر بنی ریاح و نعم الحر عند مختلف الرماح
و نعم الحر داذنادی حسینا فجاد بنفسه عند الصیاح

حسن مثنی

- ۴۴ -

حسن بن امام حسن بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
همراه عمویش کربلا آمد و روز عاشورا نبرد و مبارزه کرد و عده‌ای
را بهلاکت افکند و هیچ‌ده زخم بر بدنش وارد آمد و بر زمین افتاد .
اسماء خارجه بن عیینة بن خضر بن حذیقة بن بدر فزاری خویش مادری
او در لشکر عبیدالله بن زیاد بود ، او را بکوفه بود و زخمهای او را
پانسمان کرد تا بهبودی یافت و سپس حسن را به مدینه روانه نمود .
حسن مثنی در مدینه بماند تا آنکه سلیمان بن عبدالملک او را
بوسیله عمالش مسموم کرد ، و عمرش هنگام وفات پنجاه و سه سال
بوده است .

نورالابصار / ۱۲۵ . ناسخ التواریخ
۳۲۳/۲ . سفینة البحار ۲/۲۵۶ .
جمهرة انساب العرب / ۴۱ - ۴۲ .
بطل فح / ۲۱ . عمدة الطالب / ۸۶ .
تنقیح المقال ۱/۲۷۲ . تحفة الاحباب
۰۵۹/

حلاس بن عمرو

- ۴۵ -

حلاس بن عمر و ازدی راسبی کوفی .

از یاران پایدار علی (ع) بوده ، و همراه برادرش نعمان به کاروان حق پیوست و بسیار دلیر و نیرومند است و در حمله اولی هر دو برادر شهید گشتند .

خوشا حر فرزانه نامدار

که جان کرده بر آل احمد نثار

زرخش تکبر فرود آمده

شده بر براق شهادت سوار

بعشق جگر گوشه مصطفی

بر آورده از جان دشمن دمار

داستان حر در کتب تاریخ مفصلاً " درج است و شهادت برادرش

مصعب و پسرش علی خواهد آمد .

آفرین خدای بر پدری که تو

پر ورد و مادری که تو زاد

و ریاحی منسوبست به ریاح بن یربوع بن حنظلة بن مالک بن

زید ابن مناة بن تیم بن مره پدر تیره‌ای از قبیله تمیم .

البدایة و النهایة ۱۷۲/۸ . ناسخ

التواریخ ۲۵۳/۲ . ینابیع المودة

۳۴۴/ . روضة الشهداء ۲۷۷/ .

جامع الرواة ۱۸۲/۱ . ابن الاثیر

۵۶/۴ . ابصار العین ۱۱۵/ جمهرة

خطب العرب ۲ / ۵۶ حبیب السیر
 ۲ / ۵۲ . ابو مخنف / ۷۶ . ابن شهر
 آشوب ۴ / ۱۰۰۰ . اعلام الوری / ۲۴۲ .
 اللهوف / ۱۰۳ . وقایع الایام / ۳۹۲
 . جمهرة انساب العرب / ۳۲۷ .
 تنقیح المقال ۱ / ۲۶۰ . منتهی الآمال
 ۱ / ۲۵۲ . راهنمای دانشوران ۱ / ۴۱۷ .
 ناسخ التواریخ ۲ / ۲۸۲ . جامع الرواة
 ۱ / ۲۶۸ . تنقیح المقال ۱ / ۳۶۲ -
 منتهی الآمال ۱ / ۲۵۵ . ابن شهر
 آشوب ۴ / ۱۱۳ . ابصار العین / ۱۰۹ .

حماد بن انس

- ۴۶ -

حماد بن انس .

واعظ کاشفی متوفی بسال ۹۱۰ هـ گوید . پس از شهادت عمرو بن
 عبدالله مذحجی ، حماد بن انس بمیدان در آمده اسب میتاخت و
 لوای نصرت بر می افراخت و بتیغ مبارزت سر دشمنان از تن جدا
 میساخت و آنرا بچوگان نصرت چون گوی میتاخت و بنای صبر و قرار
 از دل اشرار بر میانداخت عاقبت خدنگ اجل دیده املش بر بست و
 با دلی شادان و جانی به محبت آبادان به شهیدان راه حق پیوست .
 هر لحظه باد میبرد از بوستان گلی

آشفته میکند دل مسکین بلبل

روضه الشهداء / ۲۹۵ .

- ۶۰ -

حنظلة بن اسعد

- ۴۷ -

حنظلة بن اسعد بن جشم بن عبدالله بن اسعد بن حاشد بن همدان همدانی شامی .

سر آمد شیعیان و صاحب بیان و منطق و کلام و سخن است و شیر دل و کهنه سوار که دلیری بی‌همتا و دلاوری شجاع و کم نظیر و از قارئین قرآن و در کربلا میان حسین (ع) و عمر بن سعد نامهرسان بوده ، و روز عاشورا که یاران امام (ع) آغشته بخون گشتند جلو حسین (ع) ایستاد و شمشیر و نیزه و تیرها را با سینه و رویش رد میکرد تا مبادا به امام (ع) آسیب رساند .

حنظله بعد اجازه نبرد خواست و سپاه کوفه را پند و نصیحت نمود ، و آنها را به یاری و نصرت اهل بیت طهارت (ع) خواند و پس به امام (ع) عرض کرد . اجازه میدهید به سوی خداوند بزرگ روم و به برادرانم بپیوستم ؟ حسین (ع) فرمود . برو سوی آن که خیر تو در اوست . . . سوی پروردگاری که او راست دوام و بقاء . . . در این هنگام حنظله با امام (ع) خدا حافظی کرد و سلام و درود فرستاد و به رزمگاه رفت و شهید شد .

جامع الرواة ۱/ ۲۸۷ . ابصار العین

۰۷۷/ ناسخ التواریخ ۲/ ۲۹۳ . ینابیع

المودة ۳۴۳/ . روضة الشهداء ۴/ ۳۰۹ .

تنقیح المقال ۱/ ۳۸۲ . منتهی الآمال

۱/ ۲۶۶ . اعلام الوری ۲۴۶/ -

اللہوف ۱۰۹/ . ابن الاثیر ۴/ ۷۲ .

حنظله بن عمرو

- ۴۸ -

حنظلة بن عمرو و شیبانی

در نخستین حمله روز عاشورا قبل از ظهر شهید گشته .

منتهی الآمال ۱/ ۲۵۴ . ناسخ ۲/ ۲۸۲ .

حیان بن حارث

- ۴۹ -

حیان بن حارث سلمانی ازدی .

در کوفه مقیم بوده و به تقوی و پاکدامنی آراسته است . لسان

الملك سپهر او را در اعداد شهدای حمله اولی ذکر کرده است . و

جای دیگری جز او ندیدم .

ناسخ التواریخ ۲/ ۲۸۲ .

خالد به عمرو

- ۵۰ -

خالد بن عمرو بن خالد بن حکیم بن خرام اسدی کوفی .

از دلیران و رزمندگان کوفه است پس از شهادت پدرش از خیمه

بیرون آمد ، و روی بمیدان نهاد داد مردانگی بداد ، و رجز گویان

در قتال بر روی دشمنان بگشاد و خاک میدان را از خون نامردان

درخشان کرد ، و عاقبت کار خالد همچون پدرش بدرجه شهادت

نائل گردید .

- ۶۳ -

چون ذره بخورشید درخشان پیوست
چون قطره^۶ سرگشته بعمان پیوست
جان بود میان وی و جانان حایل
فی الحال که جان داد جانان پیوست
روضة الشهداء^۶ / ۲۹۴ . منتهی الآمال
۱ / ۲۶۵ . ابن شهر آشوب ۴ / ۱۵۱
جلاء العیون ۲ / ۱۸۳ . ناسخ التواریخ
۲ / ۲۷۳ .

خلف بن مسلم

- ۵۱ -

خلف بن مسلم بن عوسجة بن سعد بن ثعلبة بن دوران بن
اسد بن خزیمه اسدی سعدی .
هنگامیکه مسلم شهید گشت پسر او بنام خلف مانند شیر شری شریزه
بردمید ، گریه‌کنان روی بمیدان نهاد حسین (ع) فرمود . که ای جوان
برگرد که پدرت کشته شده و اگر تو نیز کشته شوی مادرت در این
بیابان در پناه کدام کس گریزد؟ پسر مسلم خواست بازگردد مادرش
گریه‌کنان و شتاب زده سر راه بر وی گرفت و گفت ای فرزند . سلامت
نفس را بر نصرت پسر پیغمبر (ص) اختیار میکنی هرگز از تو راضی و
خشنود نشوم ، پسر عنان بر تافت و روی به مهرکه آورد و حمله‌گران
افکند و مادر از عقب او فریاد همی کرد و او را بر جان فدا کردن
دل میداد که ای پسر شادباش که هم اکنون از دست ساقی کوثر سیراب
خواهی شد . . . ای جان مادر از یاری حسین (ع) فروگذاری مکن . . .

پسر مردانه همی جنگید سی‌تن، و بروایتی بیست را از پای در آورد
و شربت شهادت نوشید کوفیان را سرش را بریده سوی مادر انداختند
آن دل سوخته سر پسر را برداشته و آفرین گویان بوسید و چنان
بگریست که همگان گریستند.

روضه الشهداء ۲۹۷/ وقایع الایام

۴۱۶/ ناسخ التواریخ ۲/۲۷۷.

علمای معاصرین ۲۶۹/.

و نام پسر مسلم را (عبدالله) ذکر نموده است.

رافع بن عبدالله

- ۵۲ -

رافع بن عبدالله ... غلام مسلم بن کثیر.
همراه مولایش به کربلا آمد، و امام (ع) را ملاقات نمود و پس
از شهادت مسلم شهید شد.
ترجمه مسلم بن کثیر خواهد آمد.

تنقیح المقال ۱/۴۲۲. ابصار العین

۱۰۸/

زاهر

- ۵۳ -

زاهر غلام عمرو بن حمق زاهری.
بسال شصت از هجرت جهت انجام مناسک حج به مکه رفت و به

- ۶۴ -

شرف مصاحبت حسین (ع) نائل شد، و در خدمت امام (ع) بود تا در کربلا قبل از ظهر شهید گشت.

قاضی نعمان مصری متوفی بسال ۳۶۳ هـ گوید. چون عمرو ابن حمق از ترس معاویه گریخت بجانب جزیره و مردی از اصحاب علی (ع) بنام (زاهر) با او همراه بود، چون مار عمر بن حمق را گزید بدنش ورم کرد زاهر را فرمود. که حبیبم رسول خدا (ص) مرا خبر داده که شرکت میکند در خون من جن و انس و ناچار من کشته خواهم شد، در این وقت اسب سوارانی که در تعقیب و جستجوی او بودند ظاهر شدند عمر و به زاهر گفت تو خود را پنهان کن این جماعت بجستجوی من می آیند و مرا می یابند و میکشند و سرم را با خود میبرند، و چون رفتند تو خود را ظاهر کن و بدن مرا از زمین بردار و دفن کن. زاهر گفت تا من تیر در ترکش دارم با ایشان جنگ می کنم تا آنگاه با تو کشته شوم. عمر و فرمود. آنچه من میگویم بکن که در امر من نفع میدهد خدا ترا. زاهر چنان کرد که عمرو فرمود و زنده بماند تا در کربلا شهید گشت.

ناسخ التواریخ ۲/ ۲۸۲. سفینه البحار

۱/ ۵۷۲. ابن شهر آشوب ۴/ ۱۱۳.

وقعة صفین ۱۰۳/ ابصار العین

۱۰۳/ منتهی الآمال ۱/ ۲۵۵.

زهیر ازدی

- ۵۴ -

زهیر بن سلسم بن عمرو ازدی.

- ۶۵ -

از سپاه کوفه بوده دارای حزم و تدبیر و کاردان شب دهم از سپاه جدا شد، و به یاران حسین (ع) پیوست زیرا دید که لشکر با قاطعیت می‌خواهند امام (ع) و خاندان او را بکشند، و اثری از صلح و آشتی در میان نیست لذا آخرت را برانگیخت و دلیرانه و با ایمان و اخلاص بجنگید و در نخستین حمله شهید گشت.

حبیب السیر ۲/۵۳. ناسخ التواریخ

۲/۲۸۲. ابن شهر آشوب ۴/۱۱۳.

تنقیح المقال ۱/۴۵۲. ابصار العین

۱/۱۰۹. منتهی الآمال ۱/۲۵۵.

زهیر خثعمی

- ۵۵ -

زهیر بن بشر خثعمی.

در کوفه میزیست و شیعه با حرارت و اخلاص بوده سوی مکه برفت و آنجا به امام (ع) پیوست و در کربلا قبل از ظهر عاشورا به یاران گذشته رسید.

منتهی الآمال ۱/۲۵۵. ابن شهر

آشوب ۴/۱۱۳. ناسخ التواریخ ۲/۲۸۲

زهیر بجلی

- ۵۶ -

زهیر بن قین بن قیس بن حارث بن عامر بن سعد بن مالک بن

- ۶۶ -

ذهل بن عمرو بن عمرو بن پیشکر بن علی بن سعد بن نذیر بن قسر انماری بجلی .

سردار مبارز و دلاور نامدار و اصیلترین و شریف ترین مردان رزمنده^۱ قبیله (انماری) در کوفه این سردار مؤمن جنگها نموده ، و عرصه^۲ زندگی را برای منافقین تنگ ساخته و چندین بار آنها را شکست داده و تار و تومار نموده و در کوفه میزیست و عثمانی مذهب است و بسال شصت هجری با همسرش مکه رفت و با خروج امام (ع) از مکه بسمت کوفه زهیر نیز همراه عیال و پسر عمویش سلمان ابن مضارب به کوفه می آمدند ، و خوش نمیداشت زهیر که با کاروان حسین (ع) در یک منزل فرود آیند مبادا میانه آنها ملاقات و حرف رخ دهد ، از این لحاظ امام (ع) همینکه حرکت میکرد زهیر فرود می آمد و امام (ع) که فرود می آمد زهیر حرکت میکرد ، تا روزی در یکی از مراحل میان حجاز و عراق زهیر و همراهانش مشغول غذا خوردن بود که ناگاه فرستاده^۳ امام (ع) رسید و سلام نمود و به گفت . ای زهیر ابو عبدالله الحسین (ع) ترا دعوت فرموده . حاضران را از شنیدن این کلام بهت و شگفت زد و لقمه ها از دست افتاد گوئی حس و حرکت از آنها برفت زهیر هم خاموش گشت .

دلهم دخت عمر و همسر زهیر گفت . سبحان الله ای زهیر آیا فرزند رسول خدا (ص) از تو دعوت میکند و تو در اجابت وی درنگ میکنی چه مانع دارد بروی و به بینی چه میگوید و برگردی .

زهیر برخاست و رفت زمانی نگذشت که شاد و خندان آمد و آثار شادی از رخسار آشکار بود همینکه وارد شد اول بفرمود تا خیمه و بنه و بارگاه او را از جا کنند که بخیمه^۴ و خرگاه حسین (ع) به پیوندند بعد خطاب به همسرش کرد ، و گفت . تو طلاقى به خاندان

قبیلهٔ خویش برگرد و چون من دوست ندارم از طرف من ناگواری بتو برسد. سپس بیاران و همسفران خود کرد و گفت. هرکس میل همراهی مرا دارد با من بیاید وگرنه این وداع آخرین است. - اکنون ای همراهان شما را بخدا می‌سپارم.

زهیر این را بگفت و با پسر عمش سلمان در ملازمت رکاب ابو عبدالله (ع) بود تا در کربلا شهادت را درک کردند.

مؤرخین گویند. امام (ع) زهیر را در کربلا رهسپار و علمدار و میمنه را باو سپرد و هنگامیکه بر خاک افتاد حسین (ع) بر بالین او آمد و فرمود. خداوند زهیر ترا از حضرت خویش دور نگرداند و لعنت کند کشندگان ترا همچنانکه لعن فرمود جماعتی از گمراهانرا و آنها را به صورت خوک و میمون مسخ نمود. -

بروایتی زهیر را کثیر بن عبدالله شعبی و مهاجرین اوس شهید کردند. و داستانهای زیادی مؤرخین برای او نوشته‌اند از جهت دلآوری و بیان و فصاحت و بلاغت.

زهیر قین اشجع مرد افکن

شد آماده که سازد نام روشن

خورد زهرا جل چون من وسلوی

شود قربان زهر باغ زهرا

سر میدان قدم بنهاد غازی

زمین شد آسمان از سر فرازی

بدوش حلقهٔ پر کار اعداد

چونقطه در میان او بود تنها

بدور او فراهم قوم اشرار

که بی نقطه نباشد خط پرکار

تن اواز جراحتهادر آن حال

بسان خانهٔ زنبور و غربال

تن زخمی بهار دیگر آورد

کرامت بین صنوبر گل بر آورد

و انماری منسوبست به انمار بن ارش پدر تیره ایست از قبيله بجيله .

ناسخ التواریخ ۱۴۱/۲ و ۲۸۹. ینابیع

المودة / ۳۴۳. ابومخنف / ۶۶. -

سفینه البحار ۱/۵۷۲. تذکرة الخواص

/ ۲۵۳. ابصار العین / ۹۵. جمهرة خطب

العرب ۲/۴۷. حبیب السیر ۲/۴۶.

جلاء العیون ۲/۱۸۵. تنقیح المقال

۱/۴۵۲. سلمان فارسی / ۱۱۱.

راهنمای دانشوران ۱/۳۶. ابن شهر

آشوب ۴/۱۰۳. اللهوف / ۱۱۰.

وقایع الاء یام / ۴۲۵. جمهرة انساب

العرب / ۳۸۸.

زهیر بن حسان

- ۵۷ -

زهیر بن حسان اسدی کوفی .

کاشفی گوید . زهیر در پیش حسین (ع) ایستاده بود که عمر ابن

سعد مبارز نامدایرا بنام (سامر ازدی) بمیدان فرستاد و ندای هل

من مبارز کشید زهیر گفت یا ابن رسول الله (ص) اجازت ده تا با او

- ۶۹ -

نبرد کنم و لوای لاف و گزاف که در ساحت میدان برافراشته بصرصر
 قهر درهم شکنم امام (ع) او را اجازت داد و این زهیر از قبیلۀ بنی
 اسد بود در همان نزدیکی از وطن و مسکن خود بریده و خدمت امام
 (ع) را از همه گزیده بود مبارز مردانه و دلاور فرزانه بود، و اهل
 عراق و شام نام آن یگانه را شنیده و نام و آواز و شهرت و شجاعت
 او را دانسته بودند همه سردر پیش انداختند و از محاربت او ترسیدند
 در افکند مرکب بمیدان دلیر بغرید ماننده نره شیر
 عمر بن سعد بانگ بر سپاه خود زد که این چه بی‌حمیتی است شما را
 آخریکس بمیدان روید و نام خود را در مجمع پهلوانان بلند سازید
 چند نفر از دلاوران سپاه کوفه به مبارزه درآمدند، و زهیر بیست و
 هفت سردار را کشت آنوقت سیصد سوار برای او کمین بستند از سه
 موضع و با او محاربه کردند زهیر پنجاه سوار را بینداخت اما نود زخم
 بر بدنش زده بودند.

گوی عشقست و درو زخم بلا پی در پی

کو حریفی که قدم بر سر این گوی نهد

امام (ع) آن حال را مشاهده کرد جمعی از اصحاب را جهت مدد
 و کمک او فرستاد مبارزان رفتند و برخی را کشتند، و زهیر را از آن
 میانه آوردند فزون از دویست چوبه تیر در بدن داشت و از پاره
 زخمهای او خون مانند باران میچکید، حسین (ع) پیاده شد بر سر
 بالین وی بایستاد زمانی بر آمد زهیر چشم باز کرد امام (ع) را بر
 بالای سر خود ایستاده دید روی خود را بر قدم حسین (ع) نهاد و
 بزبان حال مضمون این بیت ادا کرد.

خاک قدم دوست شدم نیست کسی را

این عیش که امروز مرا در قدم اوست

امام (ع) فرمود. ای زهیر سخن گوی و آنچه در دل داری ظاهر کن تا بآن بایستم و ترا حق گزاری کنم که تقصیری نکرده و شرایط مردی و جوانمردی بجای آوردی.

زهیر گفت. یا ابن رسول الله (ص) برای من جام آب صاف زلال آورده‌اند، صبر فرما تا آب بخورم آنکه سخن کنم... حسین (ع) فرمود ای یاران بهشت را به زهیر نموده‌اند و آن شراب بهشت که بدو می‌نمایند. پس زهیر دهان برهم میزد چنانچه کسی چیزی آشامد آنکه نفسی زد و در گذشت.

روضة الشهداء / ۲۸۳ - ۲۸۷.

زیاد صائدی

- ۵۸ -

ابو عمرة زیاد بن عریب بن حنظله بن دارم بن عبدالله بن کعب ابن شر حبیل بن شراحیل بن عمر و بن چشم بن حیزون بن عوف بن همدان صائدی همدانی.

در شمار متهمدین و زهاد است و نهایت تواضع و فروتنی را دارا بود طبعی سخی و همتی عالی داشت و در اجرای احکام پیامبر اعظم (ص) کمال سعی را مینمود، و شبها را به نماز و عبادت زنده میداشت و هنگام نبرد مانند شیرگران غرش میزد وارد کربلا شد و قبل از یاران امام (ع) مبارزه و نبرد کرد و بدست عامر بن نهشل شهید شد و سرش را قطع کرد.

پدرش عریب از صحابه پیغمبر است و رسول الله (ص) را درک نموده و مردی شجاع و متعبد متهمد بوده.

- ۷۱ -

تنقیح المقال ۱/۴۵۶ . جمهرة انساب
العرب / ۳۹۵ . ابصار العین / ۸۰
اللباب ۲/۲۳۲ .

زیاد مظاهر

- ۵۹ -

زیاد مظاهر کندی .

گویند . بعد از مالک بن انس زیاد مظاهر بر لشکر ابن سعد حمله کرد ، و از خاندان کندی کوفه است و خوش سیرت و مردی با ایمان و از خود گذشته و فروتن بود روز عاشورا نه تن از منافقین بکشت و شهید گردید .

ناسخ التواریخ ۲/۳۰۹ .

سالم

- ۶۰ -

سالم ، غلام عامر بن مسلم بن حسان سعدی بصری .
آیه الله ما مقانی در فهرست کتابش نام - سالم را نوشته و اینکه در کربلا شهید شده است لیکن در متن کتاب حرف (س) سالم ترجمه نشده است و گویا هنگام چاپ افتاده باشد . اما عامر در صفحات آینده ذکر خواهد شد .

تنقیح المقال ۱/۶۱ . ابصار العین

۱۱۱/ . ناسخ التواریخ ۲/۳۱۴ .

- ۷۲ -

سالم کوفی

- ۶۱ -

سالم بن عمر و بن عبدالله کوفی .

همتی بلند و فطرت عالی و ایمانی کامل داشت و از شیعه کوفه و دلیر و شجاع بود ، و با مسلم بن عقیل در کوفه قیام کرد و جنگها نمود و پس از شهادت مسلم دستگیر شد ، و از زندان فرار کرد و مخفی و متواری گشت و با رسیدن حسین (ع) همراه افرادی از قبیله کلبی کربلا آمد و به امام (ع) پیوست و به درجه شهادت نائل شد .

ابصار العین / ۱۵۸ . تنقیح المقال

۰۴/۲

سعد حضرمی

- ۶۲ -

سعد بن بشر بن عمر و حضرمی .

بنابه گفته مرحوم سپهر ، سعد از شهدای کربلا است .

ناسخ التواریخ / ۲ / ۳۱۴ .

سعد انصاری

- ۶۳ -

سعد بن حرث بن سلمة انصاری عجلانی خزرچی .

در کوفه مقیم بود و به رای خوارج گرایش داشت و همراه برادر

- ۷۳ -

حویس، بو، نحو، (بیورافیس در صفحه ۲۲ ددست) در سپاه عمر بن سعد بودند و به کربلا آمدند تا با امام (ع) بجنگند، نبرد آغاز شد و به نبرد و مبارزه سرگرم گشته بودند که شیون و گریه و ناله و زاری بانوان رسالت و کودکان بی‌پناه به گوش آنان رسید و ناراحت و افسرده گشتند، و از جنگ دست برداشتند سعد رو کرد به برادرش و گفت. ما میگوئیم فرمان کسی را جز خداوند نیست و کسی که فرمان خدا را اطاعت نمیکند مایستی او را اطاعت نمود، و این حسین (ع) فرزند دختر پیامبر ما محمد (ص) است که امید شفاعت او را قیامت داریم به چه بهانهای او را بکشیم در حالی که نه یاری و نه معینی دارد. هر دو برادر به سوی امام (ع) حرکت کردند و نزدیک امام (ع) به دشمن حمله‌ور شدند و چنان مردانه جنگیدند که سپاهیان کوفه عقب نشستند آنوقت لشکر منافق به آن دو برادر حمله‌ور شدند و هر دو را یک جا شهید کردند.

تنقیح المقال ۲/ ۱۲۰. ابصار العین ۹۴/۰

سعد تمیمی

— ۶۴ —

سعد بن حنظله تمیمی.

از اعیان لشکر حق بود و در هیچ معرکه از شمشیر روی نتافته و غبار میدان شکافته روی بمیدان نهاده و کارزار سختی نمود تا شهید گشت.

روضه الشهداء ۲۹۴/۰ منتهی الآمال

۱/ ۲۶۰. ابن شهر آشوب ۴/ ۱۰۱.

جلاء العیون ۲/ ۱۸۰. ناسخ التواریخ

۲/ ۲۷۴.

— ۷۴ —

سعد خزاعی

- ۶۵ -

سعد بن حرث خزاعی .

پیامبر اقدس (ص) را درک کرده و از غلامان امیرالمؤمنین (ع) بود و در کوفه فرمان دار انتظامات شد سپس علی (ع) او را والی و فرماندار آذربایجان نمود، و بعد از شهادت پیشوای اول (ع) به امام حسن (ع) پیوست و بعد از او به امام حسین (ع) و روانه مکه شد و از آنجا به کربلا آمد و در حمله اولی به مقام شهادت نائل گردید .

تنقیح المقال ۱۲/۲ . منتهی الآمال

۲۵۷/۱ . ابصار العین / ۵۴ . روضة

الشهداء / ۳۱۱ .

سعد بن عبدالله

- ۶۶ -

سعد بن عبدالله کوفی . غلام عمرو بن خالد اسدی صیدایی . غلامی سخی الطبع شجاع و کاردان و بلند همت بود همراه مولایش عمرو پس از گرفتاری مسلم فرار کردند و به حسین (ع) در منزلگاه (حاجر) پیوستند تا در راه خدا جهاد کنند و پس از شهادت عمر و احازت طلبیده عزیمت میدان قتال نمود، و هر مبارز که بمیدان می آمد اگر دور بود به طعن نیزه او را میکشت و اگر نزدیک میبود به ضرب تیغ تا شهید گشت .

روضة الشهداء / ۳۱۵ . تنقیح المقال

۱۶/۲ . ابصار العین / ۶۸ . ناسخ
التواریخ / ۲ / ۳۱۴ . سعید درج شده
غلط است .

سعید حنفی

- ۶۷ -

سعید بن عبدالله حنفی .

از سالاران و وجوه شیعه کوفه و مردی نیرومند و شجاع و صاحب
مکنت و عبادت بود ، و مورد اعتماد تمام اقشار کوفه و همراه او اهل
کوفه به حسین (ع) نامه‌ها فرستادند و از خویشاوندان و اقربای مادر
محمد حنفیه است و سخنان سعید در شب عاشورا و خطبه و کلمات او
در مقاتل ضبط است .

سعید هنگام نماز خواندن امام (ع) خود را هدف تیر و سنان
قرار داد و هرکجا حسین (ع) به یمین و شمال حرکت مینمود در پیش
روی امام بود ، و بقدری زخم در بدنش فرود آمد که بر زمین افتاد و
جان سپرد . و در بدن او بغیر از زخم شمشیر و نیزه سیزده چوبه تیر
یافتند .

سعید و پسر قین ستادند

پیکان بلا را سپر سینه گشادند

بنگر که چه مردانه قدم پیش نهادند

اهلا که چه پاکیزه دل و پاک نهادند

گوئی که ز مادر پی این کار بزادند

در شاه پرستی چه فزون همت و رادند

این معنی خدمت بودای شاه پرستان

- ۷۶ -

المجالس السنية ١/١٥٢ . ناسخ
التواريخ ٢/٢٨٧ . سفينة البحار
١/٦٢٢ . روضة الشهداء / ٣١٥ .
ابن شهر آشوب ٤/١٥٣ . اللهوف
٩٢/ . جلاء العيون ٢/١٨٨ . ابصار
١٢٥/ .

سلمان مضارب

— ٦٨ —

سلمان بن مضارب بن قيس انماري بحلي .
پسر عم زهير بن قين و داستان آنها در صفحه ٦٩٤ گذشت ، و همراه
زهير كربلا آمد و در شمار شهدای حق گرديد بعد از نماز ظهر .
تنقيح المقال ٢/٤٨ . ابصار العين / ١٥٥ .

سليمان اسدي

— ٦٩ —

سليمان بن ابورزين مسعود بن مالك اسدي كوفي .
غلام امام حسين (ع) و بروايتي امام حسن (ع) مامش كيشه كنيز
امام (ع) او را به هزار درهم خريد و به ام اسحاق دختر طلحه بن
عبدالله تميمي عيال حسين (ع) بخشيد ، سپس ابورزين مسعود كه از
شيبيان و هواداران اميرالمؤمنين (ع) بود با او ازدواج كرد و سليمان
متولد شد و در خانه رسالت و عصمت (ع) تربيت يافت و همراه

— ٧٧ —

حسین (ع) بود تا هنگام شهادت .

مؤرخین نوشته‌اند حسین (ع) نامه‌ای نوشت به اهل بصره و بزرگان و اشراف آن سرزمین و آنها را به نصرت و یاری دین خدا دعوت نمود و به سلیمان دادند و به طرف بصره روانه دادند منذر بن جارود مطلع شد و سلیمان را دستگیر کرد و سلیمان و نامه را به عبیدالله بن زیاد فرستاد، ابن زیاد دستور داد تا گردن سلیمان را قطع کنند و سلیمان بن عوف حضرمی او را گردن زد و بشهادت مفتخر شد. لذا مؤرخین او را شهدای راه امام حسین (ع) دانسته‌اند .

ابن الاثیر ۲/ ۴۸۵. ابصار العین ۵۳/ .

تنقیح المقال ۲/ ۶۵. ناسخ التواریخ

۲/ ۳۱۴. ینابیع المودة / ۳۴۴ .

سوار بن منعم

- ۷۰ -

سوار بن منعم بن حایس بن ابی عمیر بن نهم نهمی همدانی . از یاران با ایمان بوده و پس از رسیدن حسین (ع) به کربلا او نیز رسید و در نخستین نبرد به سپاه کوفه حمله کرد و در اثر زخم و ضربات سخت دشمن از بالای اسب افتاد بر زمین او را با آنحالت دستگیر نمودند ، و دست بند زده نزد عمر بن سعد آوردند و فرمان قتل او را صادر کرد لیکن بعضی از سپاهیان استدعای آزادی او را کردند و اسیر بماند تا از دنیا برفت .

و عبارت زیارت ناحیه مقدسه در حق سوار چنین است .

السلام علی الجریح الماء سور سوار بن الی عمیر النهمی .

- ۷۸ -

در ناسخ التواریخ (سوار بن ابی عمیر فهمی) آمده اشتباه است .
جامع الرواة ۱ / ۳۹۵ . ناسخ التواریخ
۲ / ۲۸۲ . الباب ۳ / ۳۳۸ . تنقیح
المقال ۲ / ۷۱ . منتهی الامال ۱ / ۲۵۵
المناقب ۴ / ۱۱۳ . ابصار العین .
۰۸۵ /

سوید بن عمیر

- ۷۱ -

سوید بن عمیر بن ابی مطاع انماری خثعمی .
با وجود شهامت و شجاعت جامع علوم و فضایل بوده و در
نبرد و مبارزه مهارت داشته و از مفاخر رزمندان با ایمان است و به
قدری نیرومند و جوانمردی داشت که در جنگها با دشمن اولین مبارز
بود اضافه بر نماز و تهجد و شب زنده داری با نماز ذکر و عبادت
و نیایش به درگاه پروردگار منان .

او با سپاه منافقین جنگید و سرکوب کرد بحدیکه در اثر زخمهای
شمشیر و نیزه و تیر بر زمین افتاد و دشمن گمان کرد که او مرده است
از او دور شدند و میان مجروحین بماند ، و شمشیرش را گرفتند و رفتند
تا آنکه روز عاشورا شنید که دشمن فریاد (قتل الحسین) میگوید بر
پا خواست و کاردی که در کفشش پنهان کرده بود در آورد و به دست
گرفت و به لشکر حمله نمود ، و مدت یکساعت جنگید سپس سپاه بر
او حمله کرد و بدن او را قطعه قطعه نمودند .

گویند . سوید را عروة بن بکار تغلبی و زید بن ورقاء جهنی به

قتل رسانید، و آخرین شهید است از اصحاب حسین (ع).
در (اللهوف) سويد بن عمرو آمده اشتباه است و همچنین در
(ابصار العين).

جلاء العيون ۱۹۰/۲. المجالس السنية
۱۰۳/۱. ناسخ التواريخ ۲/۲۹۸-
جامع الرواة ۱/۳۹۱. تنقيح المقال
۲/۷۲. اللهوف ۱/۱۱۱. ابن الأثير
۴/۷۴. البداية و النهاية ۸/۱۸۵.
ابصار العين ۱/۱۰۱. منتهى الآمال
۱/۲۷۰.

سیف جابری

- ۷۲ -

سیف بن حارث بن سریع بن جابر همدانی جابری.
در کوفه میزیست و از یاران با صلاح علی ابن ابی طالب بود
همراه پسر عمش مالک بن عبد بن سریع به کربلا آمد، و در صفوف
اصحاب قرار گرفتند و روز عاشورا گریه کنان به سرعت تمام خدمت
حسین (ع) شتافتند و اجازه نبرد خواستند امام (ع) پرسید سبب
گریه شما چیست؟ گفتند. ما برای غریبی تو میگرییم امام (ع) در
شاءن ایشان دعای خیر فرمودند، و آن دو مبارز به میدان اسب
تاختند و در نبرد بر یکدیگر سبقت می جستند و از هم جدا نمی شدند
و از هم حمایت میکردند، دشمن به آنها حمله کرد و یکجا آنها را
به قتل رسانید.

ناسخ التواریخ ۳۰۸/۲ سیف بن ابی
الحارث قید کرده است و اشتباه
است. روضة الشهداء ۳۰۷/۳ تنقیح
المقال ۲/۷۸. ابن الاثیر ۴/۷۲.
جلاء العیون ۲/۱۹۳. ابصار العین
۰۷۸/

سیف بن مالک

- ۷۳ -

سیف بن مالک عبدی بصری.

اقامتگاه دلیر با ایمان و اخلاص شهر بصره است و هنگامیکه خبر
رسیده حسین (ع) به کربلا در عراق طنین انداز شد سیف هم مانند
سایر شیعه بصره حرکت نمود و کربلا آمد، و در رکاب امام (ع) ماند
تا بدرجه شهادت مفتخر گردید. و گویند. بعد از نماز ظهر بمبارزات
آمد و شهید گشت.

جامع الرواة ۲/۳۹۷. ناسخ التواریخ
۲/۲۸۲. تنقیح المقال ۲/۷۹. -
منتهی الآمال ۱/۲۵۴۵. المناقب ۴/
۰۱۱۳. ابصار العین ۱۱۲/۰

شبيب وحيدى

- ۷۴ -

شبيب بن جراد کلابى وحيدى .

در شمار تابعين و از اصحاب امير المومنين (ع) بوده ، و بسى قهرمان و شجاع و رزمنده در ميدانهاى جنگ بويژه جنگ صفين نامش بدلىرى برده ميشود ، و با مسلم بن عقيل در کوفه بيعت کرد و با کشته شدن مسلم به سپاه عمر بن سعد پيوست و به کربلا آمد و تا شب نهم محرم در اردوى عمر بود عصر روز نهم شمر ابن ذى الجوشن کلابى کربلا رسيد و نامه ابن زياد را به عمر داد محتوى بر اينکه کار حسين (ع) را به سرعت پايان دهد شبيب دانست که کار صلح به جنگ و از جنگ به کشتن امام (ع) منجر شده لذا شديداً " ناراحت و افسرده خاطر شد ، و در تاريخى شب دهم خود را به حسين (ع) رسانيد و روز عاشورا به شرف شهادت رسيد .

تنقيح المقال ۲ / ۸۵ . راهنماى دانشوران

۳ / ۳۲۴ .

شبيب بن عبدالله

- ۷۵ -

شبيب بن عبدالله . غلام حرث بن سريع همدانى جابرى . صاحب قدرت و نيروى بدنى بوده و قهرمانى زيرک و دانا و از صحابه پيامبر اکرم (ص) است و در همه غزوات پيغمبر (ص) و جنگ هاى على (ع) شرکت داشته و در نبرد نقش دليرانه ايفا نموده و در

- ۸۲ -

کوفه میزیست تا آنکه حسین (ع) کربلا آمد شیب همراه سیف ابن حارث بن سریع و مالک بن حرث بن سریع به کربلا آمدند، و در آن، سرزمین مقدس به سعادت شهادت رسیدند.

در ناسخ (شیب بن حارث بن سریع) آمده اشتباه است و درست (شیب مولى حرث بن سریع) میباشد.

و جابری منسوبست به جابر بن عبدالله بن قارم همدانی پسر تیره‌ای از قبیله همدان که به بنی جابر همدانی شهرت دارند.

جامع الرواة ۲/۳۹۸. تنقیح المقال

۲/۸۱. راهنمای دانشوران ۱/۱۲۱.

ناسخ التواریخ ۲/۳۱۴. ابصار ۷۹/۰۷۹.

شریح بن عبید

- ۷۶ -

شریح بن عبید.

مرحوم کاشفی گوید. بعد از شهادت وقاص بن مالک شریح ابن عبید روی بمیدان نهاد و بر مرکب تیزگام راه انجام زرین ستام سیمین لجام سوار شده به چپ و راست میتاخت و مرد را از بالش زین بر فرش زمین میانداخت

بهر جا که نیزه بر افراختی .

جهان ز مردم تهی ساختی

بهرسو که مرکب برانگیختی

بشمیر خون یلان ریختی

ناگاه مرکبش خطا کرد و بر زمین افتاد، جمعی گرد وی در آمده به

- ۸۳ -

زخمهای متوالی و ضربهای متعاقب اعضا و اجزای ویرا متفرق ساختند.
روضة الشهداء / ۲۹۵.

شوذب

-۷۷-

شوذب بن عبدالله همدانی شاکری.

شوذب بمعنی دراز و نیز خوشخو آمده از قهرمانان نامی کوفه بوده و شیعیان با شہامت که زبانزد مورخین است و ضمناً از حفاظ حدیث در کوفه او دارای مجلسی بود که شیعه گرد او جمع شده حدیث از او فرا می‌گرفتند، و برادرانه با آنها سخن میگفت و با صفا دلاوران را دوست می‌داشت و پس از کشته‌شدن مسلم به مکه... رفت و به - امام (ع) پیوست و با او بود تا در کربلا با دشمن جنگید و شربت شہادت نوشید.

محدث نوری او را از بزرگان مکتب تشیع میداند.

تحفة الاحباب / ۱۴۴ . مستدرک -

الوسائل ۳ / ۸۱۱ . سفینة البحار

۱ / ۶۹۲ . ابن الاثیر ۴ / ۷۳ . ابصار

۷۶ / ۱ . اعلام الوری ۲۴۶ / ۲ . و جلاء

العیون ۲ / ۱۹۱ . ناسخ التواریخ

۲ / ۳۵۳ . راهنمای دانشوران ۲ / ۴۵ .

تنقیح المقال ۲ / ۸۸ . منتهی الامال

۱ / ۲۶۶ .

ضرغامه تغلبی

- ۷۸ -

ضرغامه بن مالک تغلبی .

ضرغامه بمعنی شیر و دلیر و نیرومند است و نام بزرگی از هوا داران امیرالمؤمنین (ع) و در کوفه سکونت داشت و با مسلم بن عقیل بیعت نمود، و با خذلان مسلم فرار کرد و پنهان گشت و با سپاه عمر بن سعد به کربلا آمد و شهید گردید. بعضی گفته‌اند او بعد از نماز بمبارزه در آمد.

ابصار العین / ۱۱۴ . ناسخ التواریخ

۲/۲۸۲ . جامع الرواة / ۱ / ۴۱۸ .

المناقب / ۴ / ۱۱۳ . تنقیح المقال / ۲

۱۰۶ . راهنمای دانشوران / ۲ / ۹۴ .

طرماع بن عدی

- ۷۹ -

طرماع بن عدی بن جبلة بن عدی بن ربیعة کندی .

گروهی او را از اصحاب علی (ع) گفته‌اند، و تعبیر کرده‌اند به نام‌رسان امام (ع) به معاویه . و جمعی او را از یاران حسین (ع) نوشته‌اند، بهر صورت مردی با فهم و ایمان و شهامت بوده و متعصب و دلیر و او صاحب مناظره مشهور با معاویه است .

طرماع آمده بود کوفه تا جهت خانواده خویش خرما ابتیاع کند، هنگامیکه خبر قیام حسین (ع) را شنید منصرف شده و به امام پیوست .

- ۸۵ -

او با دشمن دلبرانه جنگید و میان کشته شدگان افتاد و در بدن زخم شمشیر و تیر بسیار داشت و توفیق شهادت را نیافت و افراد قبیله او بدنش را به قبیله منتقل ساختند و پانسمان کردند و در اخلاص و محبت خود باقی بماند تا از دنیا برفت.

مؤلف (علمای معاصرین) گوید. طرماع بن عدی بن حاتم. و این اشتباه است زیرا عدی بن حاتم فقط سه پسر داشت بنامهای طریف. طراف. طرفه. و هر سه در جنگ صفین کشته شدند. محدث قمی مینویسد. بدانکه طرماع برادر حجر بن عدی است چنانچه تصریح کرده بآن شیخ فقیه حسن بن علی طبرسی در کامل بهائی.

مستدرک ۸۱۳/۳. تحفة الاحباب

۱۵۱/ جمهرة انساب العرب/۵۸۷

ابن الاثیر ۵۰/۴. ناسخ التواریخ

۳۱۱/۲. ابو مخنف /۷۲. سفینة

البحار ۱۰۹/۲. لمناقب ۹۶/۴.

تنقیح المقال ۱۰۹/۲. راهنمای

دانشوران ۱۱۱/۲. اخبار شعراء

۴۰/ جامع الرواة ۴۲۱/۱.

ظهیر بن حسان

- ۸۰ -

ظهیر بن حسان اسدی.

از شهدای کربلا است و نامی برای او در کتب ندیدم.

علمای معاصرین /۲۶۹.

- ۸۶ -

عابس بن شیبب بن شاکر بن ربیعۃ بن مالک بن صعّب بن معاویة بن کثیر بن مالک بن چشم بن حاشد همدانی شاکری .
قبیله شاکری از یاران سخت و دوستداران فداکار خاندان رسالت بودند ، بویژه نسبت به امیرالمؤمنین (ع) جان نثار هستند و در جنگ صفین دلیرانه جنگیدند و تمام افراد قبیله قهرمان و شجاع و مردانه میباشند و به (فتیان الصباح) معروفند در کوفه با مسلم بن عقیل بیعت کردند و در کربلا شهید راه مقدس حسین (ع) گشتند .

عابس در شمار دلیران و زاهدان و پارسایان و خطیبان و از شهیدان کربلا است و کسی بوده که در میدان مبارزه از آن پس مبارزی در برابر خود ندیده زره از تن و خود در سر برآورد و بدون لباس جنگ کارزار کرد .

ربیع بن تعیم گوید . من با عابس آشنائی داشتم گفتم ، ای عابس سر برهنه و تن بی زره خود را در دریای هیجان افکنده ای از غرقاب هلاک نمی اندیشی ؟ عابس گفت جوابی که مضمونش این بود .

چو من در بحر هجرانم ز خونریزی مترسانم

کس کاهش ز سر بگذشت از باران چه غم دارد

عابس از شدت و کثرت زخمهای سنگ و نیزه از اسب بر زمین افتاد ، و دشمن به او از هر سو حمله کرد و او را کشتند و سر از تن جدا نمودند و چند نفر از سپاه کوفه نزاع بر آوردند و هر یک مدعی بود که او عابس را کشته است عمر بن سعد گفت بیهوده منازعت مکنید عابس آن کسی نیست که یک نفر او را بکشد او به حمله همه سپاه

ناسخ التواریخ ۳۰۳/۲ . روضا لشهداء
۳۰۶/ . جامع الرزاة ۴۲۵/۱ . سفينة
البحار ۱۴۷/۲ . ابن الاثير ۷۳/۴
ابصار العين ۷۴/ . جلاء العيون ۲/
۱۹۱۰ . جمهرة خطب العرب ۲/۳۷ .
تنقيح المقال ۱۱۲/۲ . البدايعة و
النهاية ۸/۱۸۵ . راهنمای دانشوران ۲
۸/ . مستدرک الوسائل ۳/۸۱۴ . تحفة
الاحباب ۱۵۶/ .

عامر بن مسلم

- ۸۲ -

عامر بن مسلم بن حسان بن شريح بن سعد بن حارثة سعدی بصری .
از چهره های درخشان مکتب تشیع است در بصره بلند همت و
عالی فطرت و ایمانی کامل داشت جدش (حسان) از یاران علی (ع)
بود ، و در صفین شهید شده و هنگامیکه عامر خبر قیام حسین (ع) را
شنید همراه غلامش سالم و یزید بن شبيب عبدی به طرف مکه رفتند ،
و در منزلگاه (ابطح) به امام (ع) پیوستند و ملازم رکاب گشتند تا به
درجه شهادت نائل گردیدند .

ابن حزم در جمهرة نسب او را چنین ضبط کرده (عامر بن مسلم
ابن قیس بن مسلمة بن طریف بن ابان بن سلمة بن جارية بن فهم بن
بکر به عبله بن انمار بن مبشر بن عميرة بن اسد بن ربیعة قتل مع

الحسين رضى الله عنه) .

ليكن شيخ طوسى مينويسد (عامر بن حسان بن شريح بن سعد
بن حارثة بن لام بن عمر و بن طريف بن عمر و بن ثمامة بن ذهل
بن جدعان بن سعد الطائى) قتل مع الحسين (ع) بكرىلاء و والده
حسان المقتول بصفين مع امير المؤمنين (ع) .

فهرست الطوسى / ۱۸۲ . ناسخ التواريخ

۲۸۲/۲ . جامع الرواة ۲/ ۴۲۸ -

تنقيح المقال ۲/ ۱۱۷ . المناقب ۴/

۱۱۳ . جمهرة انساب العرب / ۲۹۳ .

ابصار العين / ۱۱۱ .

عائذ بن مجمع

- ۸۳ -

عائذ بن مجمع بن عبدالله عائذى .

به شجاعت و انسانيت معروف بوده ، و همراه پدرش مجمع بكرىلاء
آمد و در حمله اولى شهيد گشت .

ابصار العين / ۸۶ . منتهى الآمال

۲۵۶/۱ .

عباد بن مهاجر

- ۸۴ -

عباد بن مهاجر بن ابى مهاجر جهنى .

- ۸۹ -

یکی دیگر از دلیران عرب با ایمان و شیفتگان خاندان طهارت (ع) است از اقامتگاه خویش (میاه جهینه) نزدیکی شهر مدینه همراه گروهی حرکت کرد تا به حسین (ع) ملحق شوند، و هنگامیکه به منزلگاه (زباله) رسیدند همه متفرق شدند و عباد تنها ماند و به امام (ع) پیوست و توفیق شهادت را یافت.

تنقیح المقال ۱۲۳/۲ ابصارالعین

۰۱۱۵/

عباس بن جعدہ

- ۸۵ -

عباس بن جعدہ جدلی .

پاکدامن و دلیر و با شہامت بوده و از چہرہ‌های درخشان شیعه در کوفہ بہواخواہی حسین (ع) بر خواست و بہ کمک مسلم شتافت و از مردم جہت اوبیعت گرفت و ابن زیاد از آن پس کہ مسلم را کشت او را دستگیر کرد و زندانی نمود، و قبل از ورود امام (ع) بہ کربلا گردن او را قطع کرد .

تنقیح المقال ۱۲۵/۲ راہنمای

دانشوران ۱۲۷/۱ .

عباس بن علی

- ۸۶ -

عباس بن امام علی بن ابی طالب (ع)

- ۹۰ -

مامش فاطمه (ام البنین) دخت حزام بن خالد بن ربیعۃ ابن وحید
عامری کلابی .

ابوالفضل . ابوالقریۃ . سقا . قمر بنی هاشم . به صدق و اخلاص و
راستی و شجاعت و بسالت موصوف است و با احساسات حق پرستانه معروف
و از حمایت گری از حق به هیچ وجه کوتاهی نکرد و با آنکه شمار از
سوی پسر زیاد برای عباس و برادران خود از مادرش عبدالله . جعفر .
عثمان . نامه امان آورده بود نه تنها آن را نپذیرفت بلکه او را پیش
خود راه نداد ، و از خود او را براند ، از فرط اخلاص که به حسین (ع)
داشت شمر و امان نامه اش را لعنت کرد ، و شاید خط امان آنقدر خاطرش
را ملول و افسرده کرده باشد که آن سخن را بر زبان آورده است .

عباس گذشته از فضایل نفسانی شجاعتی بسزا داشت و پرچم قلب
سپاه حسین (ع) با او بود ، و میخواست هر قدر شجاعت و نیرو دارد
در راه مقصد امام (ع) مبذول و ایثار کند ، لیکن تشنگی زنان و کودکان
در اندیشه اش تصرف کرد و در صدد بر آمد هر قدر شجاعت دارد در
آن راه صرف کند شاید تشنه گمان را سیراب نماید .

احساساتی که حق پرستان راست همه از یک سرچشمه آب میخورد
و مظاهر آن فرق دارد ، و هرگاه احساسات ابوالفضل برای کودکان بی
گناه و زنانیکه مسئول جنگ مردان نیستند بجنبش آید و بخواهد آن
تشنه گمان را سیراب نماید حقا " از بهترین مظاهر حق پرستی اوست
تو گوئی عباس میخواست پیش از آنکه در راه مقصد حسین (ع) کشته
گردد کاریکه فریضه ذمه خود میسرمد انجام داده باشد .

از دیده هاشد آب روان چون بعزم آب
شد جانب فرات روان نقد بوتراپ

عباس ماه اوج بنی هاشم آن که بود
از شرم ماه طلعت او ماه در حجاب

از لشکر نفاق ببارید بر تنش

زانگونه تیر و تیغ که گلستان سحاب

عباس براه میدان شتافت و صفوف لشکریان را بدرید، و حراس
و پاسبانان فرات را بهراکند و شریعه را جهت انجام مقصدش از مزاحمین
خالی کرد و آب را نگریست که روی هم موج میزند و با آنکه سخت
تشنه بود آب نخورد و مشک را پر از آب کرد و براه افتاد
کف کافیش پر بنمود از آب

که سازد لعل خشک از آب سیراب

بیاد تشنگان و ادی غم

فراش در نظر شد بحری از سم

بخود میگفت باشد از ادب دور

که من سیراب و شه از آب مهجور

درا ینوقت لشکریان از هر سوی گردش فرو گرفتند، و به نبرد و تیر
اندازی آغاز کردند جنگ بالا گرفت و عباس تنها با دشمن میجنگید و
بر تعداد دشمن افزوده میشد که دستهایش را ببریدند، و مشک را سوراخ
نمودند.

تف خورشید و تف عشق و عطش

هر سه طاقت برده از آن ماه وش

میزداز عشق برادر ریگتنه

خویش را از میسره بر میمنه

بد سرشتی ناگهان از تن جدا

کرد دست زاده دست خدا

کافری دیگر در آمد از قفا

کرد دست دیگرش از تن جدا

گفت گر شد منقطع دست تنم

دست جان در دامن و صلش زنم

میکنم در خون شنایی دست من

بر خلاف هر شناور در زمیـن

حکیم بن طفیل طائی پشت درختی کمین بسته بود جلو آمد و

عمودی از آهن بر تارکش فرو کوفت که از اسب بر زمین افتاد و از پای

در آمد و با برادر سلام وداع کرد و گفت. یا ابا ادرک اخاک - برادر

بیا برادرت را دریاب... حسین (ع) بتعجیل آمد بالای سر عباس وقتی

رسید دید چه برادری فرق شکافته دستها بریده امام (ع) صیحه کشید

و گفت اکنون کرم شکست و چاره ام کم گردید.

شه لب تشنه چو اندر بر سقا آمد

دید جانش بلب اندر لب دریا آمد

دید بیدستی او کرد چنان آه و فغان

که مشوش بجنان نخلهء طوبی آمد

تنگ بگرفت قد سرو علمدارش را

که تزلزل بطف عرصهء عبیری آمد

کرد از قامت او شور قیامت برپا

کاندراند شت بلا محشر کبری آمد

دید چون روی منیرش شده از خون گلگون

روز اندر نظرش چون شب یلدا آمد

مغز سر کوفته و دست جدا از بدنش

وا ابا گفت دلش سیر ز دنیا آمد

گفت ای جان برادر کرم بین شده خم

چه جراحت که باین قامت رعنا آمد

روکنم بی تو چه سان جانب آن خیلزنان

خواهت بهر اسیرش مهیا آمد

در پیرامون شخصیت ابوالفضل کتابهای زیادی تألیف شده است و از

دلاوری او در مقاتل و مآخذ تاریخ داستانها ذکر و تفصیلا بیان گردیده .

جامع الرواة ۱ / ۴۳۳ . سفینة البحار ۲

۱۵۵ / مستدرک الوسائل ۳ / ۸۱۵ .

تحفة الاحباب / ۱۶۳ . کنون احساسات

۱۶۲ / تنقیح المقال ۲ / ۱۲۸ . عمدة

الطالب / ۳۵۶ . جمهرة انساب العرب

۶۷ / مروج الذهب ۳ / ۷۱ . ابصار ۲۵ /

ابو مخنف / ۵۹ . وقایع الاءام ۲ /

۴۹ . روضة الشهداء / ۳۳۳ . مقاتل

الطالبین / ۵۵ . اعلام الوری ۲۴۸ /

ابن الاءثیر ۴ / ۵۴ و ۵۶ و ۵۷ و ۶۱ و

۷۴ . المناقب ۴ / ۱۰۸ . نظمدرالسطین

۲۱۸ / ذخائرالعقبی / ۱۱۷ . حبیب

السیر ۲ / ۵۲۴۹ . مقتل خوارزمی ۲ / ۲۹ .

عباس بن علی

- ۸۷ -

عباس (اصغر) بن امام علی بن ابی طالب (ع) .

بنا بگفته بعضی از مؤرخین امیرالمؤمنین (ع) دو تن از اولاد خویش

را عباس نام نهاده یکی عباس اکبر و دیگری عباس اصغر . و نام اکبر

و اصغر میان فرزندان خاندان پیامبر (ص) متداول و متعارف بوده است مانند، زینب کبری، و زینب صفری، و ام کلثوم کبری، و ام کلثوم صفری، عباس اصغر شب عاشورا جهت طلب آب سعادت شهادت یافت و عباس اکبر روز عاشورا.

وقایع الاءایام / ۴۸۵.

عبد الاءالی

- ۸۸ -

عبد الاءالی بن یزید کلیبی کوفی .

قهرمانی فداکار و دلیر با اخلاص بود در کوفه میزیست و به خاندان پیغمبر اعظم (ص) عشق می ورزید، و از قراء خوب شیعه بشمار میرفت او مردم را به سوی حسین (ع) میخواند و با مسلم بیعت کرد سپس دستگیر و زندانی شد، و قبل از آمدن امام (ع) به کربلا به دستور عبیدالله بن زیاد در زندان کشته شد .

تنقیح المقال ۱۳۳/۲ . جامع الرواة

۴۳۷/۱ . ابصار العین / ۱۰۸ -

مستدرک ۸۱۵/۳ .

عبدالرحمن خزرجی

- ۸۹ -

عبدالرحمان بن عبد رب انصاری خزرجی .
در شمار اصحاب رسول الله (ص) است و از موالیان و شیعه علی

- ۹۵ -

بن ابی طالب (ع) و امام قرآن را به او تعلیم داده و در مکتب پرورش یافته.

علی (ع) در (رحبه) میان گروهی حاضر بود بلند شد و فرمود. ای مردم چه کسی در غدیر خم شنیده است خطبه رسول الله (ص) و آنچه را بیان فرمود، هر کس شنیده بلند شود از جایش چند نفر بلند شدند مانند.

ابو ایوب انصاری.

ابو عمره بن عمرو و بن محض.

ابو زینب.

سهل بن حنیف.

خزیمه بن ثابت.

عبدالله بن ثابت.

حبشی بن جناده.

عبید بن عازب.

نعمان بن عجلان.

ثابت بن ودیعه انصاری.

ابو فضاله.

عبدالرحمن بن عبد رب انصاری.

و گفتند. شنیدیم رسول الله (ص) میگفت خدا ولی من است و من ولی مؤمنین. هر کس را من مولایم علی او راست مولا خداوند دوست بدار دوستدار او را و دشمن بدار دشمن او را.

عبدالرحمن در مکه میزیست و همراه حسین (ع) کربلا آمد و در حمله اولی شهید گشت.

الغدیر (۱/۴۹) اسد الغابة ۳/۳۰۷.

تاریخ آل محمد / ۰۶۷ / ابصار العین / ۰۹۳ .
اصابه ۰۴۰۸ / ۲ . تنقیح المقال ۰۱۴۵ / ۲ .

عبدالرحمن

- ۹۵ -

عبدالرحمن بن عبدالله بن کدن بن ارحب بن دعام بن مالک بن معاویة بن صعّب بن رومان بن بکیر ارحبی کوفی .
سلحشور بی‌همتا و دلاور کم نظیر و تابعی رزمکار از شیعهٔ امیر المؤمنین (ع) است و در جرات و فصاحت بی‌مانند، و در کمال کار دانی بوده و یکی از چهار مردانی است که از کوفه به مکه ... رفتند جهت ملاقات با حسین (ع) و بیش از پنجاه و هفت نامه از اهالی کوفه با خود داشتند و دوازده روز از ماه رمضان سپری شده بود که به مکه رسیدند .

امام (ع) عبدالرحمن را همراه مسلم بن عقیل به کوفه فرستاد و پس از درگیری مسلم ، عبدالرحمن از کوفه فراری شد و به حسین (ع) پیوست و در کربلا شهید گشت .

ارحبی منسوبست به ارحب بن دعام بن مالک از قبیلۂ همدان و ارحب مرد وسیع الصدر را گویند .

مقتل خوارزمی ۰۱۷ / ۲ . ناسخ التواریخ

۰۲۸۲ / ۲ . روضة الشهداء / ۰۲۹۹ -

ابصار / ۰۷۷ . جامع الرواة / ۰۴۵۲ / ۱

تنقیح المقال / ۰۱۴۵ / ۲ . ابن شهر

آشوب / ۰۱۵۲ / ۴ . منتهی الآمال / ۱

۰۲۵۴ . مستدرک الوسائل / ۰۸۱۷ / ۳

عبدالرحمن عروة

- ۹۱ -

عبدالرحمن بن عروة بن حراق غفاری کوفی .
این شهید دلیر از بزرگان و اشراف کوفه است و آنجا با عزت و
احترام تمام جا گرفته و به خاندان طهارت علاقمند و دوست بوده و
پدر بزرگ او (حراق) از اصحاب علی (ع) باشد و در سه جنگ با او
بوده .

روی عشق و اخلاص عبدالرحمن همراه برادرش عبدالله روز دهم
محرم به کربلا آمدند تا بر امام (ع) سلام کنند، و بر غربت او اشک
ریختند از او حمایت نمایند لذا دلیرانه خدمت امام (ع) رفتند و گریه
کنان سلام گفتند . حسین (ع) آنها را با مهربانی پذیرفت و دلداری
و نوازش فرمود و گفت چرا . گریه میکنید؟ امیدوارم با گذشت یکساعت
آسوده خاطر و خرسند و شاداب باشید . پاسخ دادند خدا ما را فدای
شما گرداند ، ما برای خویشتن اشک نمی ریزیم لیکن گریهء ما جهت
غربت و بی کسی و تنهائی تو است و ما بجز یکجان نداریم که در راه
تو ایثار کنیم . حسین (ع) فرمود . خداوند بشما جزای خیر عنایت
فرماید . سپس اذن گرفتند و به نبرد پرداختند و از فداکارترین یاران
بودند ، و هر یکدیگر سبقت میگرفتند و هر یک با هزار تن می جنگید
تا آنکه توفیق شهادت نصیبشان گشت .

عبدالرحمن رجز میخواند و ترجمه اش چنین بود .

چون من اندر عرب جوان نبود

در عرب چه که در جهان نبود

چون بدستان حرب آرم روی

رستم زال را امان نبود

جان فدای حسین خواهم کرد

که جزا و راحت روان نبود
مقتل خوارزمی ۲/۲۲ . جلاء العیون
۱۹۱/۲ . ناسخ التواریخ ۲/۳۰۵
روضه ۲۹۹/ . جامع الرواة ۱/۴۵۲
تنقیح المقال ۲/۱۴۶ . ابن الاثیر
۷۲/۴ . البداية والنهاية ۸/۱۸۴

عبدالرحمن بن عقیل

- ۹۲ -

عبدالرحمن بن عقیل بن ابی طالب (ع) .

مادرش ام ولد . در دامان طهارت و عصمت تربیت یافته و از
پستان امامت سیراب گشته است و برادر مسلم به عقیل میباشد ، روز
عاشورا در میدان کارزار عثمان بن خالد بن اسید جهنی و بشیر ابن
حوط قایضی او را شهید کردند .

ناسخ التواریخ ۲/۳۱۹ . روضة ۳۱۴/۳
ابن الاثیر ۴/۷۵ . تذکرة الخواص
۲۵۵/ . البداية والنهاية ۸/۱۸۵
ابصار العین ۵۱/ . حبیب السیر
۵۳/۲ . جلاء العیون ۲/۱۹۴ . مقاتل
الطالبیین ۶۱/ . تنقیح المقال ۲/
۱۴۶ . جمهرة انساب العرب ۶۹/
نظم در ر ۲۱۸/ . المناقب ۴/۱۰۵
مقتل خوارزمی ۲/۲۶ .

- ۹۹ -

عبدالرحمن تیمی

- ۹۳ -

عبدالرحمن بن مسعود بن حجاج تیمی .

در فتوت و جوانمردی و رشادت و تشیع و موالات محل ممتازی داشت و در اثر کردانی و شہامت و عقیده همراه پدرش روز ہفتم محرم بہ کربلا آمد، و صبح عاشورا بدرجہ شہادت نائل گردید .

تنقیح المقال ۲ / ۱۴۸ . منتهی الامال

۱ / ۲۵۵ . ابصار العین / ۱۱۲ .

عبدالله بن ابی سفیان

- ۹۴ -

عبدالله بن ابی سفیان بن حارث بن عبدالمطلب بن ہاشم ہاشمی .

مادرش نسمة دختر ہمام بن ارقم اسدی .

از صحابہ پیامبر اقدس (ص) است و بعد از وفات رسول اللہ

(ص) بہ علی بن ابی طالب (ع) گروید و همراه او بہ جنگها رفت و

سپس بہ حسین (ع) پیوست و شہید شد .

عبدالله در مجلس معاویہ سخنرانیها و مباحثات بسیاری دارد کہ

مؤرخین نقل کرده اند .

اصابہ ۲ / ۳۲۰ . مجالس المؤمنین

۱ / ۲۰۰ .

عبدالله بن بشر

- ۹۵ -

عبدالله بن بشر بن ربیعة بن عمر و بن منارة بن قمیر بن عامر
ابن راعسة بن مالک بن واهب بن جلیحه بن کلب بن ربیعه بن عفرس
ابن خلف بن اقبل بن انمار انماری خثعمی کوفی .
خود و پدرش از مشاهیر شجاعان بوده و از پیروان و هواخواهان
علی (ع) و با سپاه کوفه کربلا آمد سپس جدا شده، و به امام حسین
(ع) پیوست و در نخستین حمله شهید شد .

تنقیح المقال ۲/ ۱۷۰ . جامع الرواة

۱/ ۴۷۲ . ابصار العین / ۱۰۱ . منتهی

۱/ ۲۵۶ .

عبدالله بن حسن

- ۹۶ -

عبدالله - اکبر - بن امام حسن بن علی بن ابی طالب (ع) .
از جناب قاسم کوچکتر بود و در آن دمیکه حسین (ع) از کار جنگ
خسته و فرسوده بود و قدرت حرکت و جنبش نداشت و دشمن گردش
را گرفته بودند، عبدالله از نزد زنان که در یک خیمه جمع بودند
برخواست و با شتاب بطرف حسین (ع) برفت . زینب بیرون دوید تا او
را از رفتن باز دارد و حسین (ع) فوراً " دانست که آن طفل بمیدان
شتافتن گرفته است به زینب فرمود: مگذار بمیدان بیاید لکن عبدالله
نپذیرفت و گفت: بخدا قسم از عمویم جدا نمی گردم . و با شتاب زدگی

- ۱۰۱ -

خود را به حسین (ع) رسانید .

ابحر بن کعب اسدی آن هنگام شمشیری بر حسین (ع) فرود آورد که عبدالله بانگ برداشت که ای ناکس میخواهی عمویم را بکشی ابحر شمشیری بر عبدالله زد، و عبدالله دست خود را سپر کرد و شمشیر دستش را برید و به پوست آویخته شد .

ناله و گریه کودک بلند شد حسین (ع) او را بسینه و آغوش گرفت و نوازش و دلجوئی کرد، و بصر و شکیبائی او را امر نمود و وعده رسیدنش را به پدران صالحینش باو داد .

در آن حالیکه عبدالله در بغل عمویش حسین (ع) بود حرمله بن کاهل تیری بر او بزد و او را سر برید و شهید کرد .

این نمونه بود از فداکاری جوانان غیور و با حس بنی‌هاشم که یکی پس از دیگری بارخسار شگفته و پیشانی باز به قربانگاه می‌شتافتند و خدا و پیغمبر را از خود خوشنود میساختند .

جمهرة انساب العرب / ۳۹ . مروج

الذهب / ۳ / ۷۱ . ابصار العین / ۳۸ .

حبیب السیر / ۲ / ۵۳ . تاریخ ابن کثیر

۱ / ۱۸۹ . کانون احساسات / ۱۶۰ .

مقاتل الطالبیین / ۵۸ .

منتهی الامال / ۱ / ۲۸۵ . وقایع الایام

۵۵۵ / جلاء العیون / ۲ / ۲۰۷ . نسخ

التواریخ / ۲ / ۳۲۳ . روضة الشهداء

۳۱۶ / جامع الرواة / ۱ / ۴۸۱ .

تذکرة الخواص / ۲۱۵ . نظم در / ۲۱۸ .

عبدالله بن حسن

- ۹۷ -

عبدالله - اصغر - بن امام حسن بن امام علی بن ابی طالب
علیهم السلام .

مادرش دختر امری القیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن
علیم کلبی . در رکاب حسین (ع) ملازمت داشته و شهید گشت و به
روایت سبط ابن جوزی او را عبدالله بن عقبه غنوی گشت .

تذکرۃ الخواص / ۲۵۴ . ناسخ التواریخ

۳۲۳/۲

عبدالله بن عروۃ

- ۹۸ -

عبدالله بن عروۃ بن حراق غفاری کوفی .

در ترجمه برادرش عبدالرحمن بن عروه گفته شد که به کربلا

آمدند و شهید گشتند .

ابصار العین / ۱۰۴ . ناسخ / ۲۸۲ .

جامع الرواه / ۱ / ۴۹۷ . البدایة و

النهاية / ۸ / ۱۸۴ . تنقیح المقال / ۲ / ۱۹۸

المناقب / ۴ / ۱۱۳ . ابن اللأثیر / ۴ / ۷۲ .

منتهی الامال / ۱ / ۲۶۵ .

عبدالله بن عقيل

- ۹۹ -

عبدالله - اكبر - بن عقيل بن ابى طالب .

مادرش ام ولد .

ارباب مقاتل گویند : در كربلا به مبارزه برخواست و او راعثمان

ابن خالد بن اشيم جهنی شهيد کرد .

مؤلف - تنقيح المقال - گوید : عقيل را سه پسر بود به نام

عبدالله اكبر . عبدالله اصغر . عبدالله اوسط . عبدالله اكبر و اوسط در

كربلا شهيد شدند ، و عبدالله اصغر بماند و از اصحاب امام سجاد (ع)

است و در مدینه مورد احترام و تجليل بوده .

جامع الرواة ۱ / ۳۹۷ . تذكرة الخواص

۲۵۵ / تاريخ ابن كثير ۸ / ۱۸۹ . مروج

الذهب ۳ / ۷۱ . المعارف ۸۸ / جلاء

العيون ۲ / ۱۹۴ . ناسخ التواريخ

۲ / ۳۱۹ . مقاتل الطالبين ۶۱ /

تنقيح المقال ۲ / ۱۹۹ . المناقب

۴ / ۱۰۶ . جمهرة انساب العرب ۶۹ /

عبدالله بن عقيل

- ۱۰۰ -

عبدالله - اصغر - بن عقيل بن ابى طالب .

مامش ام ولد ، در كربلا شهيد گشته و ملازم ركاب حسين (ع) بوده .

ناسخ التواريخ ۲ / ۳۱۹ .

- ۱۰۴ -

عبدالله بن علی

- ۱۰۱ -

عبدالله بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
برادر ابوالفضل و مامش - فاطمه - ام البنین دختر حزام بن
خالد بن ربیعہ کلابی . عمرش بهنگام شهادت بیست و پنج سال بوده
و متا‌هل نشده روز عاشورا ابا الفضل به او گفت پیش برو به نبرد تا
اینکه تو را به‌بینم چگونه در راه حسین (ع) جانت را ایثار میکنی .
۴۵

عبدالله بمیدان رفت و جنگید تا اینکه هانی بن ثبیت حضرمی
باو حمله کرد و با شمشیر سرش را قطع نمود .

گویند: عبدالله روز عاشورا با دیده‌ گریان و سینه‌ بریان پیش
حسین (ع) آمد و زبان حالش میگفت:

ای غمت تخم شاد مانیها وصل تو اصل کامرانیها
میروم کوههای غم بردل میبرم از درت گرانیها
ای برادر طاقتم از فراق برادران طاق شده و تنم در میدان هجران
پایمال خیل فراق گشته شرف اجازت ارزانی دار .

جلاء العیون ۲ / ۱۹۸ . المجالس السنیة

۱ / ۱۱۲ . ناسخ التواریخ ۲ / ۳۳۷ .

روضة الشهداء / ۳۳۲ . جامع الرواة

۱ / ۴۹۸ . اعلام الوری / ۲۴۸ . ابن

الاءثیر ۴ / ۷۶ . مروج الذهب ۳ / ۷۱ .

ابصار العین / ۳۴ . ینابیع المودة / ۳۲۱

مقاتل الطالبیین / ۵۳ . تنقیح المقال

۱۹۹/۲ . المناقب ۴/۱۰۷ . نظم در

السمطين ۲۱۸ . تحفة الاحباب

۱۹۰/

عبدالله بن عمير

- ۱۰۲ -

ابو وهب عبدالله بن عمير بن عباس بن قيس بن عليم بن حباب
كلبي عليمي .

به جوانمردی و شجاعت و دلیری معروف است و عاشق و دلباخته
جنگ و نبرد با مشرکین و کفار بوده، و اقدام او به نصرت و یاری و
کمک به حسین (ع) نهایت جوانمردی و ایمان او را میرساند، در کوفه
مزیست و در - بئر الجعد - خانه مسکونی او بوده و خودو همسرش
فقط در آنجا سکونت میکردند .

روزی عبدالله ایستاده تماشا میکرد، دید مردم گروه گروه و دسته
دسته به جنگ حسین (ع) آماده میشوند، با خودش گفت من بر کشتن
کفار و جهاد با مشرکین کمر بسته و حریص و مشتاق بوده‌ام، و گمان
دارم جنگ و جهاد با این سپاه اهریمنی که جهت کشتن فرزند دختر
پیامبرشان (ص) میروند در پیشگاه خدا کمتر از جهاد با مشرکین نباشد .
بی‌درنگ وارد خانه شد و به همسرش خاطرات خویش را گفت عیال
پاسخ داد - راه و فکر مستقیم و صوابی را پیموده‌ای خداوند کارهای
تو را اصلاح کند، و به آرزوهای شیرین برساندت و بتو جزای خیر عنایت
بفرماید، قصد رفتن بکن و مرا با خود باش - و با اینگونه عبارات
ترغیب و تشویق کرد .

ابو وهب شبانه همراه همسرش از کوفه خارج شد، و شب هشتم از محرم کربلا رسید و به اصحاب پیوست و زوجه اش به مخدرات و هاشمیات همراه گشت.

روز عاشورا اجازه نبرد خواست و وارد رزمگاه شد و همسرش نیز عمودی از آهن بدست گرفت و پشت سر او براه افتاد، و به او میگفت: ابو وهب پدر و مادرم فدایت گردد جهاد و نبرد کن از جهت نیکان و ذریه محمد (ص) عبدالله خواست او را به خیمه برگرداند نتوانست و مقدورش نگشت و به میدان روانه شد حسین (ع) فرمود: برگرد به خیمه ای کنیز خدا... او برگشت و عبدالله بدرجه شهادت رسید. گویند: اول کسی که بمیدان از اصحاب آمد عبدالله بود. وهانی بن ثبیت حضرمی، و بکیر بن حی تیمی او را شهید کردند.

مؤلف - ابصار العین - داستان شهادت عیال وهب بن عبدالله را نسبت داده به عیال عبدالله بن عمیر و این اشتباه است و خواهد آمد که شمر به غلامش رستم گفت عیال وهب را با عمود آهنی بزن رستم او را زد و شهید گردید. از این جهت وهب را در عداد شهداء بیان نکرده است.

ابصار العین / ۱۰۶. ناسخ التواریخ

۲ / ۳۱۴. روضه الشهداء / ۲۸۷.

تنقیح المقال ۲ / ۲۰۱. المناقب

۴ / ۱۱۳. اعلام الوری ۲۴۳.

عبدالله بن مسلم بن عقیل بن ابی طالب .

مامش - رقیه دختر امام امیرالمؤمنین (ع) چهارده ساله همراه حسین (ع) آمد کربلا و وارد میدان گشت و مجروح گردید و از شدت زخم تیر و شمشیر در قربانگاه ایستاده و نفس راحتی تازه میکرد ، و دست بر پیشانی گذاشته بود که از سوی عمر و بن صبیح تیری رها شد و به دست و پیشانی او فرو رفت و شهید گشت ، بعضیها معتقدند که قاتل او نوفل بن مزاحم بوده .

عبدالله اول کسی بود که از اهل بیت امام (ع) به مبارزات آمد . و بعضی گویند : پس از شهادت علی اکبر بشهادت رسید . و بهر صورت میدان آمد و رجز میخواند به این مضمون :

امروز ببینم پدر سوخته جان را

پیش شه مظلوم کشم روح و روانرا

یا دولت جاوید باغوش درآرم

در روضه فردوس عروسان جنانرا

زان پیش که با شیربخلوت بنشتم

با خاک برابرکنم این جمع سگانرا

تحفة الاحباب / ۱۹۶ . روضه الشهداء

۳۱۲ . ابو مخنف / ۷۲ . جامع الرواة

۵۱۰ / ۱ . تذکرة الخواص / ۲۵۵ .

البدایة والنهاية ۸ / ۱۸۵ . حبیب السیر

۵۳ / ۲ . جلاء العیون ۲ / ۱۹۳ . ناسخ

التواریخ ۲/ ۳۱۶. ینابیع الموده
/ ۳۴۳. اعلام الوری / ۲۴۶. ابن
الاثیر ۴/ ۷۴. مروج الذهب ۳/ ۷۱.
ابصار العین / ۵۰. المعارف / ۸۸.
تنقیح المقال ۲/ ۲۱۷. مقاتل الطالبیین
/ ۶۲. المناقب ۴/ ۱۰۵. نظم در
السمطین / ۲۱۸.

عبدالله یتیم

— ۱۰۴ —

عبدالله یتیم بن شیخ اسدی .
جوانی بود در لشکر امام (ع) که پدرش در کوفه کشته شده بود
و مادرش با او به کربلا آمده تا حسین (ع) را نصرت دهد ، و روز عاشورا
مادرش خطاب کرد که ای پسرک من بیرون شو و پیش روی امام (ع)
قتال کن . آن جوان بتحریک مادر آهنگ میدان و مبارزه نمود امام (ع)
او را دید فرمود : این جوان پدر کشته شاید شهادتش بر مادرش مکروه
باشد ، جوان عرض نمود پدر و مادرم فدای تو باد مادرم مرا بقتال
امر کرده جوان بمیدان رفت و رجز خواند و نبرد را آغاز نمود ، لشکر
به او یورش کرد و سر او را از تن جدا ساخت و به لشکر حسین (ع)
افکند ، مادر پسر سر فرزندش را گرفت و بر سینه چسباند و گفت :
احسنت ... احسنت ... ای پسر من ... ای شادمانی دل من ...

ای روشنی چشم من ... بعد آن سر را با تمام غضب و قهر بسوی دشمن افکند و یک نفر از منافقین بکشت و عمودی از خیمه بر دست گرفت و بر دشمن تاخت .

دو تن از لشکر کوفه بکشت و امام (ع) فرمود: او را از میدان برگردانند و دعا در حق او فرمود .

المجالس السنیه ۱/ ۱۰۰ . ناسخ

التواریخ ۲/ ۳۰۰ . منتهی الامال

۰۲۶۸/۱

عبدالله بن یزید

- ۱۰۵ -

عبدالله بن یزید بن شیط قیسی .

از یاران حسین (ع) و در راه زنده نمودن اسلام و قرآن و حمایت از خاندان عصمت همراه پدرش یزید و برادرش عبید الله شهید گشتند ، و گویند: که مردان با ایمان و ثبات و نیرومند و قوی هیكل بوده اند .

ناسخ التواریخ ۲/ ۲۸۲ . تنقیح المقال

۲/ ۲۲۴ . المناقب ۴/ ۱۱۳ . ابصار

العین / ۱۱۰ .

عبدالله بن یقظر

- ۱۰۶ -

عبدالله بن یقظر

قاصد و نامه رسان امام (ع) بود میان مدینه و عراق . ماه ذیحجه

- ۱۱۰ -

به کوفه رسید، و نامه‌ای از حسین (ع) با خود داشت تا به شیعیان امام (ع) برساند، وقتی رسید که عبیدالله بن زیاد شهر کوفه و اطراف آنرا زیر نظر داشت و ماء‌موران‌ش تمام حوادث و جریان را گزارش می‌کردند از جمله ورود عبدالله بن بقطر را به کوفه و دستگیرش. عبدالله پس از دستگیری تنها کاری که کرد نامه را بلعید تا مبادا نام‌های اشخاصی که در آن ذکر شده‌اند شناخته شوند و بزحمت‌افتند. ابن زیاد فرمان داد او را از بالای بام قصر بزیرانداختند و استخوان‌هایش درهم شکست و عمر ازدی و یا عبدالملک بن عمیر لخمی سرش را برید. مادر عبدالله پرستار و دایهٔ حسین (ع) بوده و از او شیرنوشیده فقط پرستاریش را به عهده گرفته است زیرا امام (ع) بجز از مادرش فاطمه کبری (ع) شیر کسی را نخورده.

- مستدرک الوسائل ۳/ ۸۲۴. تحفۃ الاحباب ۲۰۰/ ۵۱۸. جامع الرواة ۱/ ۵۱۸. البداية والنهاية ۸/ ۱۸۹. راهنمای دانشوران ۳/ ۳۸۰. تنقیح المقال ۲/ ۲۲۴. المجالس السنیة ۱/ ۷۱. ابصار العین ۵۲/ ۵۲.

عبیدالله بن حارث

- ۱۰۷ -

عبیدالله بن حارث بن نوفل همدانی کوفی. در عداد صحابهٔ پیامبر اکرم (ص) است و در صفین ملازم رکاب امیر المومنین (ع) و در کوفه میزیست و با مسلم بیعت کرد و مردم را

بسوی حسین (ع) تشویق و ترغیب مینمود، و برای آنها مناقب و احادیث خاندان عصمت (ع) را میخواند تا اینکه مردم در اثر تطمیع عبیدالله بن زیاد پراکنده شدند و مسلم کشته شد کثیر این شهاب او را دستگیر ساخت و به ابن زیاد تسلیم کرد، و زندانی گشت و قبل از رسیدن حسین (ع) به عراق او را از زندان بیرون آوردند و گردنش را قطع نمودند. تا مبادا حسین (ع) به عراق برسد، و هواداران او در زندانها آشوب برآه اندازند و قیام کنند، لذا اکثر زندانیان را گردن زدند.

تنقیح المقال ۲/ ۲۳۸. ۱. ص ۲/ ۴۳۶.

عبیدالله بن عبدالله

— ۱۰۸ —

عبیدالله بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب.
مادرش خوصاء دختر حفصه بن ثقیف از قبیله بکر بن وائل.
در دامان تقوی و شرافت و فضیلت و ایمان پرورش یافته و همراه خویشاوندانش جهت حمایت از حسین (ع) کربلا آمد و شهید گشت به دست بشر بن حویطر قانصی.

عبدالله پدر عبیدالله بسال هشتاد از هجرت وفات کرده و در مدینه میزیست و چون نابینا شده بود نتوانست کربلا بیاید، ولی دوپسر خود را بنام — عبیدالله و عون — کربلا فرستاد و هر دو شهید شدند.
عبدالله در حجاز شخصیت فوق العاده و برجسته ای بوده و بقدری بخشش و احسان و بذل و عطا داشت که به قطب السماء مشهور گشت و به حسین (ع) عاشق و دلباخته بوده مؤرخین گویند: خبر شهادت عبیدالله و عون به عبدالله رسید غلام عبدالله گفت — فایده و سود

ما از حسین این بود ...؟ عبدالله چنان ناراحت و متاثر و خشمناک شد که کفش خود را گرفت و به غلام زد و گفت: ای بدکار زاده به حسین چنین میگوئی ...؟ به خدا سوگند اگر بینا بودم ملازم رکابش بودم تا کشته شوم، و خدا را شکر و سپاس گذارم که دو پسرم در راه حسین (ع) شهید شدند، و چون خودم نتوانستم از او حمایت کنم پسرانم او را حمایت کردند.

مقاتل الطالبیین / ۶۱. ناسخ التواریخ

۳۲۲/۲. ابن الاثیر ۴/۳۷. عمدة

الطالب / ۳۷. المناقب ۴/۱۰۶.

مستدرک ۳/۸۱۹. تحفه الاحباب

۱۷۵/ وقعة صفین / ۳۷۳ و ۵۰۷ و

۵۳۰. اصابة ۲/۲۸۹. ابن عساکر

۳۲۵/۷. الاعلام ۴/۲۰۴. اسد

الغابة ۳/۱۳۳. الطبقات الكبرى

۱۲۴/۵ و ۱۴۵.

عبدالله بن علی

- ۱۰۹ -

عبدالله بن امام علی بن ابی طالب (ع).

مادرش لیلی دخت مسعود بن خالد بن مالک بن ربیع بن سلمی

بن جندل بن نهشل بن دارم بن حنظله.

در کربلا شهید گشت و او برادر مادری ابوبکر بن امام علی (ع)

میباشد و حالات او صفحه ۲۰ گذشت.

- ۱۱۳ -

کفایة الطالب / ۴۴۶ . جمهرة انساب
العرب / ۲۳۵ . تنقیح المقال ۲ / ۲۴۵ .
سفینه البحار ۲ / ۲۳۲ . المعارف / ۹۲ .

عبدالله بن یزید

- ۱۱۵ -

عبدالله بن یزید بن شیط قیسی .
همراه پدرش یزید و برادرش عبدالله به کربلا آمده و نبرد کرده
و شربت شهادت نوشیده است .

تنقیح المقال ۲ / ۲۴۲ . ابصار العین
/ ۱۱۵ . المناقب ۴ / ۱۱۳ .

عتیق بن علی

- ۱۱۲ -

عتیق بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
عبد الحی بن عماد حنبلی او را در شمار شهدای کربلا قید کرده
است به این عبارت - فسار بجمیع اهله حتی بلغ کربلا موضعا بقرب
الکوفه فعرض له عبیدالله بن زیاد فقتلوه و قتلوا معه ولديه علیا الاکبر
و عبدالله و اخوته جعفر و محمدا و عتیقا و العباس الاکبر و ابن اخیه
قاسم بن الحسن - و چنین نامی در کتب تراجم وجود ندارد لیکن چون
قید کرده بود ذکر شد .

شذرات الذهب ۱ / ۶۶ .

- ۱۱۴ -

عثمان بن علی

- ۱۱۲ -

ابوعمر عثمان بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
مادرش - فاطمه - ام البنین دخت حزام بن خالد کلبی برادر
ابا الفضل .

از خاندان ولایت و امامت و دلیران بیت شہامت و عصمت است
بیست و یک سال عمر داشت با دشمن محاربه نمود ، و خولی بن یزید
تیری باو فرستاد که او را بر زمین افکند و دیگری از افراد قبیلہ ابان
بن دارم به او تاخت و سرش را برید .

عثمان نبرد مردانه کرد ، و دست مبارزان را بشوکت مردانگی فرو
بست و رجز میخواند به این مضمون :

آمده عثمان بجنگ تیغ یمان در یمین
خورده بقتل شما پیش برادر یمین
شامی مدبر چرا کشد تیغ بر حسین
نیست دلش رامگر دیده انصاف بین
صبح شہادت دمید وقت صبح منست

مست شدم دمیدم از قدح حور عین
وقتی که متولد شد علی (ع) فرمود : نام او را بنام برادر خود ..
عثمان بن مظعون نهند ، و عثمان از اجلاء صحابہ کبار و از خواص
پیامبر اعظم (ص) بود و پیغمبر او را بسیار دوست میداشت و خیلی
جلیل و عابد و زاهد بود ، و اول کسی است که در (بقیع) دفن شد و
بسال دوم از ہجرت در گذشت .

المجالس ۱/۱۱۲ . ناسخ التواریخ

۳۳۸/۲. ینابیع المودة / ۳۲۱ روضة
الشهداء / ۳۳۵. تذكرة الخواص / ۲۵۴.
اعلام الوری / ۲۴۸. ابن الاثیر / ۷۶/۴
مروج الذهب / ۷۱/۳. ابصار العین
/ ۳۴. جلاء العیون / ۱۹۷/۲. مقاتل
الطالبین / ۵۵. تنقیح المقال
/ ۲۴۷/۲. منتهی الامال / ۱ / ۲۷۷.
المناقب / ۱۰۷/۴. البداية و النهایة
/ ۱۸۹/۸. نظم در السمطین / ۲۱۸.
تاریخ الخمیس / ۲ / ۲۹۸. كشف الغمة
/ ۴۴۵/۱.

عقبه بن صلت

- ۱۱۳ -

عقبه بن صلت جهنی .

از صحابه است و از پیغمبر (ص) روایت دارد ، و در مدینه میزیست
و هنگام خروج حسین (ع) به عراق به او پیوست و ملازم امام بود تا
شهید گشت .

تنقیح المقال / ۲ / ۲۵۴. ابصار العین

/ ۱۱۵. الحدائق الوردیة / ۳۱۲.

عقیل بن عقیل

- ۱۱۴ -

عقیل بن عقیل بن ابی طالب بن عبدالمطلب .
جمال الدین زرنندی حنفی متوفی بسال ۷۵۰ هجری عقیل بن عقیل
را در شمار شهدای کربلا قید کرده است و گوید: و قتل من ولد عقیل
خمسة: مسلم . عقیل . جعفر . عبدالله بن مسلم ، و اخوه محمد . بعد
مینویسد: - کان مسلم بن عقیل قد قتل قبل ذلك فی الکوفة و فیهم
يقول سرافة الباهلی:

عین فابکی بعبرة و عویل و اندهی ان ندبت آل الرسول
سبعة منهم لصلب علی قد ابیدوا و خمسة لعقیلی
و پروی و سبعة لعقیلی .

نظم در السمطین / ۲۱۸ .

علی بن حر

- ۱۱۵ -

علی بن حر بن یزید ریاحی .
با جدا شدن حر بن یزید از سپاه منافقین پسرش علی نیز دور
گشت و به امام (ع) پیوست و چون نزدیک حسین (ع) رسید از مرکب
پیاده شده زمین ادب ببوسید ، امام (ع) فرمود: که ای جوان تو کیستی ؟
گفت من پسر حر و من نیز آمده ام تا جانم را برای تو نثار کنم ، حسین
(ع) ویرا دعا نمود و اجازهء نبرد یافت و به این مضمون رجز میخواند
و وارد کارزار شد:

- ۱۱۶ -

ریاحی نژادم نه من بندهام
بسی دشمنان را سرافکنندهام
من از والد خویش شرمندهام
چو او کشته شد من چرا زندهام
سپاه گرد او حلقه زدند و او را شهید کردند.

حبیب السیر ۲/ ۵۲. ناسخ التواریخ

۲/ ۲۶۱. روضة الشهداء / ۲۸۱

علی بن الحسین

- ۱۱۶ -

علی (اکبر) بن امام حسین بن علی بن ابی طالب (ع) .
مادرش لیلی دختر ابی مرثه بن عروة بن مسعود ثقفی . بزرگسال
ترین فرزندان حسین (ع) بوده ، و در بارهٔ عمر او گفتارهای پراکنده
ایست و آنکه به صواب نزدیکتر است که سن شریفش بیست و پنج سال
بوده و او نخستین شهید از اهل بیت است .

علی اکبر در شباهت با پیغمبر (ص) طاق بود ، و در کمالات صوری
و معنوی شهره آفاق و به اندازه‌ای حساس و با حرارت و حق پرست
و دلباختهٔ حسین (ع) بود که از تمام بنی‌هاشم سریعتر جنبید و زودتر
به مرگ شتافت و در راه پایداری و مرام بلند پدرجان بازی کرد .

علی اکبر ... جوانی است که در چهرهٔ و اندام و در گفتار و
خلق از هر کس به رسول خدا (ص) شبیه‌تر بود ، و این فضیلت تنها
برای جلالت قدر او کافی است از اینرو بود که آرزوهای بنی‌هاشم در
او تمرکز پیدا کرد ، و هر وقت مشتاق دیدار جمال پیغمبر شدند بوی

مینگریستند، و هر وقت قرآن میخواند تو گوئی از لب و دهان پیغمبر
(ص) قرآن می شنوند.

این است که می بینیم حسین (ع) نیز با چشم دیگری غیر از چشم
پدرانه باو مینگریست چندانکه در دل و دیده اش بزرگ مینمود و از
سخنانیکه بتفاریق اظهار نمود حقیقت میتوان دریافت زیرا همینکه علی
اکبر فراسوی میدان جنگ رفتن گرفت چشمان حسین (ع) اشک باریدن
گرفت و به طرف آسمان نگریست و گفت: (بار الهی بر این قوم گواه
باش که کسی بمبارزت و جنگشان رفت که مانده ترین مردم به پیغمبر
(ص) بود، و ما هر وقت که اشتیاق دیدار پیغمبر (ص) را داشتیم باو
نظر میکردیم). و از فرط سوزش دل بر لشکریان نفرین کرد، و هم بر
عمر بن سعد بانگ زد که خدا ریشه خویشاوندی تو را از ما قطع کند،
همچنانکه رشته خویشاوندی را بریدی، و این کار که بر گردن گرفتی
بر تو مبارک مباد و خدا مسلط کند بر تو کسی را که در فراشت پس از
من تو را بکشد آنگاه این آیه را خواند (ان الله اصطفی آدم و نوحا
و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین. ذریة بعضها من بعض والله
سمیع علیم) (۱).

سپس به علی اکبر نگاه ما یوسانه کرد و بگریست و محاسن خود
را بجانب آسمان گرفت و گفت: ای پروردگار من گواه باش بر این قوم
هنگامیکه بمبارزت ایشان میرود جوانی که شبیهترین مردم است درخوی
و خلقت و گفتار به پیغمبر تو و ما هر وقت به دیدار تو مشتاق شدیم
نظر بصورت این جوان میکردیم ...

خداوندا بازدار از ایشان برکات زمین را و ایشان را متفرق و

پراکنده ساز و در طرق گوناگون بیفکن ایشانرا و والیان را از ایشان هرگز
راضی مگردان چه این جماعت ما را خواندند نصرت دهند چون اجابت
کردیم اظهار ستیزگی و دشمنی نمودند، و شمشیر بر روی ما کشیدند.
علی اکبر بسوی قربانگاه پیش میرفت و به لشکر میتاخت صدای
ضجه و شیون از صفوف دشمن برخواست.

این کیست سواره که بلای دل و دینست

صد خانه برانداخته در خانه زینست

ماهیست درخشنده چو برپشت سمندست

سرویست خرامنده چو برروی زمینست

اسب را در عرصه میدان بجولان درآورده میگفت این رجز راکه

ترجمه آن بر این منوالست:

منم علی حسین علی که خسرو مهر

فراز تخت فلک کمترین غلام منست

من از نژاد شهبام که قدر او میگفت

که خطبه شرف سرمدی بنام منست

عنان زمره که خصم بر نخواهم تافت

چرا که توسن تند سپهر رام منست

او بجنگید لیکن گرمی آفتاب و سختی تشنگی و کثرت جراحت و

زخمهای شمشیر و تیر در او کارگر شد، بسوی پدر آمد و آب خواست

حسین (ع) سیلاب اشک از دیده بارید، و فرمود: واگو شاه ای پسر به

عرصه جنگ روانه شو که بس زود است ملاقات کنی جدت را محمد (ص)

و سیراب کند ترا بشربتی که تشنه نگردی هرگز.

علی بمیدان برگشت و خویشان را میان دشمن افکند و از چپ

و راست همی کشت در این هنگام مرتة بن منقذ عbedی کمین گرفت و

شمشیری بر فرق او زد که فرقتش شکافت و از کارزار افتاد. و بنا به نوشته ابوالفرج اصفهانی اموی... بدنش را از دم شمشیرها پاره پاره کردند... با پدر سلام وداع گفت... حسین (ع) بر بالین علی اکبر آمد و صورت بر صورت او نهاد و اشک از چشمایش جاری شد و فرمود:

علی الدنيا بعدک العفا.

آنوقت زینب کبری و لیلی و خواهران بیرون آمدند و با شتاب بسوی نعش علی اکبر میشتافتند، و ندبه بر او میکردند، تا بر سر نعش رسیدند و بر روی نعش افتادند و امام (ع) ایستاده میگریست. سپس خواهر و دیگران را از روی جسد بلند نمود و به خیمه باز گردانید.

هجران علی است مشکل من

من خون خدایم او دل من

چون سوخت تمام حاصل من

جز درد نروید از گل من

من باغ غمم گیاهم اینست

تا گشته علی زدیـده ام دور

رفته است دگر ز چشم من نور

من پیر شدم ز داغت ای پور

شد موی سرم برنگ کافور

پایان شب سیا هم اینست

المناقب ۴/ ۱۰۹. اعلام الوری/ ۲۴۶.

ینابیع الودعة/ ۳۴۶. روضة الشهداء.

۳۳۶. کانون احساسات/ ۱۵۴.

مقاتل الطالبیین/ ۵۲. اللهوف

۱۱۲/ وقایع الایام/ ۴۴۰. جمهرة

انساب العرب / ۵۲. ابصار العین / ۲۱.
 فاطمه بنت الحسین / (خ) جامع الرواة
 ۱ / ۵۷۲. تحفة الاحباب / ۲۲۵.
 تنقیح المقال ۲ / ۲۸۵. عمدة الطالب
 ۱۹۲ / مطالب السؤل / ۳۰. تذكرة
 الخواص / ۲۵۴. الفصول المهمة / ۱۹۷
 جلاء العیون ۲ / ۱۹۹. تاریخ یعقوبی
 ۲ / ۲۴۶. مقتل خوارزمی ۲ / ۳۰.
 ذخائر العقبی ۱ / ۱۵۱. مروج الذهب
 ۳ / ۷۱. زندگانی امام حسین (ع)
 / ۳۷۱. ابن الاثیر ۴ / ۶۱ و ۷۴ و
 ۷۵ و ۹۲ و ۲۴۱ و ۵۲۷ و ۵۸۲.

علی بن الحسین

- ۱۱۷ -

علی (اصغر - عبدالله) بن امام حسین بن علی بن ابی طالب .
 مامش رباب دختر امری القیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب
 بن علیم بن خباب کندی .
 مؤرخین گویند : هنگامیکه حسین (ع) میان انبوه دشمن تنها ماند
 ناگهان صدایش بلند شد ، و مردم را بیاری خود خواند و این صدا
 چنان ولوله در زنان افکند که نزدیک بود نظم و ترتیب عاٹله را بر هم
 زند این بود که حسین (ع) بطرف خیام رهسپار گردید و ایشان را آرام
 نمود و به صبر و شکیبائی امر فرمود .

- ۱۲۲ -

حسین (ع) با لهجه‌ای که شهامت از آن تراوش میکرد بنصیحت زنان و خواهران پرداخت و آنها را بیاد خانوادگی پیغمبر (ص) وانتساب به امیرالمؤمنین (ع) انداخت و روح عزم و شهامت و شکیب و قرار و تحمل بر شدائد را در ایشان دمید. اینست که می‌بینیم بر اثر همان سخنان چنان در برابر حوادث و طوفان غم طاقت فرسا صبر و شکیبائی کردند که راستی دنیا را برای همیشه متحیر و شگفت ساختند.

حسین (ع) بزودی توانست از پریشیدگی افکار و بیقراری قلب‌زنان جلوگیری کند، و ایشان را قرار بخشد و الحق این کار خود یکی از معجزات است و همینکه خواست بطرف میدان شتافتن گیرد به زینب فرمود: کودک شیرخوارم را بیاور تا برای آخرین بار او را ببینم... زینب شیر خوار را در میان دست حسین (ع) گذارد. عواطف پدرانۀ تحریک شد و بجنبش درآمد بخصوص وقتی دید شیر خوار از تشنگی و بی‌شیری بخود می‌پیچد، خواست بوسه‌ای از رخسار او برگیرد که حرملۀ بن کاهل اسدی... آن درنده خوی سیه دل تیری رها کرد و گلوی شیر خوار را بدرید.

حسین (ع) شیرخوار را به زینب باز داد، و گفت: هر چه پیش آید بر من آسان است چه خداوند همه را می‌بیند و امام (ع) کفهای خود را زیر خون گلوی علی‌اصغر گرفت همینکه پر شد به جانب آسمان افکند، راوی گوید: بخدا قسم یک قطره از خون بر زمین برنگشت. این طلحه شافعی گوید: حسین (ع) شیر خوار را بخونش آلوده کرد و با شمشیر قبری کند و بر آن مذبح نماز خواند و او را بخاک سپرد.

چو اصغر شیر خوار نشانه تیر شد

مادر گیتی زغم بماتمش پیر شد

شیر فلک بندهٔ همت آن بچه شیر
 که آب تیرش بکام نکوتر از شیر شد
 چونکه زقوس قضا سهم قدر شدرها
 حلق محیط رضا مرکز تقدیر شد
 تا که زخار خدنگ گل گلویش درید
 بلبل بیدل ازین غصه زجان سیر شد
 تا زسموم بلاغنجهٔ سیراب سوخت
 لاله بدل داغدار سر و زمین گیر شد
 ناوک بیداد خصم داد چه داد ستم
 خون زسرا پرده چون سیل سرازیر شد
 یوسف کنعان عشق طعمهٔ پیکان عشق
 قسمت یعقوب پیر نالهٔ شبگیر شد
 سلسلهٔ قد سیان حلقهٔ ماتم زدند
 عقل مجرد زغم بستهٔ زنجیر شد
 دیدهٔ گردون بر آن غنچهٔ خندان گریست
 مادر بیچاره اش هزار چندان گریست
 ناله برآورد کای شاخهٔ ریحان من
 وی گل نورستهٔ گلشن دامان من
 ای بسر دوش من زینت آغوش من
 مکن فراموش من جان تو و جان من
 دیده زمن بسته‌ای با که تو پیوسته‌ای
 یاد نمی‌آوری هیچ زیستان من
 از چه چنین خسته‌ای و زچه زبان بسته‌ای
 شور و نوائی کن ای بلبل خوشخواران من

غنچه لب بازکن برگ سخن ساز کن
 ای لب‌ودندان تو لولوء و مرجان من
 تیر ز شیرت گرفت و زمن پیرت گرفت
 تا چه کند داغ تو بادل بریان من
 مادر بیچاره‌ات کنار گهوار ات
 منتظر ناله‌ات ای گل خندان من
 غنچه سیراب را آتش پیکان بسوخت
 رفت بباد فنا خاک گلستان من
 حرمله کرد از جفا تو را ز مادر جدا
 نکرد اندیشه از حال پریشان من
 گل گلوی ترا طاقت ناوک نبود
 لایق آن تیر سخت‌گلوی نازک‌نبود

اللهوف / ۱۱۷. ابن‌الاءثیر ۴ / ۷۵.
 ابصار‌العین / ۲۴. تاریخ ابن‌کثیر
 ۸ / ۱۸۶. اعلام‌الوری / ۲۴۷. کانون
 احساسات / ۱۶۸. روضة‌الشهداء
 / ۳۴۲. فاطمه بنت‌الحسین (ع).
 منتهی‌الامال / ۱ / ۲۸۱. جامع‌الرواة
 / ۱ / ۴۸۱.

علی بن مظاهر

- ۱۱۸ -

علی بن مظاهر اسدی.

- ۱۲۵ -

بنا به روایت ابو مخنف پس از شهادت برادرش حبیب بر لشکر
تاخت و هفتاد تن از منافقین بکشت سپاه از هر سو به او حمله کرده
بدیگر شهداء پیوست .

ابومخنف / ۷۰ . ناسخ التواریخ .

۲ / ۳۱۰ .

عمار دالانی

- ۱۱۹ -

عمار بن ابی سلمة بن عبدالله بن عمران بن راعس بن دالان
دالانی همدانی .

از شیعیان امیرالمؤمنین (ع) است و بعضی گفته‌اند که او رسول
الله (ص) را درک کرده و روایت میکند ، و در حمله اولی شهید شد .
ابو سلامه عمار هنگام رفتن به جنگ (جمل) از علی (ع) پرسید
اگر شما به دشمن رسیدید چه اقداماتی بعمل خواهید آورد .

امیرالمؤمنین (ع) پاسخ داد :

آنها را به اطاعت خدا دعوت خواهم کرد ، اگر قبول نکردند آنوقت
خواهم جنگید . . . عمار گفت : پس شما پیروز خواهید شد ، زیرا کسی به
دعوت خدا و اطاعت او غالب نخواهد شد .

ناسخ التواریخ ۲ / ۲۸۲ . جامع الرواة

۱ / ۶۱۱ . تنقیح المقال ۲ / ۳۱۷ .

المناقب ۴ / ۱۱۳ . ابصار العین / ۷۹ .

عمار بن حسان

- ۱۲۰ -

عمار بن حسان بن شریح بن سعد بن حارثه بن لام بن عمر و ابن ظریف بن عمر و بن ثمامه بن ذهل بن جذعان بن سعد بن طی طائی .

رزمنده و از شیعیان است و در مکه میزیست و در ولایت ودوستی و اخلاص و جان نثاری صادق و با وفا بوده و از ورود امام (ع) به مکه ملازم رکاب شد، تا در کربلا شهید گشت . . . و پدرش حسان از یاران علی (ع) بوده و در جنگ (صفین) و (جمل) شرکت داشته . بروایتی عمار در نخستین حمله شهید شد .

ناسخ التواریخ ۲/۲۸۲ . جامع الرواه

۶۱۱/۱ . تنقیح المقال ۲/۳۱۷ .

المناقب ۴/۱۱۳ . منتهی الامال

۲۵۵/۱ . ابصار ۱۱۳ .

عمار بن صلخب

- ۱۲۱ -

عمار بن صلخب از دی کوفی .

بزرگ مردی بود از قهرمانان شیعه در تیراندازی و نبرد مهارت بسزائی داشت و با مسلم بن عقیل بیعت کرد، و سپس عبیدالله بن زیاد او را دستگیر کرد و به زندان تحویل داد و پس از گذشت چند

- ۱۲۲ -

روز فرمان کشتن او را صادر نمود و گردنش را قطع کردند .
مؤلف (راهنمای دانشوران) گوید . نام پدر عماره را صلخب
نوشته‌اند و چنین بنظر میرسد که (صلخد) با دال بی‌نقطه باشد به
معنی دلیر . نیرومند . و نیز تیری که در هدف فرو رود .

تنقیح المقال ۳۲۳/۲ . راهنمای

دانشوران ۸۳/۲ . ابصار العین

۱۱۰/

عمر بن علی

- ۱۲۲ -

عمر بن امام علی ابی طالب (ع) .

مامش صهباء دختر حبیب بن عباد بن ربیعہ بن یحیی بن عبد
بن علقمة یمامی .

با رقیه دختر امیر المؤمنین (ع) دوقلو بوده ، و آخرین اولاد
علی (ع) است و پس از عمرو رقیه امام (ع) را اولادی نیست او همراه
مادرش و خواهرش و عبدالله ، و محمد فرزندان مسلم بن عقیل به
کربلا آمد ، و بعد از نماز ظهر پمیدان رفت و شهید گشت .

اریاب مقاتل او را از شهداء نوشته‌اند ، لیکن مؤلفین انساب
معتقدند که عمر از مدینه خارج نشد ، با دعوت حسین (ع) او را به
جهاد و در مدینه ماند و نخستین کسیکه با عبدالله بن زبیر و حجاج
بیعت نمود عمر است و در سن ۷۵ یا ۷۷ سالگی از دنیا برفت ، و
هنگامیکه خبر شهادت حسین (ع) در مدینه شهرت یافت عمر آمد به
صحن خانه‌اش و نزدیک خانه نشست ، و مردم نزد او جهت تسلیت

- ۱۲۸ -

می آمدند و او میگفت. جوان خردمند منم که به کربلا نرفتم و اگر رفته بودم کشته می شدم .

بهر صورت میان مؤرخین و انساب اختلاف و گفتگوهائی وجود دارد ، و مؤرخین معتقدند که علی ابن ابی طالب (ع) دوپسر بنام عمر داشته یکی مشهور به عمر اطرف که در مدینه بماند ، و دیگری در رکاب برادرش حسین (ع) کربلا آمده است ، و اجازه نبرد خواسته و از سر آمدان کربلا است بدلیل اشعار و رجز که خوانده و چنین بوده .

خلوا عداة الله خلوا عن عمر

خلو عن الليث العبوس المكفر

يضر بكم بسيفه و لا يفر

وليس فيه كالجبال المنحجر

و در این ابیات تصریح بنام خویش (عمر) نموده ، و ابن شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ هـ تصریح بشهادت او کرده است .

عمدة الطالب / ۶۴ . تنقيح المقال

۳۴۵ / ۲ . المناقب / ۴ / ۱۰۷ . جمهرة

انساب العرب / ۶۶ . جلاء العيون

۱۹۷ / ۲ . ناسخ التواريخ / ۲ / ۳۳۳ .

روضة الشهداء / ۳۳۰ . تحفة الاحباب

۰۲۵۱ /

عمر و بن جنادة

- ۱۲۳ -

عمر و بن جنادة بن ابی کعب بن حارث انصاری خزرجی مکی .

- ۱۲۹ -

همراه پدرش جناده که از قهرمانان شیعه است به کربلا آمد و در نخستین حمله شهید شد .

گویند که حسین (ع) فرمود این جوان پدرش در مبارزه به شهادت رسیده ، و شاید مادرش دوست نداشته باشد شهادت او را عمرو برگشت گفت . مادرم فرمان مبارزه داده و او راضی است .

ناسخ التواریخ ۲/۳۱۴. روضة الشهداء

۳۱۵/ جامع الرواة ۱/۶۱۹. تنقیح

المقال ۲/۲۳۴. ابصار العین ۱/۹۴ .

جلاء العیون ۲/۱۹۱. مستدرک الوسائل

۳/۸۳۰ .

عمر و بن جندب

- ۱۲۴ -

عمر و بن جندب بن حضرمی کومی .

از رزمندگان با ایمان شیعه است و لحظه‌ای از ملازمت آنها عقب نیافتاد ، و با امیرالمؤمنین (ع) در جنگ جمل شرکت داشت و نیز در نبرد (صفین) شجاعانه مبارزه نمود ، و در کوفه میزیست و هنگامیکه زیاد بن ابیه والی معاویه در کوفه حجرابن عدی و یاران‌ش را دستگیر کرد و به شام فرستاد عمرو متواری گشت و اثر و نشانه‌ای از او نبود ، تا آنکه زیاد بن ابیه درگذشت او به کوفه آمد ، و در مجلس شیعیان شرکت نمود ، و با رسیدن خبر وفات معاویه به کوفه فعالیت مذهبی و دینی او بسیار شد و به مسلم بن عقیل بیعت کرد و همراه او قیام نمود .

با شهادت مسلم عمرو از کوفه خارج شد و به سوی مکه رفت و در وسط

- ۱۳۰ -

راه به امام حسین (ع) پیوست و به کربلا آمد و پیشقدم شد جهت مبارزه و به درجهٔ شهادت مفتخر گردید .

تنقیح المقال ۲/ ۳۲۷. ناسخ التواریخ

۳۱۵/۲ عمر بن جندب قید شده

اشتباه است .

عمرو بن خالد

- ۱۲۵ -

ابو خالد عمرو بن خالد بن حکیم بن حزام اسدی صیداوی کوفی . در کوفه میزینست و در شمار اشراف و اعیان و موالین بوده ، و به خاندان عصمت عشق می ورزیده در جنگها فداکاری از خود نشان داده و در دلاوری و جنگاوری سرآمد کوفه است ، و همراه مسلم قیام نمود و از او حمایت کرد ، و پس از شهادت مسلم پنهان گشت و با خبر قیام حسین (ع) همراه قیس بن مسهر از کوفه خارج شد و به سوی مکه برفت و در توقفگاه (حاجر) به امام (ع) رسید و به کربلا آمد .

عمرو مردانه قدم به رزمگاه گذشت و بدین گونه رجز میخواند .

ای نفس عزیز ترک جان کن

ترتیب بهشت جاودان کن

از بهر شهود عرض اکبر

خود را به شهادت امتحان کن

وز شعله تیغ آسمان وش

اطراف زمین چو ارغوان کن

در معرکه همچو شیر مردان

سر پیشکش خدایگان کن

- ۱۳۱ -

بعد از نبرد بسیاری شهید گشت و سپس پسرش خالد بن عمرو وارد
رزمگاه شد .

روضة الشهداء / ۲۹۴ . مقتل خوارزمی

۱۴ / ۲ . ابن الاثیر ۴ / ۷۴ . ابصار

العین / ۶۶ . جلاء العیون ۲ / ۱۸۳ .

ناسخ التواریخ ۲ / ۲۷۳ و ۲۹۸ .

تنقیح المقال ۲ / ۳۳۵ . المناقب

۴ / ۱۵۱ . اللهوف / ۱۵۹ .

عمرو بن ضبیعة

- ۱۲۶ -

عمرو بن ضبیعة بن قیس بن ثعلبة ضبعی تمیمی .

از دلاوران کوفه که نزد تمام طبقات عظیم الشان بوده ، و فن و هنر
جنگ را بخوبی میدانسته و مهارت داشته است و در اکثر جنگها و نبردها
شرکت جسته و نام قهرمانی او بر سر زبانها بوده لذا عمر بن سعد او را
در ردیف اول سپاه خویش قرار داد و به کربلا آورد .

عمرو . . . چند روزی که در کربلا بود اوضاع را بدقت مطالعه و بررسی
مینمود ، تا اینکه برخورد با فشار عبیدالله بن زیاد و جلوگیری سخت او
از برگشتن امام حسین (ع) آنگاه نور ایمان و بیداری در دلش چرقه زد و
به حسین بن علی (ع) گرائید ، و از سپاه دشمن بیرون شد و فراسوی حسین
(ع) رفت و او را یاری نمود تا شهید شد .

وضبیعة پدر چندین تیره از عرب است و در نسبت ضبعی آمده .

- ابصار العين / ۱۱۳ . جامع الرواة
 ۱ / ۶۲۴ . ناسخ التواریخ ۲ / ۲۸۲ .
 راهنمای دانشوران ۲ / ۹۳ . تنقیح
 المقال ۲ / ۳۳۲ . المناقب ۴ / ۱۱۳ .
 منتهی الآمال ۱ / ۲۵۴ .

عمرو بن عبدالله

- ۱۲۷ -

عمرو بن عبدالله جند عی همدانی .

در شمار شیعیان و پیرامون علی (ع) است قبل از آغاز جنگ کربلا آمد ، و به حسین (ع) پیوست و روز عاشورا بجنگید و از کثرت زخمها از پا در آمد و میان کشتهگان افتاد و طاقت جنگ را نداشت بنی عماد پیش از آنکه کشته شود ، او را از میدان به بیرون بردند و جراحاتش را پانسمان کردند ، اما پیش از آنکه از بستر برخیزد از دنیا برفت .
 مؤلف (تنقیح المقال) گوید . یکسال تمام بستری شد ، و درگذشت .
 و مصنف (ناسخ التواریخ) او را در شمار شهیدان حمله اولی ذکر کرده است .

و جند عی منسوبست به جندع بن مالک بن ذی یارق پدر تیره ای از قبیله همدانست .

- ابصار العين / ۸۱ . ناسخ التواریخ
 ۲ / ۲۸۲ . روضة الشهداء / ۱۶۸ .
 المناقب ۴ / ۱۱۳ . منتهی الآمال
 ۱ / ۲۵۴ .

- ۱۳۳ -

عمرو بن قرظة بن كعب بن عمرو بن عائذ بن زيد ثعلبة ابن كعب بن خزرج انصاری خزرجی .

خود و پدرش از موالیان علی (ع) بوده و از جایگاه خویش به سوی کربلا حرکت کرد ، و روز ششم محرم رسید و حسین (ع) او را جهت پیغامی به عمر بن سعد فرستاد پیرامون مطالبی که شبانه صورت گرفت پیش از آمدن شهر ... به کربلا روز نهم .

عمرو دلیرانه مبارزه کرد و جانش را نثار حسین (ع) نمود . پدرش (قرظة) از صحابه است و در صفین با علی (ع) بود و امیر المؤمنین (ع) پرچم انصار را باو داد ، و از قهرمانان و شجاعان است و بسال ۵۱ هـ در گذشت .

- المجالس السنیة ۱/ ۹۹ . ناسخ
 التواریخ ۲/ ۲۹۵ . المناقب ۴/ ۱۰۵
 اللهوف ۱۰۷/ . جمهرة انساب العرب
 ۳۶۵/ . جلاء العیون ۲/ ۱۸۸ . وقعة
 صفین ۱۱/ . راهنمای دانشوران
 ۲۷۸/ ۲ . تنقیح المقال ۲/ ۳۳۶ .
 مستدرک الوسائل ۳/ ۸۳۷ . تحفة
 الاحباب ۲۹۷/ ۱ . اصابة ۳/ ۲۳۱ .
 تهذیب التهذیب ۸/ ۳۶۸ .

عمرو بن مطاع

- ۱۲۹ -

عمرو بن مطاع جعفی کوفی .

مؤمن و با تقوی است و بعد از شهادت مالک بن انس کاهلی به مبارزه در آمد و رجز خواند و شهید گردید و به هر طرف که می تاخت اثری از آدمی نمی ماند ، تا به عزت شهادت فایز گشت . ابو مخنف نام او را عمیر بن مطاع نوشته و استشهاد کرده و به رجز او که گوید .

انا عمیر و ابی المطاع و فی یمینی صارم قطاع

ابو مخنف / ۷۱ . مقتل خوارزمی

۱۸ / ۲ . المناقب ۴ / ۱۰۲ . جلاء العیون

۱۹۰ / ۲ . روضة الشهداء / ۳۰۰ .

ناسخ التواریخ ۲ / ۳۰۰ .

عمیر بن عبدالله

- ۱۳۰ -

عمیر بن عبدالله مذحجی .

به ایمان و دلیری و حقیقت آراسته بود ، و از دوستان خاندان رسالت و ملازم رکاب حسین (ع) گردید ، و نبرد نمود و بدست مسلم ضبابی و عبدالله بجلی کشته شد .

جلاء العیون ۲ / ۱۸۴ . ناسخ التواریخ

۲۷۵ / ۲ . المناقب ۴ / ۱۰۱ . منتهی

الآمال ۱ / ۲۶۰ .

- ۱۳۵ -

عون بن جعفر

- ۱۳۱ -

عون بن جعفر ابی طالب بن عبداللطلب بن هاشم ابن عبد مناف .
از یاران و اصحاب امیرالمؤمنین (ع) همراه حسین (ع) از مدینه با
پدرش محمد - اصغر - کربلا آمدند ، و مادرش بانو اسماء دختر عمیس
شعمیه است . و همسر عون ، زینب صغری - ام کلثوم - فرزند علی (ع)
ست . روز عاشورا مبارزانه و دلیرانه جهاد کرد و در سن پنجاه و شش یا
نجاه و هفت سالگی به درجه شهادت رسید به دست عبدالله بن قطنه
اعلی نیهانی .

هر زمان یار دگر بار سفر می بندد

در شادی به دل غمزده در می بندد

المعارف / ۸۹ . جامع الرواة / ۱ / ۶۴۸ .

عمدة الطالب / ۳۶ . تنقیح المقال

۲ / ۳۵۵ . جمهرة انساب العرب / ۳۸

و ۶۸ . ابحار العین / ۳۹ .

عون بن عبدالله

- ۱۳۲ -

عون بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب (ع) .

مامش زینب خاتون دخت امیرالمؤمنین (ع) .

همراه مادر و برادش اسماعیل با امام حسین (ع) کربلا آمد ، و بعد

شهادت برادرش محمد میدان رفت و از قرآن و شریعت محمد (ص) حمایت

- ۱۳۶ -

نمود حسین (ع) او را پیش طلبید در کنار گرفت و وداع فرموده دستوری داد، و عون بمعرکه در آمد رجزی میخواند به این مضمون .

بر خاسته از ره گمانها	مائیم بقوت عیانها
بر دست نهاده نقد جانها	در معرض رغبت شهادت
در دیده ^۱ اهرمن سنانها	چون اختر تبع زن کشیده
ما طایفه نیستیم از آنها	ای قبله طراز دین تازی
ور زبر و زبر شود جهانها	کز خدمت او ملول گردیم
وصل تو باصل خان و مانها	یا بفرشیم حاش لله

عبدالله بن قطنه تیهانی با ضربت شمشیر او را شهید کرد، و سرش را از بدن جدا نمود .

لذا مؤرخین نوشته‌اند که عبدالله بن جعفر در مدینه فخر و مباحات میکرد با کشته شدن چهار پسرش اسماعیل . عبدالله . عون . محمد . در کربلا زیرا او نابینا بود و نتوانست کربلا آید .

زینب خاتون در فراق و شهادت فرزند دلبنده خویش بنالید و حسین (ع) او را تسلی داده خاموش گردانید .

روضة الشهداء / ۳۱۵ . جامع الرواة

۱ / ۶۴۸ . تذکرة الخواص / ۲۵۴ .

البدایة والنهاية ۸ / ۱۸۹ . جلاء

العیون ۲ / ۱۹۵ . ناسخ التواریخ

۲ / ۳۲۲ . ینابیع المودة / ۳۴۳ .

اعلام الوری / ۲۴۷ . ابن الاثیر ۴ / ۷۴ .

مروج الذهب ۳ / ۷۱ . ابصار العین

۳۹ / حبیب السیر ۲ / ۵۳ . مقاتل

الطالبین / ۶۰ . تنقیح المقال ۲ / ۳۵۵

ابن شهر آشوب ۴/ ۱۰۶ ابو مخنف
/ ۷۳ . تاریخ الخمیس ۲/ ۲۹۸ .
نظم در السمطين / ۲۱۸ . عمدة
الطالب / ۳۶ .

عون بن عقيل

- ۱۳۳ -

عون بن عقيل بن ابی طالب .
بعضی از مؤرخین در مقاتل نام او را برده‌اند ، و اینکه جهت نصرت
امام حسین (ع) کربلا آمد و شهید گشت .

ناسخ التواریخ ۲/ ۳۲۰ . تذکرة الخواص
/ ۲۵۵ . نظم در السمطين / ۲۱۸ .

عون بن علی

- ۱۳۴ -

عون بن امام علی بن ابی طالب .
مادرش (اسماء) دختر عمیس خثعمی .
نخستین جوانی است که سبقت گرفت بر سایر برادرانش در نبرد ،
هنگامیکه دید یاران و اصحاب حسین (ع) همگی آغشته بخون و کشته شده
اند او بسیار خوب صورت زیبا سیرت صافی نیت پاکیزه طویت بود ، لذا
با دلی پر از ایمان و فتوت اجازه مبارزه طلبید امام (ع) فرمود . ای برادر
لشکر دشمن بسیار است و مخالف ما از سواره و پیاده بیشمار عون پاسخ داد .

- ۱۳۸ -

که یا ابن رسول الله (ص) شیر از هجوم روباه اندیشه نیست .
بکوشم درین حرب مردانه وار

چه اندیشه از لشکر بشمار

دل و دست و باز و بسکار آور

جهان بر عدوتنگ و تار آورم

این بگفت و به میدان وارد ، و بر قلب دشمن تاخت سپاه کوفه از چهار سو
به او تاختند و محاصره نمودند ، خالد بن طلحه بن طعن نیزه عون را از
مرکب بر زمین افکند و شهیدش کردند .

تنقیح المقال ۲ / ۳۵۵ . ناسخ التواریخ

۲ / ۳۳۹ . روضة الشهداء / ۳۳۱ .

المناقب ۳ / ۳۵۴ .

غرة

- ۱۳۵ -

پس از شهادت حر و مصعب و علی برادر و پسر حر غلام حر حرکت
نمود ، و از کشته شدن حر گریان گردید و عنان صبر و اختیار از دست داده
و به جد و جهد به دشمن تاخت و جمعی را بکشت و سپس نزد حسین (ع)
آمد ، و گفت یا ابن رسول الله (ص) گستاخی کردم مرا معذور دار زیرا هنوز
داب و رسوم حرب نیاموخته ام امروز میخواهم اجازه بفرمائید که جان در
قدمت نثار کنم و فردا در عرصه محشر بر خواجگان افتخار کنم

اگر مرا بفلامی خود قبول کنی

بسا کرشمه که با شاه و شهریار کنم

امام (ع) اجازه فرمودند ، و با نشاط تمام به قتگاه برفت و شربت شهادت
نوشید .

مؤلف (علمای معاصرین) بنقل از کتاب (ثمرات العلوم) این شهید را (بقره) قید نموده و در (ناسخ التواریخ او را (عروه) ذکر کرده و هر دو اشتباه است .

روضۃ الشهداء / ۲۸۲ . حبیب السیر

۵۲/۲ . علمای معاصرین / ۲۶۹ .

جامع الرواه / ۲۸۲/۲ . ناسخ التواریخ

۲۶۶/۲ .

فضل بن علی

- ۱۳۶ -

فضل بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
در صحبت برادرش امام حسین (ع) کربلا آمد ، و هنگامیکه سپاه کوفه هاشم بن عتبه را محاصره کردند ، حسین (ع) فضل و نه تن دیگر از اصحاب را فرمود به کمک و مدد هاشم بروند عمر بن سعد دو هزار تن فرستاد که مگذارید این مبارزان به هاشم پیوندند لشکر سر راه را بر آنها گرفتند و جنگ سختی روی داد ، و دشمن در اثر کثرت غالب شده فضل و سایرین شهید گشتند .

روضۃ الشهداء / ۳۰۳ .

قارب بن عبدالله

- ۱۳۷ -

قارب بن عبدالله بن اریقظ .

- ۱۴۰ -

غلام امام حسین (ع) بود، و مادرش فکیه خدمت کار رباب همسر حسین (ع) و هر دو ملازم رکاب امام (ع) بودند، و در کربلا در نخستین حمله قبل از ظهر شهید گشت و مادرش همراه مخدرات به مدینه برگشت.

تنقیح المقال ۲/قسم ۲/۱۸۰ ابصار
العین ۵۴/ ناسخ التواریخ ۲/۳۱۴

قاسط بن عبدالله

- ۱۳۸ -

قاسط بن عبدالله بن زهیر بن حرث تغلبی، دلاوری نیرومند و شجاعی با ایمان بود، و همراه برادرش کردوس و مقسط که همگی از پیروان و شیعیان علی (ع) بشمار میرفتند و در جنگهای امیر المومنین (ع) شرکت کرده و خود گذشتگی نشان داده‌اند در کوفه هر سه میزیستند.

با انتشار خبر رسیدن حسین (ع) در عراق به کربلا این سه برادر از کوفه حرکت نمودند، و شب دهم کربلا رسیدند و در حمله اولی قبل از ظهر شهید گشتند.

مؤلف (ابصار العین) او را (قاسط بن زهیر بن حرث) قید کرده و همچنین در (ناسخ التواریخ) (قاسط بن ظهیر) آمده و هر دو اشتباه است.

جامع الرواة ۲/۱۵۰ تنقیح المقال ۲/۱۱۳
ابصار ۲/۱۰۸ المناقب ۴/۱۱۳
العین ۱۱۴/ ناسخ التواریخ ۲/۲۸۲

قاسم بن حبیب

- ۱۳۹ -

قاسم بن حبیب بن ابی بشر ازدی کوفی .

دلیری بود متقی و متدین شیهارا با عبادت و تهجد زنده میداشت و به قهرمانی و شجاعت معروف است و در راه ایمان و ولایت ثابت قدم و در تمام نبردها فتح و پیروزی رفیق او بود و در شمار شیعیان کوفه است همراه سپاه عمر بن سعد از کوفه خارج شد و هنگام ورود به لشکر حق و حقیقت پیوست و از حسین (ع) جدا نشد تا کشته گردید .

ناسخ التواریخ ۲/ ۳۱۵ . جامع الرواة

۲/ ۱۶ . تنقیح المقال ۲/ ۱۸ .

منتهی الآمال ۱/ ۲۵۶ . ابصار العین

۱۰۹/ . مستدرک الوسائل ۳/ ۸۳۶ .

قاسم بن الحسن

- ۱۴۰ -

قاسم بن امام حسن بن امام علی بن ابی طالب (ع) .

باتفاق مؤرخین او بسن بلوغ نرسیده بود و سلاح جنگی که براندامش راست آید نبود ، بناچار با همان لباس ساده به میدان جنگ شتافتن گرفت و امام حسین (ع) چون نظرش بر پسر برادر افتاد که جان بر کف نهاده و قصد میدان کرده بی‌توان شد ، و دست بگردن قاسم درآورد و او را در بر کشید و هر دو تن چندان بگریستند که در روایت آمده (حتی غشی علیهما) پس قاسم بزبان ابتهال و ضراعت اجازه مهارزه خواست و امام (ع) مضایقه

فرمودند ، پس قاسم گریست و دست وپای عمش را چندان بوسید تا اذن حاصل نمود و در حالیکه اشکش جاری بود رجزی خواند بدین مضمون و به میدان شتافت .

خواجه هر دو جهان جد منست
جد دیگر ولی ذوالمنن است
پدر محترم محتشم
نور بینائی زهرا حسن است
وین شهنشاه گرانمایه حسین
هادی راه حق و عم من است
نایب ذوالمنن است اندر دین
آنکه امروز امام ز من است
طایر قدسم و عم پدرم
شهره طیار مرصع بدن است
تو چه مرغی و ترا خارجیان
روش و پرورش اندر چه فن است
حاصل عمر شما اهل نفاق
طاعت و پیروی اهرمن است
روز رفتن بسقر کار شماست
جان ربودن ز بدن کار من است

حمید بن مسلم داستان سرای وقعه کربلا گوید . پسری نوری که رخسارش گویا پاره ماه بود بطرف ما شتافتن گرفت و شمشیری در دست داشت و پیراهنی و ازار در برو نعلین در پایش بود و بند یکی نعلهایش بمبازو آویخته بود و فراموش نکردم که بند نعل چپ بود و سخت مبارزه می کرد ، و با آن خوردسالی سی و پنج نفر بکشت عمرو بن سعد ازدی گفت من

بر او سخت حمله میبرم ، و او را بقتل میرسانم گفتم . سبحان الله . . . این همه سپاهیان این کار را از تو کفایت نمی کنند دیگر ترا چه لازم است ؟ گفت . بخدا از این اندیشه بر نگردم و اسبی برانگیخت و با نهایت سخت دلی بر او تاخت و شمشیری برفرق قاسم فرود آورد ، قاسم بصورت بر زمین افتاد و حسین (ع) را بیاری خود خواند حسین (ع) شتابزده مانند باز پریدن گرفت ، و مانند شیر جهیدن و به صفوف سپاه حمله کرد ، و به قاتل قاسم رسید و شمشیر بر عمرو ابن سعد فرود آورد که عمرو با دست آن را رد کرد و دستش از آرنج بپوست آویخته شد ، و بانگی زد که تمام لشکریان شنیدند و جمعی خواستند او را چنگ حسین (ع) بربایند که از بسیاری آشفتگی کار عمرو زیر اسبان لگدکوب گردید و کشته شد .

چون گرد و غبار فرونشست دیدند حسین (ع) بالای سر قاسم ایستاده و قاسم پا بر زمین میکشد و جان می دهد و امام (ع) میگوید . از رحمت خدا دور باد آن مردمیکه تو را بکشتند و خصمشان در روز قیامت جدت پیغمبر باشد ، آنگاه از فرط شفقت گفت . چقدر بر من دشوار است که مرا بخوانی و تو را اجابت نکنم . . . و یا اجابت کنم اجابتم تو را سودمند نباشد . مرحوم ناصر الدین شاه قاجار گوید .

چو اعدا دید قاسم را که در گردن کفن دارد

همه گفت از ره تحسین عجب وجه حسن دارد

رخش چون پرتوافکن شد در آن وادی فلک گفتا

خوشا حال زمین را کومهی در پیرهن دارد

لبش افسرده همچون گل ز سوز تشنگی اما

تو گوئی چشمه کوتر درین شیرین دهن دارد

جو بلبل شورانگیزد در او از رجز خوانی

بشوق نوگلی کو در میان آن چمن دارد

کشیده تیغ افشان زاہر و در صف ہیجا
 تو گوئی ذوالفقار اندر کف خود بوالحسن دارد
 چنان آشوب افکند اندر آن صحرا ز خونریزی
 پس از حیدرنه در خواطر دگر چرخ کهن دارد
 چه بی انصاف بودی آن جفا جوین آهن دل
 چه جای نیزه^۴ و خنجر در آن سیمین بدن دارد
 زهر سو لشکر عدوان هجوم آورد چون ظلمت
 بصید شاهیازی جمله کوزاغ و زغن دارد
 فکندند از سریر زین سلیمان واران شه را
 بلی اندر کمین دایم سلیمان اهرمن دارد
 چو سرو قد او زینت گلستان بلا را شد
 بگفتا تاب سم اسب کی همچون بدن دارد
 مرا دریاب یا عماه ز روی مرحمت اکنون
 که مرغ روح شوق دیدن بام حسن دارد
 خوش ای ناصرالدین شه یقینم شد که هر زهری
 بجام آل حیدر سازد این چرخ کهن دارد
 آنگاه حسین (ع) قاسم را از روی خاک برداشت و در برکشید
 و سینه او را بسینه خود چسبانید، و بسوی سرا پرده روان گشت
 در حالیکه پایهای قاسم در زمین میکشید او را آورد و میان کشتگان
 اهل بیت خود جای داد.

ینابیع المودة / ۳۴۵. روضة الشهداء
 / ۳۲۵. ابومخنف / ۷۹. تذکرة
 الخواص / ۲۱۵. کفاية الطالب / ۴۴۶.
 جمهرة انساب العرب / ۳۹. ابن

اللاءثیر ۴/۷۵ . مروج الذهب ۳/۷۱ .
ابصار العين ۳۶/ . عمدة الطالب
۶۸/ . منتهی الآمال ۱/۲۷۵ .
المناقب ۴/۱۰۶ . اعلام الوری ۲۴۷/ .
وقایع الاءیام ۴۶۶/ . کانون احساسات
۱۵۸/ . مقاتل الطالبیین ۵۸/ .
تنقیح المقال ۲/۱۸ . کشف الغمة
۵۹/۲ .

قاسم بن حسین

- ۱۴۱ -

قاسم بن امام حسین بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
ابن شهر آشوب گوید . پس از شهادت ابا الفضل جوانی به
میدان روانه شد بنام قاسم بن حسین (ع) و رجز خواند و خویش را
معرفی نمود و جنگید تا آنکه شهید گشت .
و مؤرخین برای امام حسین (ع) پسری بنام (قاسم) قید نکرده
اند لذا مرحوم مجلسی و دیگران از بیان ابن شهر آشوب در شگفت‌اند .
المناقب ۴/۱۰۸ .

قاسم بن علی

- ۱۴۲ -

قاسم بن امام علی بن ابی طالب (ع) .

- ۱۴۶ -

بنابه نوشته ابن شهر آشوب پس از شهادت عبدالله فرزند
امیر المؤمنین (ع) جوانی به مبارزه آمد و وارد کارزار شد و خود را
فرزند علی (ع) معرفی نمود، و به لشکر کوفه تاخت در آن هنگام
عمرو به سعید ازدی بر او کمین بست و با شمشیر بر فرقهش زد و شهید
گشت.

و گوید. که او از برادران ابوالفضل است و مادرش (فاطمه) ام
البنین.

المناقب ۱۰۷/۴.

قره غفاری

— ۱۴۳ —

قره بن ابی قره غفاری.

ارباب مقاتل او را در شمار شهداء قید کرده‌اند، و اینکه برای
مبارزه میدان آمد و رجز خواند و شهید گردید. قندوزی در ینابیع
الموده او را (عروة غفاری) نوشته است.

ینابیع الموده / ۳۴۴. روضة الشهداء

۳۱۱/ .مقتل خوارزمی ۱۸/۲.

المناقب ۱۰۲/۴. جلاء العیون

۱۹۰/۲. نسخ ۲۹۹/۲.

قعنب بن عمرو

- ۱۴۴ -

قعنب بن عمرو و نمیری بصری .

در بصره میزیست و از شیعیان و یاران علی بن ابی طالب (ع) ،
است در بصره فعالیت‌های مذهبی و ولایتی داشته همراه حجاج
سعدی از بصره حرکت نمود و به کربلا آمد و شهید شد .
قعنب بمعنی شیر و روباه نر آمده است .

ناسخ التواریخ ۲ / ۳۱۴ . جامع الرواة

۲ / ۲۴ . راهنمای دانشوران ۲ / ۲۹۶ .

تنقیح المقال ۲ ق ۲ / ۲۹ . منتهی

الآمال ۲ / ۲۵۶ . ابصار العین / ۱۲۵ .

قیس بن مسهر

- ۱۴۵ -

قیس بن مسهر بن خالد بن جندب بن منقذ بن عمرو بن قعین
ابن حرث بن ثعلبة به دودبن اسد بن خزیمه اسدی صیداوی .
نابغه جنگ و قهرمان تشیع و در قبیله خویش با احترام و فتوت
و دلاوری یاد میشد ، و در دوستی و محبت خاندان عترت (ع) عاشق
و دل‌باخته است و نسبت به امام حسین (ع) علاقه خاصی داشت و با
تمام نیروی خود بحمایت از امام (ع) برخاست و کلیه قوایی که داشت
از مال و قبیله و اولاد و ثروت در راه مقاصد حسین (ع) فرو گذاری
نکرد و از طرف اهالی کوفه متجاوز بر پنجاه نامه با خود به مدینه برد

- ۱۴۸ -

و به امام (ع) رسانید، متضمن دعوت حسین (ع) به عراق و اعلان همبستگی دست جمعی خودشان رابه امام، و پاسخ نامه را از امام دریافت کرده و بسوی کوفه برگشت و با شتاب می‌آمد و به (قادسیه) رسید عبیدالله بن زیاد... حصین بن نمیر تمیمی... را فرستاده بود تا افرادی که از سوی حجاز می‌آیند دستگیر کند لذا قیس را دستگیر نمود، و به کوفه نزد ابن زیاد فرستاد.

چون قیس موضوع را فهمید نامه‌ها را از بغل بیرون آورد و آنها را بدرید تا به محتویات او دست نیابد.

عبیدالله پرسید. نامه برای چه کسانی آورده بودی؟
قیس پاسخ داد. آن افراد را نمی‌فناسم.

ابن زیاد فرمان داد تا در مسجد کوفه منبر رود و قیس به علی و حسین (ع) ناسزا گوید.

قیس منبر رفت خدای را بصفات جلال و جمال ستایش کرد، و بر حضرت رسالت (ص) درود فرستاد، و در ابتدای حق سبحانه و تعالی مرانبیاء و اولیاء را حدیثی چند فرو خواند پس گفت ای قوم بدانید که من رسول امام حسینم و مرا فرستاده تا مردم این ولایت را با وی بیعت دهم که وی از یزید سزاوارتر است بخلافت زیرا که فرزند رسول خدا است پس بشتابید، و یاری وی کنید که در کربلا با اندک مردمی فرود آمده و لشکر مخالف بسیار است خوشا صاحب دولتی که از هجوم بلا اندیشه ناکرده روی به بیابان... کربلا آرد.

فراز و شیب بیابان عشق دام بلاست

کجاست شیر دلی کز بلا نپرهیزد

پس در ایستاد و دشنام و نفرین کرد به عبیدالله بن زیاد، و زیاد

ابن ابیه، و یزید بن معاویه، و معاویة بن ابی سفیان و درود و سلام فرستاد به امیر المؤمنین (ع) و امام حسین (ع) و از منبر فرو آمد. قیس همان لحظه دستگیر شد و به قصر الاماره بردند، و به فرمان عبیدالله از پشتبام قصر به پائین افکندش و استخوانهایش کوبیده شد و جان سپرد.

خبر شهادت قیس به حسین (ع) رسید امام بسیار بگریست و او را دعای خیر گفت و آیه شریفه را تلاوت نمود.

فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا (۱)
الهم اجعل لنا و لهم الجنة منزلا و اجمع بیننا و بینهم فی مستقر رحمتک و رغائب مذخور ثوابک.

قیس بنا به نوشته مؤرخین اگر چه از شهدای کربلا نیست لیکن در مقاصد امام حسین (ع) شهید شده است و به درجه شهادت مفتخر گشته.

۱ - سوره احزاب / ۲۳.

المجالس السنیة ۱ / ۶۶. جامع الرواة
۲ / ۲۶. البدایة و النهایة ۸ / ۱۷۴.
روضه الشهداء / ۲۶۰. تنقیح المقال
ق ۲ / ۳۴. جمهرة انساب العرب
/ ۱۹۵. ابن الاثیر ۴ / ۵۰. ابصار
العین / ۶۴. مستدرک الوسائل
/ ۳ / ۸۳۷.

قیس بن منبه

- ۱۴۶ -

قیس بن منبه .

بعد از شهادت عمرو بن مطاع قیس بن منبه چون شیر شکاری و
پلنگ کوهساری روی بمیدان نهاد و رجزی خواند به این مضمون

من قیس منبه ام که در جنگ

کیوان ترسد ز داد و گیرم

گر رستم زال زنده گردد

گردد بخم کند اسیرم

در دوستی حسین و آلش

باکی نبود اگر بمیرم

امروز شوم شهید و فردا

در خلد برین بود سریرم

قیس جنگید و مبارزان کوفه فراری گشتند در آن هنگام عمر بن
سعد بمبارزت او در آمد و طاقت وی نیاورد گریزان شد و راه بیابان
برگرفت قیس از روی تعصب اسب خود را پشت سر او تاخت و از لشکر
گاه بیرون رفت گروهی از کوفیان عقب او اسب تاختند و از قفا او را
با نیزه و تیر شهید کردند .

روضه الشهداء / ۳۰۰ . علمای معاصرین

. ۲۷۰ /

کردوس تغلبی

- ۱۴۷ -

کردوس بن عبدالله بن زهیر بن حارث تغلبی .
برادر قاسط بن عبدالله که حالش در صفحه ۱۵۰ بیان گردید و
این سه برادر کردوس . قاسط . مقسط . کربلا آمدند و در راه حسین (ع)
شہید گشتند .

کردوس در جنگ (صفین) همراه علی (ع) بود، و در ناسخ
(کرش بن ظہیر) آمده است و هر دو اشتباه است و غلط و درست
همانست که ثبت نمودیم او در حمله اولی شہید شد .

جامع الرواة ۲/۲۹۰ . تنقیح المقال

۲ق ۲/۳۸۰ . وقعة صفین / ۳۱۳ .

ناسخ التواریخ ۲/۲۸۲ . ابصارالعین

۰۱۱۴/

کنانہ بن عتیق

- ۱۴۸ -

کنانہ بن عتیق بن معاویہ بن صامت بن قیس تغلبی کوفی .
از چہرہ های دلاور شیعه است و قہرمان میدان جنگ و مبارز با
ایمان و دلباخته محراب و نماز و نیایش و تہجد بوده، و در شمار
قارئین قرآن میباشد و همراه پدرش عتیق در جنگ (احد) شرکت
داشتند، و از اصحاب رسول اللہ (ص) است و بہ فتوت و شجاعت
معروف بوده و از وقتیکہ عتیق از دنیا برفت کنانہ ملازم علی و حسن

- ۱۵۲ -

و حسين عليهم السلام گرديد، و در كوفه اقامت داشت .
كنانه خبر ورود حسين (ع) رابه كربلا شنيد و حرکت کرد و در
راه امام (ع) جان سپرد و شهيد گشت .

ناسخ التواريخ ۲/۲۸۲ . جامع الرواة

۲/۳۱ . تنقيح المقال ۲/۴۲ .

المناقب ۴/۱۱۳ . ابصار العيسن

۱۱۴/ .

مالك بن انس

- ۱۴۹ -

مالك بن انس بن مالك كاهلى .

ارباب مقاتل معتقدند كه بعد از شهادت عبدالرحمن بن عروة
مالك بن انس وارد رزمگاه شد و رجز خواند و خويش را معرفى ساخت
و سپس به سپاه تاخت و چهارده نفر كشت و شهيد گرديد .

مقتل خوارزمى ۲/۱۸ . المناقب

۴/۱۰۲ . جلاء العيون ۲/۱۸۵ . ناسخ

التواريخ ۲/۲۹۹ . روضة الشهداء

۲۹۹/ .

مالك بن اوس

- ۱۵۰ -

مالك بن اوس مالكى .

- ۱۵۳ -

از بزرگان علمای اخبار و موثقین راویان آثار است بمیدان با
شمشیر کشیده تاخت و پس از مبارزه شهید گردید .
ناسخ التواریخ ۲/۳۱۳ .

مالک بن دودان

- ۱۵۱ -

مالک بن دودان

ابو مخنف لوط بن یحیی بن سعید متوفی بسال ۱۵۷ هجری او را
در شمار شهداء قید نموده و اینکه رجز خواند و مبارزه نمود و شهید
شد .

ابو مخنف / ۷۴ . المناقب ۴ / ۱۰۴ .
ناسخ التواریخ ۲ / ۳۱۲ . گوید . مالک
بن داود . . . اشتباه است .

مالک بن سریع

- ۱۵۲ -

مالک بن عبد بن سریع بن جلیبر همدانی جابری .
ساکن کوفه بود و از شیعیان امیرالمؤمنین (ع) همراه پسر عمش
سیف بن حارث کربلا آمد و به شهادت رسید .

ینابیع المودة / ۳۴۴ . روضة الشهداء
/ ۳۰۷ . جامع الرواة ۲ / ۳۷ . تنقیح
المقال ۲ / ۴۹ . ابن الاثیر

- ۱۵۴ -

۷۲/۴ . جلاء العيون ۱۹۳/۲ .
ناسخ التواريخ ۳۰۸/۲ . ابصارالعین
۰۷۸/

مجمع بن زیاد

- ۱۵۳ -

مجمع بن زیاد بن عمرو جهنی .

از اصحاب رسول الله (ص) و در خدمت پیغمبر اکرم (ص) جنگ
(بدر) و (احد) را دیده و شرکت نموده است و جان فشانی و دلیری
نشان داده ، و در قبیلۀ (جهینه) که در اطراف شهر مدینه اقامتگاه داشتند
میزیست و به عبادت اشتغال داشت هنگام خروج امام حسین (ع) از مکه
سوی عراق بر این قبیلۀ گذشت و مجمع خبردار شد ، و به رکاب حسین (ع)
پیوست و در کربلا به مهارت جنگید زیرا مجمع در فنون مبارزه مهارت داشته .
سپاه مجمع را غافلگیر کرد و از هر سو به او حمله ور شدند و از بالای
اسب او را فرود آوردند و کشتند .

تنقیح المقال ۲ ق ۵۳/۲ . ابصارالعین

۰۱۱۵/

مجمع بن عبدالله

مجمع بن عبدالله بن مجمع بن مالک بن ایاس بن عبد مناه ابن
عبدالله بن سعد العشیره مذحجی عاذی .

در کوفه میزیست از شیعیان و یاران علی (ع) است و در جنگ (صفین)

شرکت داشته و با شنیدن خبر قیام حسین (ع) و حرکت امام از مکه به عراق همراه گروهی از کوفه حرکت کرد به طرف مکه در منزلگاه (عذیب الهجانات) به حسین (ع) ملحق شدند و ملازم رکاب امام گردیدند، و در آغاز جنگ شهید گشتند.

گویند . که عبدالله بن مجمع از صحابه رسول الله (ص) بوده .
و مجمع همراه عمرو بن خالد وقتیکه خدمت حسین (ع) رسیدند امام فرمود . از کوفه چه خبر دارید ؟ مجمع گفت . اما اهل کوفه دلپایان با تو است و شمشیرهایشان بر علیه تو برهنه شده است .

ناسخ التواریخ ۲ / ۲۸۲ . البدایة و
النهاية ۸ / ۱۷۳ . تنقیح المقال
ق ۲ / ۵۳ . ابصار العین / ۸۵ .
المناقب ۴ / ۱۱۳ . ابن الاثیر ۴ / ۷۴ .

محمد بن ابی سعید

- ۱۵۵ -

محمد بن ابی سعید بن عقیل بن ابی طالب .
مادرش ام ولد .

کودکی بود هفت ساله همراه مادرش و خویشاوندان کربلا آمده و در واقع حس دینی و حس هواخواهی حسین (ع) در بدن بنی هاشم از روز الست بطوری دمیده بود که حتی خرد سالان همان روح حساس را از خود نمایش دادند در کربلا .

حمید بن مسلم گوید . بعد از شهادت حسین (ع) سپاه دشمن به خیمگاه امام جهت غارت و دزدی تاخت و مخدرات و بانوان طهارت

- ۱۵۶ -

صیحه و ضجه کشیدند، در آن میان کودکی از خیمه بیرون دوید و هراسان و بیمناک بود، و به این طرف و آن سو می‌دوید و اشک می‌ریخت، و در سراغ و جستجوی حسین (ع) بود ناگهان میدی بنام لقیط بن ایاس جهنی طرف کودک دوید، و شمشیری بر او زد و او را کشت. پرسیدم این کودک چه نام دارد؟ گفتند. محمد ابن ابی سعید بن عقیل بن ابی طالب.

به نوشته مؤلف (ابصار العین) قاتل او هانی بن ثبیت حضرمی است.

جامع الرواة ۲ / ۴۸. البدایة والنهایة

۱۸۹ / ۸. کفایة الطالب / ۴۴۷.

الکنى واللقاب ۱ / ۸۴. ابصار العین

۵۱ / جلاء العیون ۲ / ۱۹۴. المجالس

السنية ۱ / ۱۱۷. ناسخ التواریک

۳۲۱ / ۲. مقاتل الطالبیین / ۶۲.

تنقیح المقال ۲ / ۶۰. المناقب

۱۰۶ / ۴. منتهی الآمال ۱ / ۲۷۴.

محمد بن انس

- ۱۵۶ -

محمد بن انس مرادی خزاعی.

ملا علی خیابانی او را در شمار شهدای کربلا نوشته است و من

برای او ترجمه و ذکری در کتب تراجم و مقاتل ندیدم.

علمای معاصرین / ۲۶۹.

- ۱۵۷ -

محمد بن جعفر

- ۱۵۷ -

محمد بن جعفر بن ابی طالب .

مادرش اسماء بنت عمیس بن معد بن حارث است همسر جعفر
طیار و پس از شهادت حضرت جعفر به نکاح ابوبکر در آمد و پس از
او امیر المؤمنین (ع) با او تزویج کرد .

تربیت شده مکتب رسالت و ولایت است و همراه برادرانش و
دیگران از بنی هاشم به کربلا آمد و شهید شد .

جعفر دارای سه پسر بود . عون . محمد اکبر . محمد اصغر .
محمد اکبر در (صفین) در رکاب علی (ع) کشته شد و محمد اصغر و
عون در کربلا .

المعارف / ۸۹ . مقاتل الطالبیین / ۱۱

عمده الطالب / ۳۶ . تنقیح المقال

اق ۲ / ۹۱ . جمهره انساب العرب

۳۸ / تحفه الاحباب / ۳۲۵ .

مستدرک الوسائل / ۳ / ۸۴۱ .

محمد بن عبدالله

- ۱۵۸ -

محمد بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب .

مادرش زینب خاتون دخت علی بن ابی طالب (ع) .
از خاندان بنی هاشم است از امام (ع) اجازه گرفتن و به میدان

- ۱۵۸ -

رفت و ده نفر بکشت و به دست عامر بن نهشل شهید شد . رجز
محمد بدین مضمون بوده .

با شما کارزار خواهم کرد

بر شما کارزار خواهم کرد

وز برای دل حسین علی

جان خود را نثار خواهم کرد

تا کنم دست ظالمان کوتاه

پا بحرب استوار خواهم کرد

کین خود از شما بخواهم خواست

سر دل آشکار خواهم کرد

شکوه در پیش جعفر طیار

از شما بیشمار خواهم کرد

زینب خاتون در فراق فرزند دل‌بند خود بنالید ، و امام حسین (ع)

او را تسلی داده خاموش گردانید .

جامع الرواة ۲ / ۱۴۰ . تذکرة الخواص

۲۵۵ / . البداية و النهاية ۸ / ۱۸۵ .

تاریخ الخميس ۲ / ۲۹۸ . نظم در

السمطين ۲۱۸ / . جلاء العيون

۱۸۴ / ۲ . ناسخ التواريخ ۲ / ۳۲۱

ینابیع المودة ۳۲۱ / . روضنة

الشهداء ۳۱۵ / . اعلام السوری

۲۴۷ / . تنقیح المقال ۳ / ۱۳۹ . جمهرة

انساب العرب ۶۸ / . مروج الذهب

۷۱ / ۳ . ابصار العین ۴۰ / . حبیب

السير ۲/ ۵۳ . مقاتل الطالبیین ۶۰/
المناقب ۴/ ۱۰۵ . مستدرک الوسائل
۳/ ۸۴۵ .

محمد بن علی

- ۱۵۹ -

محمد (اوسط) بن امام امیر المؤمنین (ع) .

محمد بن علی

- ۱۶۰ -

محمد (اصغر) بن امام علی بن ابی طالب (ع) .
امیر المؤمنین (ع) را سه فرزند است بنام محمد . یکی را محمد
اکبر گویند و او محمد بن حنفیه است . و دوم مشهور به محمد اوسط .
و سومی معروف به محمد اصغر و مادرشان ام ولد است کنیز سیاهی
بوده بنام خوله دختر جعفر بن قیس ابن مسلمة بن عبدالله بن ثعلبة
بن یربوع بن ثعلبة بن الدئل ابن حنفیه بن لجیم .
این دو برادر پس از شهادت امیر المؤمنین (ع) در محضر امام
حسین (ع) بودند ، و سپس ملازم مجلس و رکاب امام حسین (ع) و در
کربلا با هم مبارزه آغاز نمودند و سپاه کوفه از هر سو به آنها حمله
کرد و با شمشیر قطعه قطعه شان کردند .

ناسخ التواریخ ۲/ ۳۳۸ . تذکرة
الخواص ۲۵۴/ . البداية و النهاية

- ۱۶۰ -

۱۸۹/۸ . تاریخ الخميس ۲/۲۹۸ .
نظم در السمطين ۱/۲۱۸ . عمدة
الطالب / ۳۵۲ . مقاتل الطالبیین
۵۶/ . تنقیح امقال ۲/۸۳ .
مروج الذهب ۳/۷۱ . عمدة الطالب
۳۵۲/ .

محمد بن مسلم

- ۱۶۱ -

محمد بن مسلم بن عقيل بن ابی طالب .
مادرش ام ولد .

در کربلا هنگام شهادت دوازده و بروایتی سیزده سال داشت و
شجاعت و شهامت را به ارث از اجداد بزرگوارشان نصیب گشته ، و با
کمی عمر نبرد جدی نمود تا آنکه ابو مرهم ازدی و لقیط بن ایاس
جهنی او را بقتل رسانیدند .

کفاية الطالب / ۴۴۷ . جلاء العيون
۱۹۳/۲ . ناسخ التواريخ ۲/۳۱۸ .
تذكرة الخواص / ۲۵۵ . نظم در
السمطين / ۲۱۸ . تنقیح المقال
۱۸۷/۳ . مقاتل الطالبیین / ۶۲ .
المناقب ۴/۱۰۶ . ابصار العين / ۵۰ .

- ۱۶۱ -

محمد بن مطاع

- ۱۶۲ -

محمد بن مطاع .

مؤلف (ناسخ التواریخ) گوید . خویشتن را ساخته^۶ جهاد ساخت
و از امام (ع) رخصت مبارزه یافته بمیدان شتافت و سی تن از سپاه
ابن سعد را با تیغ و تیر تباه ساخت آنگاه بدست کوفیان شهید شد .
ناسخ التواریخ ۲/۳۱۲ .

محمد بن مقداد

- ۱۶۳ -

محمد بن مقداد

از امام (ع) رخصت مبارزه خواست و به میدان برفت و دلیرانه
جنگید ، و بسیاری را کشت و خسته شد و زخمهای فزونی بر بدنش
وارد آمد و چون خواست که نزد حسین (ع) برگردد فوجی سوار از
لشکر گرداگرد او فرو گرفتند و محاصره نمودند و شهید شد .

روضۃ الشهداء^۶ / ۳۱۱ . علمای معاصرین

/ ۲۷۱ .

مسعود بن حجاج

- ۱۶۴ -

مسعود بن حجاج تیمی کوفی .

- ۱۶۲ -

به تشیع و محبت خاندان رسالت معروف بوده و از بزرگان قهرمانان و دلیران بشمار آید، و در اغلب جنگها و غزوات او شرکت جسته و از مشاهیر شیعه میباشد، روز هفتم محرم به کربلا رسید و با حسین (ع) بود تا آنکه شهید گشت.

بروایت ناسخ التواریخ در حمله اولی قبل از ظهر بدرجه شهادت رسید.

ناسخ التواریخ ۲/۲۸۲. تنقیح المقال

۳/۲۱۳. منتهی الآمال ۱/۲۵۵.

المناقب ۴/۱۱۳. ابصار العین

۱۱۲/۲. جامع الرواه ۲/۲۲۹.

مسلم بن عوسجه

- ۱۶۵ -

مسلم بن عوسجة بن سعد بن ثعلبة بن دوران بن اسد ابن خزیمه ابو جحل اسدی سعدی.

مردی دلیری و متعبد و پارسا و متعهد بود، ساکن کوفه از یاران و اصحاب رسول الله (ص) و از قارئین قرآن و در جنگهای اسلامی، و فتوحات نبوی قدمهای پر ارزش و مثمری داشته و با امیر المؤمنین (ع) در کوفه میزیست و پس از شهادت امام (ع) کوفه را ترک نگفت و شب و روز خویش را به عبادت و نماز سپری میکرد، و با مردم زیاد اختلاط و رفت و آمد نداشت.

مسلم در ایمان و تقوی و عدالت و راستی و درستی بی مثل و تنها بود و قرینی برای او در میان اصحاب نمی توان یاد کرد او با

- ۱۶۳ -

مسلم بن عقیل بیعت نمود، و از قیام امام حسین (ع) بشدت طرفداری و خوشنود و شادمان گشت زیرا ستم و جور و اختناق بنی امیه مسلمانان را بطوری دردناک و وحشت زده کرده بود، که قیام امام (ع) برای همه نوید تازه‌ای از استبداد و خفقان بود لذا مسلم بن عوسجه... جهت پیوستن به امام (ع) عزم و روانه کربلا گردید.

روز عاشورا مسلم از حسین (ع) زخمت مبارزه طلبید امام فرمود. ای مسلم به قبیله و خاندانت برگرد مسلم قبول نکرده گفت اگر ما از تو جدا شدیم و پشت کردیم چه عذری در پیشگاه خداوند داریم، و به چه وسیله حق بزرگ تو را ادا کنیم نه بخدا سوگند بایستی نیزه ام در سینه دشمنان بشکنند، و تا دسته شمشیرم در دست دارم خواهم از دشمنان کشت و اگر بی سلاح گشتم با سنگ خواهم جنگید و از تو دور نخواهم شد تا آنکه در راه تو شهید گردم... و به میدان روانه شد. عبدالله ضبابی، و عبدالرحمن خشکاره بجلی، و مسلم بن عبدالله ضبابی بر او کمین بستند و از اطراف به او تاختند و بدرجه شهادت رسید.

امام حسین (ع) بر سر نعش مسلم آمد و فرمود. خدا بتو جزای خیر عنایت کند، و مبارزه و سعی تورا قبول بفرماید، و چایت را در بهشت قرار دهد سپس این آیه را تلاوت نمودند.

فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا (۱).

از آن پس مسلم بن عوسجه کرد

باءفواج مخالف قصد ناور

بزهد و طاعت و تقوی سرافراز

باصحاب پیغمبر بود ممتاز

بعلم و فضل مشهور زمانه
 بزرگ قوم در رفعت یگانه
 امام دین ز فرط الفت او
 بسی مغموم شد در فرفت او
 بصحرای سعادت چون قدم زد
 ز تو صیف شه مظلوم حرم زد
 ز ضرب تیغ ز زور دست و بازو
 فکنده او ازه جرات بهرسو
 چنان از برق تیغ آتش فشان شد
 که میدان پر زلاش کشتگان شد
 بخاک افتاد آن بسمل طهان شد

زهر رگ خون جسم اوروان شد

- البداية و النهاية ۸ / ۱۸۱ . مستدرک
 الوسائل ۳ / ۸۴۹ . جمهرة خطب
 العرب ۲ / ۵۰ . جلاء العيون
 ۲ / ۱۸۴ . ناسخ التواريخ ۲ / ۲۷۵ .
 روضة الشهداء ۲۹۶ / . المناقب
 ۴ / ۱۰۲ . اللهوف ۱۰۶ / . وقایع الایام
 / ۴۱۳ . ابن الاثیر ۴ / ۶۷ . ابصار
 العین ۶۱ / . تنقیح المقال ۳ / ۲۱۴ .
 راهنمای دانشوران ۲ / ۲۰۶ . منتهی
 الآمال ۱ / ۲۶۰ . اعلام الوری ۲۴۵ / .
 الاعلام ۸ / ۱۱۹ .

مسلم بن كثير

- ۱۶۶ -

مسلم بن كثير بن قلب الصدفي ازدي معروف به (اعرج کوفی) .
پيامبر اسلام (ص) را درک کرده و از ياران و موالين علی (ع)
است و در جنگ (جمل) شرکت داشته و علت معروف بودن او به (اعرج)
تيري است که در جنگ به پایش فرو رفت و در اثر آن پايان عمرش
می‌لنگید و شل بوده .

پس از ورود حسين (ع) به کربلا از کوفه حرکت کرد و به امام (ع)
پیوست و شربت شهادت نوشید در حمله اولی .

جامع الرواة ۲/۲۳ . تنقيح المقال

۲۱۵/۳ . منتهی الآمال ۱/۲۵۵ .

المناقب ۴/۱۱۳ . ابصار العين ۱۰۸/۱ .

مسلم

- ۱۶۷ -

مسلم ... غلام امام حسين (ع) .
از اصحاب و ياران امام بوده ، و در کربلا شهيد شده است و
اطلاعات ديگری از احوالات او در تاريخ نيست .

تنقيح المقال ۳/۲۱۵ . جامع الرواة

۲/۲۳۰ .

مصعب بن یزید

- ۱۶۸ -

مصعب بن یزید بن ناچیه بن سعید بن یربوع ریاحی .
برادر حمر بن یزید ، بعد از شهادت برادرش و پسرش علی و
غلامش غره که همگی در سپاه دشمن بودند و جدا شدند متعاقب یکدیگر
بمیدان رفتند ، و بدرجه شهادت نائل گشتند .

جیب السیر ۲/ ۵۲ . ناسخ التواریخ

۲/ ۲۶۱ . روضة الشهداء ۴/ ۲۷۷ .

علی بن علی

- ۱۶۹ -

علی بن علی .

پشجاعت و شهامت معروف بوده و در جنگ و دلاوری او را ستوده
اند ، بمیدان آمد رجز خواند و رزمی سخت نمود و بسی از دشمن
کشت که بعضی از ارباب مقاتل شصت و چهار تن و بیشتر نوشته اند ،
آنگاه لشکریان او را در پره انداختند و از هر سوی بطعن و ضربش
آسیبی رساندند ، و ناتوان گردید بحدی که ناتوان گشت و دستگیر
شد . و به نزد ابن سعد آوردند . فرمان داد تا سرش را از تن جدا
کنند .

- ۱۶۷ -

کنند .

ناسخ التواریخ ۲ / ۲۱۱ . ینابیع المودة
 / ۳۴۳ . ابو مخنف / ۷۰ . و در بعضی
از کتب مقاتل او را معلا بن العلاء قید
کرده اند .

مقسط

- ۱۷۰ -

مقسط بن عبدالله بن زهیر بن حارث تغلبی .
در شمار دلاوران است و همراه برادرش قاسط و کردوس به امام
حسین (ع) پیوست و شهید گردید .

تنقیح المقال ۳ / ۲۴۶ . ابصار العین
 / ۱۱۴ . جامع الرواه ۲ / ۲۶۲ .

منحج بن سهم

- ۱۷۱ -

منحج بن سهم . . . غلام امام حسین (ع) .
مادرش کنیز بود نزد نوفل بن حارث بن عبدالمطلب و امام
حسین (ع) او را خرید و نامش را (حسنيه) گذارد و در خانه حسین
(ع) خدمتگذار بود، و با سهم ازدواج نمود و منحج متولد گشت و
غلام امام (ع) گردید، و هنگام خروج و قیام حسین (ع) مادرش او را
همراه امام به مکه آورد، و از آنجا به کربلا و منحج دلیرانه مبارزه

- ۱۶۸ -

کرد و حسان بن بکر حنظلی او را بکشت .

جامع الرواة ۲/۲۶۳ . تنقیح المقال

۳/۲۴۷ . منتهی الآمال ۱/۲۵۷ .

ابصار العین ۵۴/ . ناسخ التواریخ

۲/۳۱۴ .

منیع

- ۱۷۲ -

منیع بن رقاد (زیاد) .

از یاران امام حسین (ع) و شهیدان کربلا است . و بعضی گویند .
منیع بن رقاه . . . و در زیارت ناحیه مقدسه ضمن ذکر نامهای شهیدان
گوید . منیع بن زیاد .

تنقیح المقال ۳/۲۵۲ . راهنمای

دانشوران ۳/۲۲۲ . جامع الرواة

۲/۲۷۰ .

موسی بن عقیل

- ۱۷۳ -

موسی بن عقیل بن ابی طالب .

مادرش ام البنین فرزند ابی بکر بن کلاب عامری .

در شمار دلاوران و رزمندان است و همراه امام (ع) از مدینه

کربلا آمده و شهید گشته است .

- ۱۶۹ -

ابومخنف / ۷۴ . تنقیح المقال ۳ / ۲۵۷ .
ناسخ التواریخ ۲ / ۳۱۹ . ینابیع الموده
۳۴۴ / .

موقع بن ثمامه

- ۱۷۴ -

ابو موسی موقع بن ثمامه بن اثال اسدی صیداوی کوفی .
در طبقه تابعین و از یاران امیر المؤمنین (ع) است و در کوفه
میزبست و جنبش و جوشی داشته و پس از آمدن شمر ابن ذی الجوشن
به کربلا از کوفه آمده و به حسین (ع) پیوست و در نبرد تیرهایش
تمام شد، سپس دو زانو بر زمین نشست و تیر سپاه را با دست و
سینه رد میکرد، و جراحی بسیار برداشت و بیهوش گردید. بنی اسد
که با او از یک قبیله بودند او را از میدان مخفیانه ربودند، و پنهان
ساختند و او را معالجه کردند عمر بن سعد پس از پایان جنگ خبر
را به عبیدالله بن زیاد رساند، ابن زیاد او را طلبید و خواست بکشد
عشیره اش قیام و شفاعت نمودند و ابن زیاد از کشتن او در گذشت
لیکن بند آهنی بر او نهاد و به (زراره) که قریه ایست در بحرین
تبعید کرد، و او سخت بستری شد و پس از یکسال اقامت در آنجا در
گذشت .

تنقیح المقال ۳ / ۲۶۰ . راهنمای دانشوران
۳ / ۲۲۸ . ابصار العین / ۶۸ .

نافع بن هلال

- ۱۲۵ -

نافع بن هلال بن نافع بن جمل بن سعد العشيرة جملی مرادی
مذحجی .

با فضل و کمال بوده و از بزرگان قوم خویش بشمار میرفته و حافظ
قرآن و حدیث است و به امیرالمؤمنین (ع) دلباخته و عاشق و در
رکاب امام به جنگ رفته و مبارزه نموده و در نبرد مهارت و شجاعت
و قابلیت اظهار کرده از خبر قیام حسین (ع) با خبر شده و بسوی او
حرکت کرد، و در منزلگاه (عذیب الیهجانات) به او پیوست و هنگامیکه
حر بن یزید نسبت به امام حسین (ع) سخت گیری و شدت نشان داد
پس از خطبه حسین (ع) سخنرانی با ارزشی نمود، و رضایت خدا و
رسول الله (ص) را معطوف خویش گردانید .

نافع همراه بیست نفر و به رهبری ابا الفضل روانه (فرات) شد
تا آب جهت کودکان و مخدرات بیاورند، و وقتیکه سپاه کوفه ازگرفتن
آب جلوگیری کردند نافع دستور داد تا آن بیست نفر مشکها را پر از
آب کنند و خودش همراه ابا الفضل با دشمن بجنگ و مبارزه پرداخت
و دشمن به عقب نشینی مجبور کرد، و اصحاب آبرا به خیمه رسانید
و در آن هنگام زخمی نافع برداشت و گمان نمود آسیبی ندارد آن
زخم سپس ریشه دوانید و زخم وخیم تر شد و در اثر تسمم از دنیا
برفت .

و بروایتی نافع در اثر آن زخم بستری شد، و اسیر گشت و به
عبدالله بن زیاد بردند و در کوفه شمر بن ذی الجوشن او را گردن
زد .

بعضی از مؤرخین به اشتباه افتاده‌اند، و نافع بن هلال را هلال بن نافع قید کرده‌اند و گمان نموده‌اند که دو نفر میباشند و این اشتباه از مؤلف (ناسخ التواریخ) سرچشمه گرفته لذا در ناسخ هم (نافع بن هلال) آمده است از شهداء و هم (هلال ابن نافع) و گروهی در شمار اصحاب حسین (ع) نافع ترجمه کرده‌اند، و اینها اکثریت مؤرخین را تشکیل می‌دهند، و به علت عدم تحقق در وجود - هلال بن نافع از هلال صرف نظر کرده‌ایم .

ابن الاثیر ۴ / ۶۷ . مقتل خوارزمی
 ۲ / ۱۴ . ابصار العین / ۸۶ . جلاء
 العیون ۲ / ۱۸۶ . ناسخ التواریخ
 ۲ / ۲۷۹ . جامع الرواة ۲ / ۲۸۹ .
 تنقیح المقال ۳ / ۲۶۶ . منتهی الامال
 ۱ / ۲۶۴ . المناقب ۴ / ۱۰۴ . وقایع
 الايام ۴۳۵ / . البداية و النهاية
 ۸ / ۱۸۴ . مقاتل الطالبیین / ۱۱۷ .
 الاثلام ۸ / ۳۱۹ . و گوید : که نافع
 نام خود را روی تیرهایش نقش کرد بود .

نصر بن ابی نیرز

- ۱۷۶ -

نصر بن ابی نیرز .

غلام امیرالمؤمنین (ع) و بزرگ شده خاندان رسالت و عصمت و طهارت و در حمله اولی شهید گردید، و پدر نصر همان است که

- ۱۷۲ -

در نخلستان علی (ع) کار میکرد و از اصحاب رسول الله (ص) است و از فرزندان پادشاهان عجم و پس از وفات پیامبر اکرم (ص) به خاندان علی (ع) پیوست و در مدینه دو قطعه زمین درختکاری داشته که به فقرای شهر مدینه وقف نموده با تولیت امام حسین (ع) و یکی از آن باغها را معاویه از امام حسین (ع) به مبلغ چهار صد هزار درهم خواست اکتیاع کند امام (ع) قبول نفرمود.

الأصابة ۴/ ۱۹۹. ابصار العین ۵۴/

منتهی الآمال ۱/ ۲۵۷.

نعمان بن عمرو

- ۱۷۷ -

نعمان بن عمرو بن ازدی راسبی.

از یاران و انصار علی بن ابی طالب (ع) در صفین با کمال دلیری و شجاعت مبارزه کرد، و نسبت به خاندان رسالت جان نثار بوده و از حمایت و دفاع از امام لحظه عقب نمانده و مردم را جهت یاری حسین (ع) میخواند، شب هشتم محرم کربلا رسید و به امام (ع) پیوست و در راه مقاصد حسین (ع) شهید گردید، همراه برادرش حلاس بن عمرو.

تنقیح المقال ۳/ ۲۷۳. ابصار العین

۱۰۹/ المناقب ۴/ ۱۱۳. ناسخ

التواریخ ۲/ ۲۸۲.

نعیم بن عجلان

- ۱۷۸ -

نعیم بن عجلان بن نعمان بن عامر بن زریق انصاری خزرچی .
نعیم و دو برادرش (نظر) و (نعمان) از اصحاب رسول الله
(ص) بوده‌اند و از یاران و دوستان و موالین علی (ع) و هر سه در
جنگ (صفین) شرکت جسته‌اند ، و دارای فضل و کمال میباشند ، و از
دلیران و قهرمانان با ایمان و عقیده و در شمار ادیبان و شعراء هستند .
علی به اہی طالب (ع) نعمان را فرماندار (بحرین) قرار داد و
مدتی در آن دیار بوده و در خلافت امام حسن (ع) نعمان و نظروفات
کردند ، و نعیم در کوفه بماند و با قیام حسین (ع) به کربلا آمد و در
حمله اولی قبل از ظهر عاشورا شهید شد .

جامع الرواة ۲ / ۲۹۵ . ناسخ التواریخ

۲ / ۲۸۲ . تنقیح المقال ۳ / ۲۷۴ .

منتہی الامال ۱ / ۲۵۴ . المناقب

۴ / ۱۱۳ . ابصار ۹۴ / ۱ . اسد الغابۃ

۵ / ۲۶ . الطبقات الکبریٰ ۸ / ۳۹۰ . ابن

ابی الحدید ۲ / ۴۴۶ . وقعة صفین

۴۳۲ / ۱ . الاعلام ۹ / ۷ . الاصابة ۴ / ۵۶۲ .

وہب کلبی

- ۱۷۹ -

وہب بن عبدالله بن حباب کلبی .

- ۱۷۴ -

به تقوی و ایمان و دلاوری معروف بوده و جوانی زیبا روی و نیکو
خوی با رخساره^۶ چون ماه:

هر چه بر صفحه^۶ اندیشه کشد کلک خیال

شکل مطبوع تو زیباتر از آن ساخته‌اند

و همراه مادر و عیال در یاران امام حسین (ع) حضور داشته و
نوداماد بود، و هفدمروز از دامادی او گذشته و مادری داشت او را
(قمر) میگفتند پیش وی آمد، و گفت ای فرزند دلبنده با آنکه فراق
تو بر من سخت است اما بنگر که جگر گوشه^۶ مصطفی درین دشت کربلا
در مانده می‌خواهم امروز مرا از خون خود شربتی دهی تا شیری که از
پستان من خورده‌ای بر تو حلال گردد، و تمنای آن را دارم که نقد
جان بر طبق اخلاص نهاده پیش امام حسین (ع) بری تا فردای قیامت
از تو راضی باشم جان مادر برو و پیش آن سرور سرفدا کن و تو مانند
مردان راه خدا ترک هوا و هوس کن.

و هب به تحریش مادر ساخته^۶ جهاد شد، و بمیدان اسب تاخت
و رجز خواند و مبارزه نمود، و جمعی را بقتل رسانید و از میدان باز
شتافت و بنزدیک مادر و عیالش آمد، و بمادر گفت آیا از من راضی
شدی؟ گفت راضی نشوم تا آنکه در پیش روی حسین (ع) کشته شوی و
شفاعت جدش در قیامت شامل حالت شود، پس و هب مجدداً " به میدان
برگشت .

و هب بمهارت بجنگید تا دو دستش قطع گردید. و بر زمین افتاد
و سرش را بهریدند و در پیش لشکر حسین (ع) انداختند مادرش بر
جست و سر پسر برگرفته روی بر روی او مینهاد و می‌گفت. احسنت...
نیکو کردی ای جان مادر و ای حلال زاده مادر اکنون رضای من تمام تر
شد، و بشهدای راه خدا واصل گشتی...
...

مادر وهب عمود خیمه برگرفت و به رزمگاه در آمد، و گفت ای وهب پدر و مادرم فدای تو باد ... حسین (ع) چون چنین دید فرمود: از اهل بیت من جزای خیر بهره شما باد ... بخیمه ای مادر برگرد خدا ترا رحمت کند پس آن زن به سوی خیام برگشت .

همسر وهب بعد از شهادت شوهرش بیتابانه سوی وهب دوید، و صورت بر صورت او نهاد شمر به غلام خود فرمان داد تا با عمودی بر سر آن زند و غلام نیز کرد و این نخستین زنی بود که در لشکر امام (ع) بقتل رسید .

بنا به گفته (جلاء العیون) وهب و مادرش نصرانی بودند و اخیراً " هدایت یافته و مسلمان شده بودند .

مقتل خوارزمی ۱۲/۲ . المجالس السنیة

۹۸/۱ . ناسخ التواریخ ۲/۲۶۹ .

ابو مخنف / ۷۱ . البدایة و النهایة

۱۸۱/۸ . روضة الشهداء / ۲۸۹ .

المناقب ۴/۱۰۴ . اللهوف / ۱۰۵ .

وقایع الايام / ۴۰۷ . جلاء العیون

۱۸۲/۲ .

وقاص بن مالک

- ۱۸۰ -

وقاص بن مالک .

مؤلف - روضة الشهداء - گوید: بعد از شهادت حماد ابن انس وقاص بمیدان تاخت و هنوز دوازده تن را زیاده نکشته بود که ناحفاظی

- ۱۷۶ -

بر روی تاخت و بطعن نیزه‌اش بر خاک مذلت انداخت فراش قدرت
سایبان عزت وی را در عرصهٔ جنان برافراخت و ساقی قضا از بادهٔ
جام رضا در محفل ارتضا او را مست و سرانداز ساخت .

روضة الشهداء / ۲۹۵ .

هفهاف

- ۱۸۱ -

هفهاف بن مهند راسبی بصری .

در شمار شیعیان بصره و از مخلصین و فداکاران و دلیر و قهرمانان
با وفا و شهامت مکتب تشیع است و در محبت اهل بیت عصمت بی
نظیر بوده، و در جنگها و فتوحات با امیرالمؤمنین (ع) در حرکت و
انتقال بود، و در (صفین) شرکت داشته و پس از شهادت علی (ع)
به امام حسن (ع) پیوست و بعد از او به امام حسین (ع) و با شنیدن
خبر حرکت حسین (ع) به عراق از بصره باشتاب در آمد، و شب و روز
در راه می‌تاخت تا به کربلا رسید اما وقتی رسید که امام حسین (ع)
شهید گشته بود، و سپاه عمر بن سعد به جمع آوری غنائم و غارت
دست زده و مشغول بود .

هفهاف وارد سپاه کوفه شد و پرسید چه خبر است . . . ؟ حسین

بن علی کجاست . . . ؟ گفتند : تو کیستی پاسخ داد هفهاف راسبی
بصری آمده‌ام برای یاری امام حسین (ع) گفتند : حسین کشته شد و
حرمگاه او طعمهٔ آتش گشت و زنان و مخدرات غارت شدند، و به اسیری
خواهند برد . . . همینکه خبر کشته شدن امام (ع) را شنید شمشیرش
را برهنه کرد، و دلیرانه جنگید و گروه زیادی بکشت سپاه از هر سو

آهنگ قتلش کردند و با تیر و نیزه بدن او را قطعه قطعه ساختند .
راهنمای دانشوران ۱/۳۶۹ . تنقیح
المقال ۳/۳۰۴ .

یحیی بن سلیم

- ۱۸۲ -

یحیی بن سلیم مازنی .

در شمار اصحاب و یاران امام حسین (ع) است و در میدان یک
نواخت نمی‌جنگید ، بلکه لشکر را بهم میزد و بقتل میرساند و مرد
مبارزه و کارزار دیده بود ، و در اثناء مبارزه این آیه را می‌خواند .
ان محیای و مماتی لله رب العالمین (۱) و شهید گشت .

مقتل خوارزمی ۲/۱۷ . المناقب ۴/۱۰۲

جلاء العیون ۲/۱۹۰ . ناسخ التواریخ

۲/۲۹۳ . روضة الشهداء / ۲۹۹ .

مستدرک الوسائل ۳/۸۵۷ .

یحیی بن کثیر

- ۱۸۳ -

یحیی بن کثیر انصاری .

۱ - سوره انعام / ۱۶۲ .

- ۱۷۸ -

پس از شهادت حجاج بن مسروق اجازه مبارزه یافت و به میدان شتافت و شجاعت و شهامت بزرگی نمودار کرد، و کشته شد. و بروایت ابو مخنف بعد از شهادت یزید بن مهاجر به میدان رفت.
ابو مخنف / ۶۹. ناسخ التواریخ ۲/ ۲۹۲.

یحیی بن هانی

- ۱۸۴ -

یحیی بن هانی بن عروه مرادی عطیفی.
فرزند هانی بن عروه است که مسلم به عقیل را در کوفه بخانه خود راه داد و در پناه خود گرفت فقط از این نظر که باو پناه برده است و خود در جواب مسلم وقتی که از او درخواست پناهندگی کرد گفت: مرا بکاری دور از خرد تکلیف کردی و هر گاه پای این موضوع در میان نبود که بخانه من در آمدی و بمن اعتماد کردی خوشتر داشتم بتو بگویم از خانه من بیرون برو، اما آمدنت تعهدی برای من آورد بخانهام در آفرما.
و راستی هانی بتعهدش وفا کرد تا جان خود را در این راه از کف داد.

یحیی پس از کشته شدن پدرش فرار کرد و مخفی شد و باشنیدن خبر ورود حسین (ع) به کربلا روح تازه‌ای بر او دمید لذا از مخفیگاه بیرون آمد و به امام (ع) پیوست و شهید گشت.

راهنمای دانشوران ۳/ ۳۴۲. تنقیح

المقال ۳/ ۳۲۲. مستدرک الوسائل

۳/ ۸۵۵. مروج الذهب ۳/ ۶۷. ابن

اللاءثیر ۴/ ۱۵۰ . مقاتل الطالبیین
۹۷/ . جمهرة انساب العرب / ۳۸۲ .
اللاءعلام ۹/ ۵۱ . سفینه البحار
۲/ ۷۲۳ . تاریخ حبیب السیر ۲/ ۴۲
- ۴۷ . الطبقات الکبری ۴/ ۴۲ .

یزید عبدی

- ۱۸۵ -

یزید بن شبیط قیسی عبدی بصری .

در شمار شیعیان متعصب و با وفا و اخلاص بوده و از یاران و دوستان ابواللاءسود دوءلی ، و دارای نیرو بدنی و قدرت مالی و در قبیلهء خویش مقام بلندی داشت محترم . و ده پسر داشت و آنها را بیاری امام حسین (ع) دعوت کرد ، و فقط دو پسر اجابت نمود بنام عبدالله و عبیدالله ، و با خود همراه گروهی از شیعهء بصره در روزهای بسته شدن دروازهء شهر از بصره خارج شدند و به (ابطح) رسیدند ، خیمه بر پا نمودند و استراحت کرد ، و سپس در جستجوی حسین (ع) برآمد ، و خبر خروج یزید عبدی را قبلا به امام داده بودند ، و حسین (ع) نیز در صدد او بود تا آنکه امام (ع) به خیمهء یزید رسید و نشست در انتظار یزید .

یزید نتوانست حسین (ع) را پیدا کند و خسته و پریشان به خیمه برگشت و در راه باو گفتند : امام حسین (ع) در تعقیب اوست یزید آمد دید امام به خیمهء او آمده است گفت : بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا ... السلام علیک یا ابن رسول الله ...

- ۱۸۵ -

سپس مقصود خودش را از خروج به امام (ع) گفت . و امام (ع) او را دعا فرمود ، و خیمهء خویش را بر خیمهء امام (ع) ملحق و پیوست و در رکاب حسین (ع) بود تا آنکه همراه دو فرزندش شهید گردید .
و معلوم میشود که (یزید بن معاویه) با شنیدن خبر قیام و حرکت حسین (ع) دستور داده است که دروازهء تمام شهرهای عراق را ببندند ، و مانع از بیرون رفتن مردم شوند تا مبادا کسی به نصرت حسین (ع) بشتابد .

جامع الرواة ۲/ ۳۴۲ . تنقیح المقال
۳/ ۳۲۵ . ابصار العین / ۱۱۵ . ناسخ
التواریخ ۲/ ۳۱۴ .

یزید بن حصین

- ۱۸۶ -

یزید بن حصین مشرقی همدانی .
به جوانمردی و فتوت و تهجد و عبادت معروف است و در کوفه از قهرمانان با ایمان و متعبدین با حقیقت محسوب میگشت اضافه بر صفات و کمالات نفسانی ، و خصایص اخلاقی که در او ریشه دوانیده بود ، و در وجود او حکومت داشت و در جنگها و نبردها موجب شگفت دوست و دشمن گردیده و با مسلم ابن عقیل بیعت نمود و از او حمایت کرد .
روز عاشورا قبل از ظهر با گروهی از یاران حسین (ع) بدرجهء شهادت رسید .

تنقیح المقال ۳/ ۳۲۵ . ناسخ التواریخ
۲/ ۳۱۴ . جامع الرواة ۲/ ۳۴۲ . سفینه
البحار ۲/ ۵۸۱ .

- ۱۸۱ -

یزید بن زیاد

- ۱۸۷ -

ابوالشعثاء یزید بن زیاد بن مهاصر کندی بهدلی .
با انسانیت و شرافت و حقیقت دوست و ایمان پرور بوده و نسبت
به خاندان عصمت با وفا و اخلاص میباشد ، با شنیدن خبر قیام حسین
(ع) به کربلا روانه شد و در راه امام (ع) شهید گشت .
یزید بعد از شهادت حنظله بمیدان آمد و هشت تیر بجانب سپاه
کوفه انداخت و پنج تن از آنها بکشت و هر که می انداخت امام (ع)
میفرمود : خدایا تیر او را به هدف صواب رسان و بهشت را ثواب دست
مزد او گردان .

بروایتی ، پدر یزید از محدثین بوده .

و بهدل منسوبست به بنی بهدل که تیره ایست از قبیله سعد .
روضة الشهداء / ۳۱۰ . جامع الرواة
۳۴۳/۲ . البداية والنهاية ۱۸۵/۸ .
ابن الاثیر ۴/۷۳ . ابصار العین / ۱۰۲
جلاء العیون ۲/۱۸۶ . ناسخ التواریخ
۳۰۶/۲ . تنقیح المقال ۳/۳۲۶ .
راهنمای دانشوران ۱/۸۷ . منتهی
الامال ۱/۲۶۷ . المناقب ۴/۱۰۳ .

یزید بن مغل

- ۱۸۸ -

یزید بن مغل بن جعف بن سعد العشیره جعفری مدحجی .
در شمار اصحاب رسول الله (ص) است و قهرمانی موءمن از قهرمانان
اسلام جنگها و نبردها دیده و در جنگ (قادسیه) و (صفین) شرکت
کرده و از جان نثاران امیرالمؤمنین (ع) است علی (ع) در داستان
خوارج او را به جنگ (خریط بن راشد) که در اهواز قیام کرده بود
فرستاد، و یزید او را سرکوب نمود. سپس به امام حسین (ع) پیوست
و از مکه همراه حسین (ع) بود تا در کربلا شهید گردید .

تنقیح المقال ۳/ ۳۲۸ . ابصار العین

۹۱/ . ناسخ التواریخ ۲/ ۳۱۴ .

یزید بن مهاجر

- ۱۸۹ -

یزید بن مهاجر (مهاصر) جعفری کوفی .
اریاب مقاتل گویند: بعد از شهادت چون غلام ابی ذر غفاری
یزید بن مهاجر قدم در میدان نهاد و شهید گردید .

ابومخنف / ۶۸ . مقتل خوارزمی ۲/ ۱۹ .

روضه الشهداء / ۳۰۶ . المناقب

۱۰۳/۴

- ۱۸۳ -

کودکی از خاندان عصمت

- ۱۹۰ -

ابن کثیر عماد الدین دمشقی شافعی متوفی بسال ۷۷۴ هـ گوید: که طفلی از سراپرده^۶ امام حسین (ع) بیرون شد که دو گوشواره^۶ از در برگوش داشت و از وحشت و حیرت بجانب راست و چپ مینگریست و از آن واقعه^۶ هولناک در بیم و اضطراب بود که گوشواره‌های او از لرزش سر و تن لرزان بود، در اینحال هانی بن ثبیت بر او حمله کرد و او را شهید نمود.

گویند: این کودک از خاندان حسین (ع) بود، و در دست عمودی داشت که جهت جهاد به میدان روانه گردید.

و نیز گفته‌اند: هنگام شهادت آن طفل شهربانو مدهوشانه باو نظر میکرد و یاری سخن گفتن و حرکت کردن نداشت. و این شهربانو غیر مادر امام زین العابدین (ع) است زیرا آن مخدره هنگام ولادت امام سجاد (ع) وفات نمود.

جلاء العیون ۲/ ۲۰۱. البدایة والنهاية

۱۸۶/ ۸. منتهی الامال ۱/ ۲۷۷.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأَنَّ لِلَّهِ عِلْمًا

اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على
عظيم رزيتي . اللهم ارزقني شفاعۃ الحسين يوم الورود و ثبت لي قدم
صدق عندك مع الحسين و اصحاب حسين الذين بذلوا مهجهم دون
الحسين عليه السلام ...

فهارس

منابع و مأخذ

نام ياران امام حسين (ع)

ابصار العين	شيخ محمد سماوى
اخبار شعراء شيعة	محمد بن عمران مرزبانى
اسد الغابة	على بن الاثير ١ - ٥
اصابة فى معرفه الصحابه	ابن حجر عسقلانى ١ - ٤
الاء اعلام	خيرالدين زرکلى ١ - ١١
اعلام الورى	امين الاسلام طبرسى
البداية و النهاية	ابن كثير دمشقى ١٠ - ١٤
بطل فخر	شيخ محمد هادى امينى
تاريخ الخميس	حسين ديار بكرى ١ - ٢
تاريخ الملوك والاءمم	ابن جرير طبرى ١ - ١٢
تحفه الاحباب	شيخ عباس قمى
تذكرة الخواص	سبط ابن الجوزى
تنقيح المقال	شيخ عبدالله مامقانى ١ - ٣
تهذيب التهذيب	ابن حجر عسقلانى ١ - ١٢
جامع الرواة	ميرزا محمدعلى اردبيلى ١ - ٢
جلاء العينون	سيد عبدالله شير ١ - ٣
جمهرة انساب العرب	ابن حزم اندلسى

احمد صفوت ١ - ٣	جمهرة خطب العرب
خواند امير ١ - ٤	حبيب السير
سيدعلى اكبر برقى قمى ١ - ٣	راهنماى دانشوران
علامه حلى	رجال
ملاحسين واعظ كاشفى	روضة الشهداء
زين العابدين رهنما	زندگاني امام حسين
شيخ عباس قمى ١ - ٢	سفينه البحار
شيخ خليل كمره اى صيمرى	سلمان فارسى
ابن سعد محمد ١ - ٨	الطبقات الكبرى
شيخ محمدعلى خيابانى	علمائى معاصرين
جمال الدين ابن عنبه	عمده الطالب
شيخ عبدالحسين امينى ١ - ١١	الغدير
شيخ محمد هادى امينى	فاطمه بنت الحسين (ع)
ابن صباغ مالكى	الفصول المهمة
شيخ طوسى محمدبن حسن	فهرست
سيدعلى اكبر برقى قمى	كانون احساسات
ابن الاثير ١ - ١٣	الكامل فى التاريخ
ابوالحسن اربلى ١ - ٢	كشف الغمة
حافظ گنجى شافعى	كفاية الطالب
شيخ عباس قمى ١ - ٣	الكنى و الالقاب
ابن الاثير جزرى ١ - ٣	اللباب
سيد ابن طاوس	اللہوف
سيد محسن امين عاملى ١ - ٢	المجالس السنية
قاضى نور الله ١ - ٢	مجالس المؤمنین

ابوالحسن مسعودی ۱ - ۴	مروج الذهب
محمد بن طلحه شافعی	مطالب السؤل
ابن قتیبه	المعارف
المحدث النوری ۱ - ۳	مستدرک الوسائل
ابوالفرج اصفهانی	مقاتل الطالبیین
ابو مخنف	مقتل الحسین
موفق الدین خوارزمی ۱ - ۲	مقتل الحسین
ابن شهر آشوب ۱ - ۴	مناقب
شیخ عباس قمی ۱ - ۲	منتهی الامال
عباس قلی سپهر ۱ - ۳	ناسخ التواریخ (حسین)
حافظ زرندی حنفی	نظم در السمطین
شیخ محمد علی خیابانی	وقایع الایام
نصر بن مزاحم	وقعه صفین
حافظ سلیمان قندوزی	ینابیع الموده

جابر بن حجاج	۳۸	مقدمه	۶
جابر بن عروه	۳۹	ياران فداكار حسين	۸
جبار بن حارث	۳۹	سپاه عبیدالله بن زیاد	۱۱
جبله شیبانی	۴۰	قیام توابعین	۱۳
جعفر بن عقیل	۴۰	ابوبکر بن حسن	۱۸
جعفر بن علی	۴۲	ابوبکر بن علی	۲۰
جعفر بن محمد	۴۳	ابو ثمامه عمرو	۲۲
جناده ازدی	۴۳	ابو الحتوف	۲۴
جناده انصاری	۴۴	ابو دجانة	۲۴
جندب بن حجیر	۴۴	ابو صمصام	۲۵
جون غلام اباندر	۴۵	ابو عمرو و نهشلی	۲۵
جوین بن مالک	۴۷	ابو عمره زیاد	۲۶
حارث بن امری القیس	۴۸	ابراهیم بن حنین	۲۶
حارث بن نبهان	۴۸	ابراهیم بن علی	۲۷
حاباب تیمی	۴۹	احمد بن حسن	۲۸
حبيب بن مظاهر	۴۹	احمد بن محمد هاشمی	۲۸
حبشه نهمی	۵۲	ادهم عبدي	۲۹
حجاج جعفی	۵۲	اسلم بن کثیر	۳۰
حجاج بن زید	۵۳	اسماعیل بن عبدالک	۳۱
حجاج بن بدر	۵۳	اشعث بن سعد	۳۲
حر ریاحی	۵۴	امیه بن سعد	۳۲
حسن مثنی	۵۸	انس اسدی	۳۳
حلاس بن عمرو	۵۹	انیس اصبحی	۳۴
حماد بن انس	۶۰	بریر بن خضیر	۳۴
حنظله بن اسعد	۶۱	بشر حضرمی	۳۶
حنظله بن عمرو	۶۲	بکر تمیمی	۳۸

شبيب وحيدى	۸۲	حيان بن حارث	۶۲
شبيب بن عبدالله	۸۲	خالد بن عمرو	۶۲
شريح بن عبید	۸۳	خلف بن مسلم	۶۳
شوذب	۸۴	رافع بن عبدالله	۶۴
ضرغامه تغلبى	۸۵	زاهر	۶۴
طرماح بن عدى	۸۵	زهير ازدي	۶۵
ظهیر بن حسان	۸۶	زهير خثعمى	۶۶
عامر بن مسلم	۸۸	زهير بجلى	۶۶
عائذ بن مجمع	۸۹	زهير بن حسان	۶۹
عباد بن مهاجر	۸۹	زياد صائدى	۷۱
عباس بن جعده	۹۰	زياد مظاهر	۷۲
عباس بن على (ع)	۹۰	سالم	۷۲
عباس بن على (ع)	۹۴	سالم بن عمرو كوفى	۷۳
عبدالله بن يزيد	۹۵	سعد حصرمى	۷۳
عبدالرحمن خزرجى	۹۵	سعد انصارى	۷۳
عبدالرحمن ارحبى	۹۷	سعد تميمى	۷۴
عبدالرحمن بن عروة	۹۸	سعد خزاعى	۷۵
عبدالرحمن بن عقيل	۹۹	سعد بن عبدالله	۷۵
عبدالرحمن تيمى	۱۰۰	سعيد بن عبدالله حنفى	۷۶
عبدالله بن ابى سفيان	۱۰۰	سلمان مضارب	۷۷
عبدالله بن بشير	۱۰۱	سليمان اسدى	۷۷
عبدالله بن حسن	۱۰۱	سوار بن منعم	۷۸
عبدالله بن حسن	۱۰۳	عابس شاكرى	۷۸
عبدالله بن عروه	۱۰۳	سويد بن عمير	۷۹
عبدالله بن عقيل	۱۰۴	سيف جابرى	۸۰
عبدالله بن عقيل	۱۰۴	سيف بن مالك	۸۱

عمر بن عبد الله	۱۳۳	عبدالله بن علی (ع)	۱۰۵
عمر بن قرظه	۱۳۴	عبدالله بن عمیر	۱۰۶
عمرو بن مطاع	۱۳۵	عبدالله بن مسلم	۱۰۸
عمیر بن عبدالله	۱۳۵	عبدالله یتیم	۱۰۹
عون بن جعفر	۱۳۶	عبدالله بن یزید	۱۱۰
عون بن عبدالله	۱۳۶	عبدالله بن یقطر	۱۱۰
عون بن عقیل	۱۳۸	عبیدالله بن حارث	۱۱۱
عون بن علی (ع)	۱۳۸	عبیدالله بن عبدالله	۱۱۲
غره	۱۳۹	عبیدالله بن علی	۱۱۳
فضل بن علی (ع)	۱۴۰	عبیدالله بن یزید	۱۱۴
قارب بن عبدالله	۱۴۰	عتیق بن علی (ع)	۱۱۴
قاسط بن عبدالله	۱۴۱	عثمان بن علی (ع)	۱۱۵
قاسم بن حبیب	۱۴۲	عقبه بن صلت	۱۱۶
قاسم بن حسن (ع)	۱۴۲	عقیل بن عقیل	۱۱۷
قاسم بن حسین (ع)	۱۴۶	علی بن حر	۱۱۷
قاسم بن علی (ع)	۱۴۶	علی بن الحسین (ع)	۱۱۸
قره غفاری	۱۴۷	علی بن الحسین اصغر	۱۲۲
قعب بن عمرو	۱۴۸	علی بن مظاهر	۱۲۵
قیس بن مسهر	۱۴۸	عمار دالانی	۱۲۶
قیس بن منبه	۱۵۱	عمار بن حسان	۱۲۷
کردوس بن عبدالله	۱۵۲	عمار بن صلخب	۱۲۷
کنانه بن عتیق	۱۵۲	عمر بن علی (ع)	۱۲۸
مالک بن انس	۱۵۳	عمرو بن جناده	۱۲۹
مالک بن اوس	۱۵۳	عمرو بن جندب	۱۳۰
مالک بن دودان	۱۵۴	عمرو بن خالد	۱۳۱
مالک بن سریع	۱۵۴	عمرو بن ضبیعه	۱۳۲

منيع بن رقاد	۱۶۹	مجمع بن زياد	۱۵۵
موسى بن عقيل	۱۶۹	مجمع بن عبدالله	۱۵۵
موقع بن ثمامه	۱۷۰	محمد بن ابى سعيد	۱۵۶
نافع بن هلال	۱۷۱	محمد بن انس	۱۵۷
نصر بن ابى نيرز	۱۷۲	محمد بن جعفر	۱۵۸
نعمان بن عمرو	۱۷۳	محمد بن عبدالله	۱۵۸
نعيم بن عجلان	۱۷۴	محمد بن على (ع)	۱۶۰
وهب بن عبدالله	۱۷۴	محمد بن على (ع)	۱۶۰
وقاص بن مالك	۱۷۶	محمد بن مسلم	۱۶۱
هفهاف بن مهند	۱۷۷	محمد بن مطاع	۱۶۲
يحيى بن سليم	۱۷۸	محمد بن مقداد	۱۶۲
يحيى بن كثير	۱۷۸	مسعود بن حجاج	۱۶۲
يحيى بن هانى	۱۷۹	مسلم بن عوسجه	۱۶۳
يزيد بن شبيب	۱۸۰	مسلم بن كثير	۱۶۶
يزيد بن حصين	۱۸۱	مسلم غلام حسين (ع)	۱۶۶
يزيد بن زياد	۱۸۲	مصعب بن يزيد	۱۶۷
يزيد بن مغل	۱۸۳	مغلى بن على	۱۶۷
يزيد بن مهاجر	۱۸۳	مقسط بن عبدالله	۱۶۸
كودكى	۱۸۴	منجح بن سهم	۱۶۸
فهارس	۱۸۵		

قیمت ۲۰۰ ریال

انتشارات سعید

خیابان ناصر خسرو - کوچه خدا بنده لو - بازار کتاب - طبقه دوم